

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



فصلنامه رهیویه معماری و شهرسازی
دوره دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۴۰۲



فصلنامه رهیویه معماری و شهرسازی
دوره دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۴۰۲
صاحب امتیاز: دانشگاه سوره

مدیر مسئول: محمدحسین ساعی

سر دبیر: سید غلامرضا اسلامی

ناشر: دانشگاه سوره

اعضای هیات تحریریه اصلی و مشورتی

- محمدحسین ساعی
رئیس دانشگاه سوره و استادیار، گروه ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران.
- سید غلامرضا اسلامی
استاد، گروه معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره، تهران، ایران.
- حسین سلطان زاده
استاد، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
- علیرضا عینی فر
استاد، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- ریما فیاض
استاد، گروه فناوری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
- مینو قره بگلو
استاد، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
- ناصر براتی
دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره، تهران، ایران.
- حسین ذبیحی
دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
- عبدالحمید نقره کار
دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.
- مهران هوشیار
دانشیار، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.
- حیدر جهانبخش
دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
- آزاده شاهچراغی
دانشیار، گروه معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
- قاسم مطلبی
دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مدیر داخلی: پانته‌آ علی‌پور کوهی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه؛ بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال
آماده‌سازی، چاپ و انتشار: انتشارات دانشگاه سوره
نستعلیق «بسم‌الله...»: برگرفته از سوره حمد به خط میرعماد حسینی

نشریه رهیویه معماری و شهرسازی در ویرایش مقالات آزاد است. مسئولیت مطالب و تصاویر درج شده به عهده نویسندگان محترم است. استفاده از مطالب و تصاویر منتشر شده در نشریه، تنها با درج و ارجاع صحیح مجاز است.

نشانی: تهران، خیابان آزادی، بین آذربایجان و خوش، نبش کوچه کامیاران، پلاک ۲۵۲

وبگاه: <http://rau.soore.ac.ir>
رایانامه: architecture.rahpooyeh@soore.ac.ir



دانشگاه سوره

صفحه

عنوان

- ۱۹-۷ □ چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی در نظام شهرسازی ایران
سید رسول قاضوی، حمیدرضا صارمی، هاشم داداش‌پور
- ۲۱-۳۲ □ ارزیابی نقش خلوت بر ارتقای دلبستگی به مکان در کتابخانه دانشگاه فردوسی مشهد
قاسم مطلبی، سمیرا پاکروان، بیتا اسمعیلی، بهاره بهرامی‌فر
- ۳۳-۴۴ □ نقش تعاملات اجتماعی در باززنده‌سازی بافت تاریخی پامنار
امیرمسعود دباغ، مائده افتخاری، مهرانوش مفیدی
- ۴۵-۵۴ □ بررسی طراحی داخلی فضاهای مهدکودک با قابلیت‌های محیطی در ارتقا خلاقیت
رهام شهریاری، حدیثه کامران کسمایی
- ۵۵-۶۸ □ نحو فضا و روابط دیالکتیک کالبدی فرهنگسراهای معاصر تهران
کیوان محمدپور، علی عسگری
- ۶۹-۸۱ □ بررسی شیوه‌های ساخت و پایداری سازه‌های گنبدی و طاقی با مصالح پایدار در معماری دوره ساسانی (نمونه موردی: آتشکده سیاهگل ایوان)
منصور منصوری

یادداشت بر مقاله «ارتقای اصول طراحی نماهای هوشمند
در ساختمان‌های اداری با بهره‌گیری از روش اینترنت اشیا»



با سلام

خوانندگان محترم نشریه رهپویه معماری و شهرسازی
نظر به اینکه مقاله کد RAU-2308-1052 با عنوان «ارتقای
اصول طراحی نماهای هوشمند در ساختمان‌های اداری با
بهره‌گیری از روش اینترنت اشیا» که در دوره ۲، شماره ۳،
سال ۱۴۰۲، در این نشریه منتشر شده، دارای اختلاف میان
نویسندگان است. موضوع از جانب این نشریه در حال پیگیری
است که پس از حصول نتیجه مراتب متعاقباً به اطلاع خواهد
رسید.

https://rau.soore.ac.ir/article_709917.html

DOI: 10.22034/rau.2023.2008909.1052

چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی در نظام شهرسازی ایران^۱

سید رسول قاضوی^۲، حمیدرضا صارمی^۳، هاشم داداش‌پور^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲-۰۹-۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲-۱۲-۰۷

DOI: 10.22034/RAU.2024.2017815.1072

چکیده

کانون توجهات و مبنای فکری پویش‌های شهرسازی در طول یک قرن که از عمر برنامه‌ریزی می‌گذرد، نه در سعادت و کمال انسان و جامعه، بلکه در اقتصاد و پویایی آن با محوریت مادیات بوده است. این در حالی است که محققین اسلامی در مسیر معرفی مدینه فاضله، به اهمیت جایگاه انسان و اهداف متعالی زندگی او و همچنین محیط مناسب برای رشد انسان پرداخته‌اند. لذا در راستای دستیابی به چنین مدلی، پژوهش‌های متعددی تاکنون صورت گرفته است، اما نکته‌ای که در این میان مغفول مانده است عدم توجه به زمینه و بستر لازم جهت عملیاتی کردن الگوی شهر ایرانی اسلامی و موانع تحقق‌پذیری آن است. از این‌رو پژوهش حاضر تلاش دارد، آسیب‌شناسی جامعی از وضعیت کنونی در راستای موانع اجرای الگوی شهر ایرانی اسلامی در نظام شهرسازی ایران ارائه دهد. جهت دستیابی به چالش‌های تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی، یازده مصاحبه با متخصصین و مدیران این حوزه صورت پذیرفت. در پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی و نرم‌افزار اطلس تی جهت تحلیل مصاحبه‌ها استفاده شده است. حاصل تحلیل مصاحبه‌ها دستیابی به ۱۳۳ کد، ۱۲ مقوله و ۴ بعد است. چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی در چهار حوزه چالش‌های نظری، چالش‌های تقنینی، چالش‌های ساختاری و چالش‌های عملکردی به دست آمد که به تحلیل هر یک و زیرمجموعه آن‌ها پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: الگوی شهر ایرانی اسلامی، تحلیل محتوا، نظام شهرسازی ایران، شهرسازی اسلامی

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته برنامه‌ریزی شهری است که در خرداد ۱۴۰۱ در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی آقای دکتر حمیدرضا صارمی و مشاوره آقای دکتر هاشم داداش‌پور از آن دفاع شده است.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، رشته برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: sr.ghazavi@modares.ac.ir

۳. دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
Email: saremi@modares.ac.ir

۴. دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
Email: h-dadashpoor@modares.ac.ir



مقدمه

لذا با توجه به مشکلات الگوها و طرح‌های توسعه شهری کنونی و از طرفی با توجه به اینکه هر تمدنی، ساختار و سازوکار زیست جمعی افراد را بر اساس آموزه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خود ایجاد می‌کند، لازم است در گام دوم انقلاب اسلامی جهت حرکت به سوی برپاسازی تمدن نوین اسلامی، شهر و الگوهای توسعه آن را به عنوان ساختار و سازوکار زیست جمعی افراد، بر اساس عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و کالبدی مورد تأکید اسلام و متناسب با زیست‌بوم ایران شکل داد. در راستای دستیابی به چنین مدلی، مطالعات و پژوهش‌های متعددی تاکنون صورت گرفته است؛ هرچند آنچه تاکنون شده با آنچه باید بشود دارای فاصله‌ای ژرف است، اما نکته‌ای که در این میان مغفول مانده است عدم توجه به زمینه و بستر لازم جهت عملیاتی کردن الگوی شهر ایرانی اسلامی و موانع تحقق‌پذیری آن است. ارائه توصیه‌های کلی و چشم‌اندازها و افق‌های مطلوب، بدون توجه به واقعیت‌های موجود و روندهای نهادی و اجرایی نظام شهرسازی کشور، حاصلی در پی نخواهد داشت. از این‌روی پژوهش حاضر تلاش دارد آسیب‌شناسی جامعی از وضعیت کنونی در جهت دستیابی به موانع و چالش‌های پیاده‌سازی الگوی شهر ایرانی اسلامی در نظام شهرسازی ایران ارائه دهد که در گذشته کمتر بدان پرداخته شده است.

ادبیات نظری پژوهش

یک شهر به‌طورعام از سه رکن تشکیل شده است؛ رکن اول، انسان است که به عنوان اصلی‌ترین عنصر شهر و مهم‌ترین عامل در پدید آمدن و اداره شهر قلمداد می‌شود. که خود متشکل از دو جزء شهروندان و مدیر شهر است. مدیر شهر به‌تمامی افرادی که در اداره، مدیریت، برنامه‌ریزی و طراحی شهری دخیل‌اند، اطلاق می‌شود. رکن دوم، قوانین و مقررات، و رفتار و شیوه‌های تعامل اهل شهر با یکدیگر و با محیط طبیعی و مصنوع است. و رکن سوم، کالبد و سیستم‌های فیزیکی شهر است. به‌بیان‌دیگر سه قلمرو اصلی شکل‌دهنده شهر که اولین وجه؛ وجه فکری و اعتقادی انسان است. وجه دوم؛ وجه فرهنگی، اخلاقی، رفتاری و عملی انسان است. و بالاخره وجه سوم؛ وجه کالبدی است که حاصل عمل انسانی و فضای رفتارها و تجلیگاه باورهای اوست. حال ارکان شهر اسلامی بر اساس این سه قلمرو تعیین می‌گردد. در وجه اول یعنی وجه فکری و اعتقادی، در شهر اسلامی

برنامه‌ریزی و طراحی شهری و هر نوع طرح توسعه‌ای برای پاسخگویی به نیازهای انسان شکل می‌گیرد، این در حالی است که متناظر با هر نوع جهان‌بینی و مکتب فکری و فلسفی تعاریف مختلفی از نیازهای انسان و سلسله‌مراتب اهمیت آنها و نحوه پاسخگویی به آنها وجود دارد. بر این اساس در ادبیات نظری شهرسازی جهان، مقابل هر یک از انواع حکومت‌ها و بنیان‌های فلسفی و اندیشه‌های پایه آن‌ها، نظام‌های شهرسازی مختلفی شکل گرفته‌اند، و به تبع آن شهرسازی با نظام‌های فکری متفاوت پدید آمده‌اند. هر یک از نظام‌های شهرسازی دارای اهداف و خط مشی مشخص و شهرساز دارای ویژگی‌های خاص خود است (نوری، ۱۳۹۷).

از این‌رو بر مبنای نگاه مادی‌گرایانه و اومانستی (انسان‌مدارانه) حاکم بر بینش‌ها و نگرش‌های تمدن مدرن، کانون توجهات و مبنای فکری پویای شهرسازی در طول یک قرن که از عمر برنامه‌ریزی می‌گذرد، نه در سعادت و کمال انسان و جامعه، بلکه در اقتصاد و پویایی آن با محوریت مادیات بوده است (برگرفته از رفیعیان، ۱۳۹۵). این در حالی است که محققین اسلامی در مسیر معرفی مدینه فاضله، به اهمیت جایگاه انسان و اهداف متعالی زندگی او و همچنین محیط مناسب برای رشد انسان پرداخته‌اند. چنین شهری بر پایه اصول و قواعدی بنا شده که انجام الگوهای رفتاری شریعت اسلامی جهت نیل به حیات طیبه انسانی را ممکن می‌نماید (هاشمی طغرالجردی، ۱۳۹۵).

اما متأسفانه بدون توجه به این مهم، الگوهای توسعه شهری وارداتی و تقلیدی بدون توجه به ریشه‌ها و بستر شکل‌گیری آن‌ها و عدم توجه به زمینه‌های بوم آورد، به عنوان نسخه‌ای شفاف‌بخش برای نظام شهرسازی ایران تجویز شده‌اند و مبنای سیاست‌گذاری‌ها و طرح‌های توسعه شهری در ایران قرار گرفته‌اند. تجربه بیش از پنج دهه از ورود این مدل الگوهای توسعه شهری به کشور، نشان می‌دهد این الگوها و طرح‌ها در دستیابی به اهداف خود در جهت تأمین محیطی مطلوب برای زیست شهروندان و ارتقای کیفیت زندگی آنان ناکام بوده‌اند. ارجاع بسیار زیاد طرح‌های توسعه شهری به کمیسیون ماده ۵ و مصوبات بیش‌ازحد این کمیسیون و ناسامانی‌های موجود در شهرهای کنونی، نشان از عدم تحقق‌پذیری و عدم موفقیت این طرح‌ها است.

ویژگی‌ها و فضاها و عناصری است که مردم را در شیوه زیست مورد نظر و مورد علاقه‌شان راهبری و کمک می‌کند؛ و ثالثاً، بر تحولات فرهنگی و ساماندهی رفتارهای مردمان تأثیر دارد. از سوی دیگر، اسلام از ادیان و مکاتبی است که در محیط شهری نضج یافته و اصولاً نسبت به شهرنشینی نظری کاملاً مساعد و تشویق‌آمیز دارد؛ و از سوی دیگر، نسبت به جمع و جماعت نیز التفاتی خاص دارد؛ و لذاست که نمی‌تواند نسبت به موضوعات مختلف مرتبط با شهر بی‌تفاوت باشد (نقی‌زاده، ۱۳۹۴). در مدل شهر اسلامی همه نیازهای مادی و معنوی انسان، مورد توجه است و ساختار شهر بر اساس این نیازها ساختار می‌یابد. غایت فراهم‌آوری مکان باکیفیت یا هدف در شهر اسلامی، مهیاسازی انسان برای پیمودن مسیر تعالی است.

در این بخش جهت آشنایی با مطالعات صورت گرفته در حوزه شهرسازی ایرانی اسلامی، خلاصه‌ای از برخی منابع بررسی شده در این حوزه مورد اشاره قرار گرفته است.

حیبیان و جلالیان (۱۳۹۴) در پژوهش خود تحت عنوان «تطبیق شاخصه‌های شهرسازی اسلامی در فضای شهری»، در ابتدا به تعریف و ماهیت شهر اسلامی پرداخته‌اند و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی را تبیین نموده‌اند؛ که شامل اصل توحید و خدامحوری، حفظ کرامت و عزت نفس آدمی، عدالت، آزادی و برابری، امنیت، اصل مسئولیت و عطف به طبیعت می‌شود. در ادامه به بررسی شاخص‌های شکل‌گیری شهرسازی اسلامی و تطبیق این شاخصه‌ها با فضای شهری امروز و استخراج معیارهای مشترک پرداخته شده است. در این پژوهش ۷ معیار؛



تصویر ۱. عوامل شکل‌دهنده الگوی شهر ایرانی اسلامی.

انسان برخوردار از جهان‌بینی توحیدی است. در وجه دوم، فضای عمل و رفتار او و قوانین شهری برگرفته از ارزش‌های اسلامی و دستورات و بایده‌نویدهای اسلام است. و وجه سوم یعنی فضای عینی و کالبدی شهر نشئت گرفته از دو رکن قبلی، به‌اضافه شرایط خاص محیطی، اقتصادی، فنی و هنری است، که تجلیگاه باورها و ارزش‌های اسلامی است و زمینه و بستر مناسب را برای زندگی مطلوب اسلامی مهیا می‌نماید (برگرفته از نقی‌زاده، ۱۳۸۹).

برای تحقق شهر اسلامی وجود هر سه وجه ذکرشده، ضروری است. بنابراین تعریف شهر اسلامی صرفاً بر اساس یک نوع کالبد خاص و مشخصات هندسی مشخص، امری اشتباه است. حاکم بودن اصول اسلامی و ارکان خاص آن و وجود رفتارهای شهروندی بر اساس آموزه‌های اسلامی و سنت‌های پیامبر (ص) قبل از هر چیز دیگر نشان از اسلامی بودن شهر است و می‌بایست در عناصر و مؤلفه‌های دیگری که نه تنها کالبد، بلکه روح و هویت شهرها را می‌سازند به دنبال نشانه‌هایی از زیست مسلمانان و الگوهای یک شهر اسلامی بود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱).

شهری که نظم و روابط اجتماعی‌اش مبتنی بر اصول و قواعد اسلامی نباشد، شهری اسلامی نیست. شهر اسلامی زمانی تحقق می‌یابد که افراد در عالم دینی قرار گیرند و به این اصول و مبانی ایمان داشته باشند. شهر اسلامی بدون تردید صرفاً با ساختن مسجد، حسینیه، و مظاهر دینی و... اسلامی نمی‌شود، بلکه در صورتی تحقق می‌یابد که عالم دینی تحقق یافته باشد و در اینجا است که با ایجاد شهرهای اسلامی می‌توان به سوی تحقق تمدن اسلامی گام برداشت (مولائی، ۱۳۹۶).

شهر اسلامی شهری است که همه نیازهای معنوی و روانی و جسمی ساکنان خود را تأمین نموده و هیچ نیازی را مغفول نمی‌گذارد. شهر اسلامی یک مفهوم و یک صورت است که مبانی و ارکان و صفات و الگوی آن از تعالیم اسلام قابل استنتاج است؛ و تحقق آن در عالم خارج، بسته به شرایط زمان و مکان، امکانات در دسترس و فرهنگ بومی تجلیات متفاوتی خواهد داشت (نقی‌زاده، ۱۳۸۹). (تصویر ۱)

در خصوص ارتباط اسلام (و هر مکتب فکری و فرهنگی دیگر) با شهر می‌توان گفت که: شهر، اولاً تجلی باورها و آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی مردم است؛ ثانیاً، مشتمل بر



رضایی (۱۳۹۲) در پژوهش خود تحت عنوان «ارزش‌های جاوید و جهان‌گستر شهرسازی اسلامی (بازنمودی از نگرش‌های فراکالبدی و فرازمانی شهر اسلامی)»، توان به‌کارگیری ارزش‌های شهرسازی اسلامی را در دورهٔ امروزی و برای گستره جهانی آشکار نموده است. تمرکز پژوهش بر پنداره‌ها و سوبه‌های فرا کالبدی شهر اسلامی است و چهار ویژگی و بن‌مایهٔ شهر اسلامی شامل دادگستری، یگانگی با گوناگونی، پرمایگی با ناهمگونی و سازش‌پذیری با خردورزی تبیین گردیده است. این مقاله اثبات می‌کند انگاره‌هایی که اکنون در شهرسازی امروزی از آنها استفاده می‌شود، پیش‌تر در شهرهای اسلامی به کار می‌رفته است ولی کمتر نگارش شده است. یافتهٔ بنیادی این نوشتار این است که ارزش‌های شهرسازی اسلامی فرای کالبد، جای و زمان است و می‌توان از آنها در گسترش شهرهای جهانی امروز بهره برد.

رفیعیان (۱۳۹۵) در رساله خود تحت عنوان «کیفیت معنای مکان‌های عمومی شهری در اندیشه اسلامی ایرانی»، با تکیه بر تئوری‌های مبتنی بر اندیشه اسلامی ایرانی و مصادیق مکان‌سازی با کیفیت و پیمایش نظرات استفاده‌کنندگان از آن مکان‌ها (مردم)، سعی در توجه به زمینه دارد. این رساله بیان می‌کند برخی شاخص‌ها در فهم کیفیت مکان نسبت به بقیه مؤثرترند، این اولویت‌بندی از چارچوب فکر و اندیشه سرچشمه می‌گیرد و اندیشه هر جامعه به عنوان پشتوانه فکری نظری آن جامعه نقشی بی‌بدیل در فرایند ادراک ساکنان و معنابخشی به احساسات آنان در فضاهای شهری دارد. در این پژوهش شاخص‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری کیفیت معنای مکان در ذهن شهروندان از نگاه مطالعات شهرسازی اسلامی بیان گردیده است. همچنین الگوی کیفیت معنای مکان مبتنی بر اندیشه اسلامی ایرانی ارائه شده است.

محمدی، مویدفرو صفر آبادی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «شهر اسلامی، شهری ورای گنبد و مناره»، تنها وجود مساجد، گنبدها و مناره‌ها در بافت یک شهر را به معنای اسلامی بودن آن شهر ندانسته، بلکه حاکم بودن اصول اسلامی و ارکان خاص آن و وجود رفتارهای شهروندی بر اساس آموزه‌های اسلامی و سنت‌های پیامبر (ص) را قبل از هر چیز دیگر نشان از اسلامی بودن شهر دانسته‌اند و می‌بایست در عناصر و مؤلفه‌های دیگری که نه‌تنها کالبد، بلکه روح و هویت شهرها را می‌سازند به دنبال نشانه‌هایی از زیست مسلمانان و الگوهای یک شهر اسلامی

مقیاس انسانی/زیبایی بصری و معنایی، هویت و حس تعلق به فضا، مشارکت و تعاملات اجتماعی، ایمنی و امنیت/آسایش و آرامش، عدالت/تعادل و خوانایی به عنوان معیارهای مشترک انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند و درنهایت پیشنهادها و راهکارهای اجرایی جهت عینیت یافتن شاخصه‌های فضای شهری با هویت ایرانی اسلامی ارائه شده است.

هاشم‌پور (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «معماری و شهرسازی اسلامی در فرم یا در معنا»، درصدد باز کردن مفاهیم و انتظارات موردنظر اسلام از معماری و شهرسازی و همین‌طور مشخص کردن عناصر شاخص فضاهای اسلامی است. وی عنوان می‌کند معماری و شهرسازی اسلامی چیزی به‌جز مفهوم و معنا نیست و شکل و فرم در صورت ایجاد مفهوم و معنا در آن فضا شکل و فرم اسلامی پیدا کرده و به فضای اسلامی تبدیل می‌گردند. او بیان می‌کند هر فضایی؛ معماری و یا شهری، در هر مکانی؛ در اروپا و یا در آسیا و در هر زمانی؛ در گذشته، حال و یا آینده می‌تواند فضای اسلامی باشد مشروط بر اینکه در آن فضا انسان به تعالی، آرامش، نگرش اجتماعی و کرامت والای انسانی برسد. همین‌طور معتقد است در بحث برنامه‌ریزی شهر محلات اسلامی و یا شهرهای اسلامی، هدف ایجاد روابط اجتماعی آن فضاهاست و نه شکل هندسی و کاربرد خاص آن. بیات (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی»، به منظور تحلیل شهر از دیدگاه اسلام و احصای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی، نظریه‌های سه تن از متفکران مسلمان شامل ابن خلدون و فارابی از متقدمین و خانم ابراهیم از متفکران مسلمان معاصر را بررسی نموده است و معتقد است در چارچوب نظری مورد توجه در اسلام، بر سه مؤلفه انسان (مسلمان)، فضای اجتماعی (فضای مسلمانی) و فضای کالبدی (سیمای اسلامی) شهر تأکید شده است. او در این مقاله اثبات می‌کند که اسلام دارای نظریه شهری است که در این الگوی نظری، شهر اسلامی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاص خود را دارد. همچنین مطرح می‌کند در مورد شهر اسلامی بر محله‌گرایی تأکید می‌شود و این راهبرد از جمله راهبردهای اولیه نبی مکرم اسلام (ص) در مدینه با تأکید بر شکل‌دهی شهر بر اساس سیاست کلان انسجامی و درعین حال بر اساس فضاگزینی ژئو اجتماعی قبایل و به‌ویژه با راه‌اندازی سقیفه‌ها بود. این کانون به عنوان مرکزی برای همفکری، همیاری و همکاری هر قبیله در نظر گرفته شده بود.

الگوی شهر ایرانی اسلامی صورت پذیرد، از این روی روش مصاحبه باز برای انجام مصاحبه‌ها انتخاب گردیده است. در این گونه مصاحبه دخالت و نفوذ اندکی از سوی پژوهشگر در جریان مصاحبه اعمال می‌شود و مصاحبه شونده در آن آزاد است درباره هرآنچه به نظرش با اهمیت می‌نماید، صحبت کند.

شیوه نمونه‌گیری در پژوهش، متناسب با روش کیفی و در هماهنگی با هدف تحقیق، نمونه‌گیری هدفمند است. در این شیوه افرادی برای مصاحبه انتخاب می‌شوند که می‌توانند در فهم مسئله پژوهش و موضوع محوری مطالعه مؤثر باشند و در ارتباط با اهداف خاص مرتبط با سؤال‌های تحقیق پدیده‌ترین هستند. جامعه آماری پژوهش از طریق نمونه‌گیری انتخابی بر اساس قضاوت پژوهشگر که به صورت غیر تصادفی عناصر نمونه برگزیده می‌شوند، صورت گرفت. به همین منظور افرادی برای مصاحبه انتخاب شدند که تجربه و دانش کافی در نظام شهرسازی ایران و در حوزه شهر ایرانی-اسلامی را دارند.

در پژوهش کیفی هیچ قاعده‌ای برای تعیین حجم نمونه وجود ندارد، کفایت نمونه را باید در متن خود پژوهش ارزیابی کرد، بنابراین پژوهش با افراد نمونه تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که پاسخ‌های داده شده به هر سؤال تا اندازه زیادی به هم شبیه بوده، اطلاعات جدید از مصاحبه به دست نیاید و اصطلاحاً به اشباع نظری برسیم.

جهت دستیابی به پرسش اصلی پژوهش؛ یعنی چالش‌های تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی، یازده مصاحبه با متخصصین و مدیران این حوزه صورت پذیرفت. به صورت کلی از مجموع ۱۱ مصاحبه، ۶ مصاحبه با مدیران و مجریان رده بالای نظام شهرسازی کشور اعم از مسئولین وزارت راه و شهرسازی، مدیران کل شهرداری تهران و شورای شهر تهران صورت پذیرفت، تعداد ۵ مصاحبه نیز با استادان و متخصصان این حوزه از دانشگاه‌های تهران، علم و صنعت و تربیت مدرس صورت گرفت. جهت تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی، و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (Hsieh & Shannon, 2005). عینیت نتایج به وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا

بود. این مقاله همچنین بیان می‌دارد آیات قرآن برای طراحی و ساخت محیط زندگی، جزئیاتی را که مربوط به امور فنی و راهکارها هستند (به‌ظاهر) معرفی نمی‌نماید، ولی اصولی را مطرح می‌کند که این اصول باید در تمام شئون زندگی انسان از جمله ساخت شهر و محیط زندگی لحاظ گردند. این لحاظ نمودن، سبب خواهد شد که اگرچه شهرهای مسلمانان در نقاط جهان و در شرایط اقلیمی متفاوت و امکانات و مصالح گوناگون بنا می‌شوند، دارای روح و هویت مشترک و واحدی باشند.

روش‌شناسی

در این بخش فرایند تحقیق و مسیر طی شده برای دستیابی به نتایج نهایی تبیین می‌گردند. این پژوهش به دنبال دستیابی به چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی از دیدگاه مدیران و متخصصین این حوزه است؛ چراکه این افراد به صورت تخصصی و مستقیم با این حوزه در ارتباط بوده، لذا بیان آنها در این خصوص می‌تواند ما را هر چه بیشتر به واقعیت موضوع و چالش‌های موجود نزدیک نماید. از این رو متناسب با ماهیت موضوع، روش پژوهش، کیفی خواهد بود.

پژوهش‌های کیفی که مبتنی بر پارادایم تفسیری‌اند، بر درک معنای رویدادها توسط افراد تحت مطالعه استوارند (Pat-2002, ton). در این حالت نگاه به پدیده‌ها، نگاهی کل‌گرایانه و جامع‌نگر است و دنبال کردن این روش، راهی است برای کسب آگاهی از طریق کشف معانی پدیده‌ها. در این روش برخلاف روش کمی، وجود عامل انسانی نقش داشته و برای دیدگاه افراد مورد تحقیق ارزش قائل می‌شویم.

پارادایم حاکم بر این پژوهش، «تفسیری» و منطبق پژوهش «استفهامی» است. این پژوهش به دنبال فهم همدلانه و درک چرایی عدم تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی-اسلامی در نظام شهرسازی ایران است. از این روی به تفسیر ذهنی کنشگران فعال در حوزه موضوع پژوهش پرداخته و با درک مفهومی واقعیت در پی علت‌یابی چالش مورد بحث هستیم. به این منظور از شیوه مصاحبه برای گردآوری داده‌های پژوهش استفاده شده است. شیوه به کار گرفته شده به منظور گردآوری داده‌ها «مصاحبه باز» خواهد بود. این امر بدین دلیل است که مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، از صاحب‌نظران و خبرگان موضوع مورد مطالعه هستند و هدف نیز کشف اطلاعات عمیق و دقیق در حوزه موضوع پژوهش است تا تبیین درستی از علل عدم تحقق‌پذیری



پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. از آنجاکه دست‌یابی به عمق و معنای متن مصاحبه‌ها و ریشه‌یابی چالش‌های محقق شدن الگوی شهر ایرانی اسلامی در این پژوهش اهمیت بسیاری دارد، روش تحلیل محتوای کیفی جهت تحلیل مصاحبه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. موفقیت تحلیل محتوای کیفی بستگی بسیاری به فرایند رمزگذاری دارد که فرایند بنیادین رمزگذاری، سازمان‌دهی مقدار فراوانی از متن در قالب دسته‌بندی کوچک‌تر است.

پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. از آنجاکه دست‌یابی به عمق و معنای متن مصاحبه‌ها و ریشه‌یابی چالش‌های محقق شدن الگوی شهر ایرانی اسلامی در این پژوهش اهمیت بسیاری دارد، روش تحلیل محتوای کیفی جهت تحلیل مصاحبه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. موفقیت تحلیل محتوای کیفی بستگی بسیاری به فرایند رمزگذاری دارد که فرایند بنیادین رمزگذاری، سازمان‌دهی مقدار فراوانی از متن در قالب دسته‌بندی کوچک‌تر است.

بدین منظور نرم‌افزار اطلس تی (ATLAS.ti 7.5.7) جهت تحلیل مصاحبه‌ها به کار گرفته شد. با ابزارهایی که این نرم‌افزار در اختیار محقق قرار می‌دهد، مراحل کدگذاری و مقوله‌بندی در تحلیل مصاحبه‌ها را می‌توان با سرعت و دقت بیشتری انجام داد و با خروجی‌های مختلفی که ارائه می‌دهد امکان ارزیابی جامع‌تری را فراهم می‌نماید.

در این پژوهش در راستای تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، ابتدا متن هر مصاحبه مکتوب می‌شود. بعد از مطالعه و بازخوانی متن مصاحبه‌ها، قسمت‌های مهم و کلیدی هر مصاحبه که در پاسخ به پرسش پژوهش می‌باشند به صورت یک گزاره مشخص گردیده و هر گزاره در قالب یک یا چند کد خلاصه می‌شود (کدگذاری باز). در این مرحله برای کسب اطمینان از فرایند انجام شده و یادداشت‌برداری همه نکات مهم، متن مصاحبه‌ها مجدد بازخوانی شده و با بخش‌های مهم مشخص شده مقایسه می‌گردند. ممکن است در این مرحله کدهایی اضافه یا حذف گردند. در گام آخر کدهای حاصل از هر مصاحبه که در ارتباط با یکدیگر می‌باشند، در قالب یک مفهوم جزئی (مقوله) قرار داده می‌شوند (کدگذاری محوری). در گام بعد، مفاهیم جزئی که با یکدیگر در ارتباط می‌باشند در یک مفهوم کلی (تم) قرار می‌گیرند (کدگذاری گزینشی). بدین صورت فرایند طبقه‌بندی و کدبندی متن مصاحبه‌ها صورت می‌پذیرد. در واقع پس از طی چند مرحله تحلیل اطلاعات، به سطحی از نظام‌یافتگی و یکپارچگی اطلاعاتی دست یافتیم که بتوانیم بر اساس آن به جمع‌بندی و پاسخ به پرسش اصلی پژوهش بپردازیم. (تصویر ۲)

در پژوهش حاضر در جهت قابلیت اعتبار یافته‌ها، سعی شد با نمونه‌گیری هدفمند و با انتخاب مصاحبه‌شوندگان با تجربه‌های گوناگون اعم از مدیران و متخصصین حوزه مورد مطالعه؛ که به صورت تخصصی و مستقیم با این حوزه در ارتباط بوده و بیان آنها می‌تواند ما را هر چه بیشتر به واقعیت



تصویر ۲. فرایند کدگذاری - مقوله‌بندی در مصاحبه‌ها.

در ادامه روش انجام سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی به همراه تصاویری از نرم‌افزار اطلس تی عنوان گردیده است.

کدگذاری باز

در مرحله کدگذاری باز به هر یک از عبارات و جملاتی از مصاحبه‌ها که حاوی مفاهیم و مضامین مرتبط با مسئله تحقیق بودند، یک یا چند کد مفهومی اختصاص داده شد. به‌عنوان مثال:

گزاره (کوتیشن): «پیاده‌رو ما وقتی که نیم متر باشد، چطور به کرامت انسانی توجه کنیم. همه را به گسترش ماشین اختصاص دادیم. عرض خیابان‌ها را بیشتر می‌کنیم، عرض پیاده‌رو را کمتر می‌کنیم. در حالی که در دنیا برعکس این هست؛ عرض خیابان‌ها کمتر می‌شود، عرض پیاده‌روها بیشتر.»

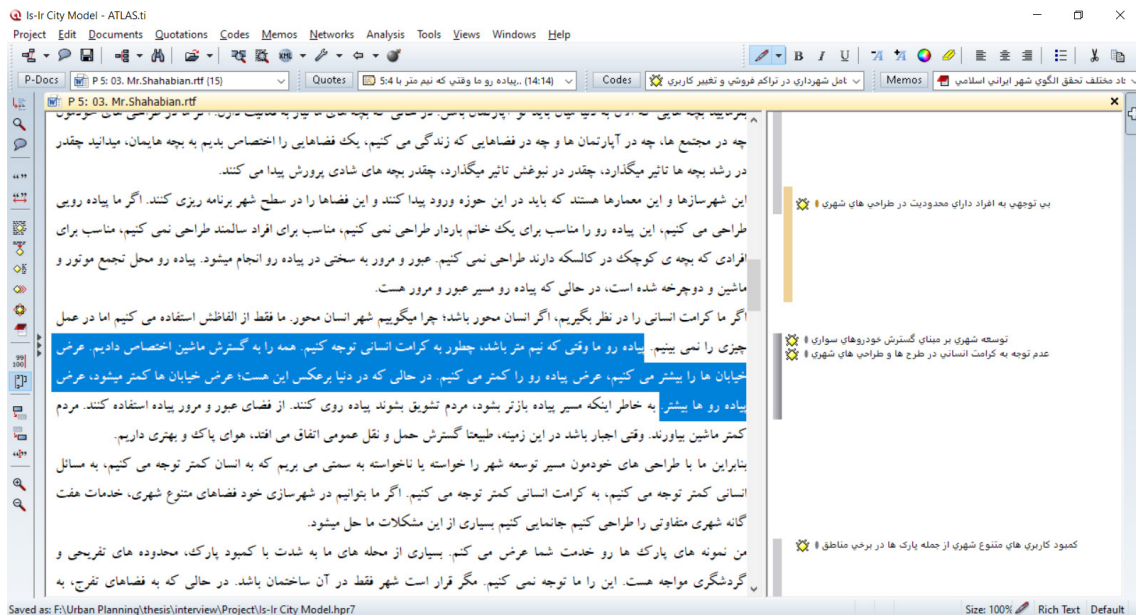
مفهوم (کد) اختصاص داده شده: عدم توجه به کرامت انسانی در طرح‌های شهری، توسعه شهری بر مبنای گسترش خودروهای سواری. (تصویر ۳)

کدگذاری محوری

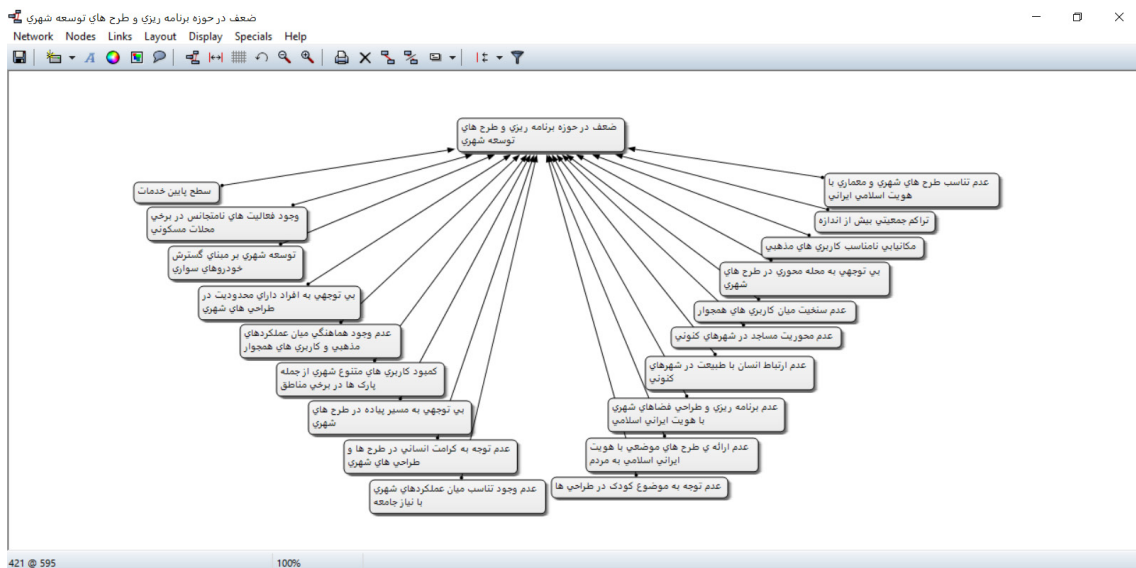
در این مرحله مجموعه‌ای از کدهای به‌دست‌آمده که دارای ارتباط مفهومی و معنایی با یکدیگر بودند را تحت عنوان مقوله دسته‌بندی نمودیم. به عنوان نمونه:

با طبیعت در شهرهای کنونی، سطح پایین خدمات، بی‌توجهی به افراد دارای محدودیت در طراحی‌های شهری، عدم توجه به کرامت انسانی در طرح‌ها و طراحی‌های شهری و...
مقوله اختصاص داده شده: ضعف در حوزه برنامه‌ریزی و طرح‌های توسعه شهری. (تصویر ۴)

مفاهیم (کدها): عدم سنخیت میان کاربری‌های هم‌جوار، توسعه شهری بر مبنای گسترش خودروهای سواری، تراکم جمعیتی بیش‌ازاندازه، عدم تناسب طرح‌های شهری و معماری با هویت اسلامی ایرانی، مکان‌یابی نامناسب کاربری‌های مذهبی، بی‌توجهی به محله محوری در طرح‌های شهری، عدم محوریت مساجد در شهرهای کنونی، عدم ارتباط انسان



تصویر ۳. کدگذاری باز در نرم‌افزار اطلس‌تی.



تصویر ۴. کدگذاری محوری در نرم‌افزار اطلس‌تی.



کدگذاری گزینشی

در مرحله سوم از طریق کنار هم قرار دادن چند مقوله که با یکدیگر دارای ارتباط مفهومی بودند، به مقولات کلی یا ابعاد (تم) پژوهش دست یافتیم. برای مثال:

مقولات: ضعف در حوزه برنامه‌ریزی و طرح‌های توسعه شهری، ضعف مدیران و مجریان، مشکلات کالبدی-فضایی، مشکلات نهادی

بعد (تم): عملکردی (تصویر ۵)

تحلیل یافته‌های پژوهش

این قسمت به بررسی و تبیین ابعاد و مقولات به‌دست‌آمده، به همراه کدها و گزاره‌های زیرمجموعه آن، براساس مصاحبه‌های انجام‌شده می‌پردازد.

بعد چالش‌های نظری

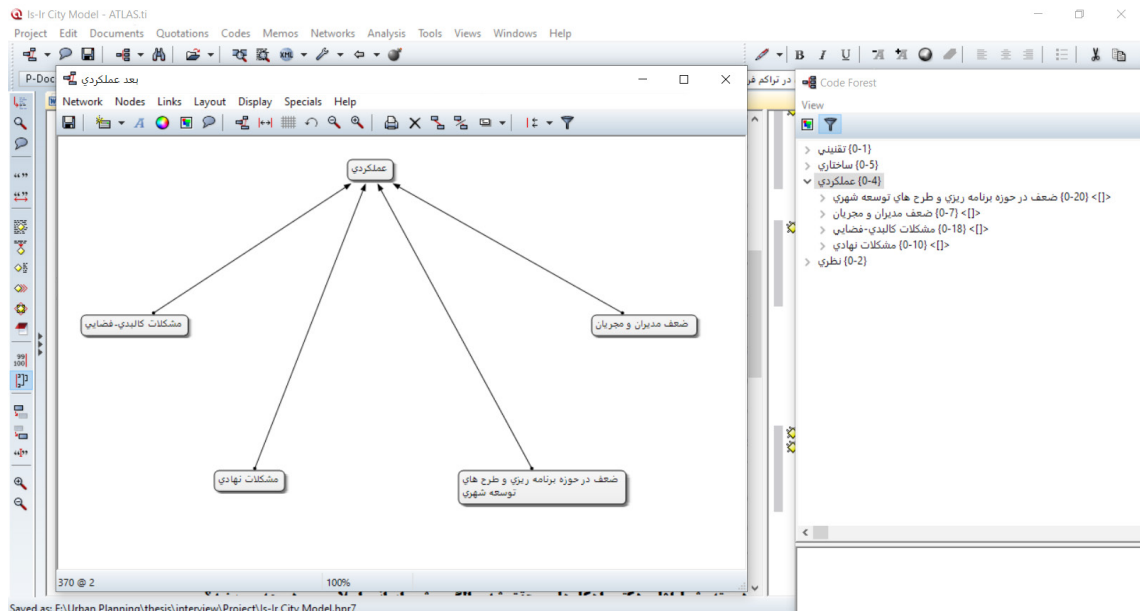
اولین چالش در راستای پیاده‌سازی الگوی شهر ایرانی اسلامی، عدم تبیین صحیح این الگو، فقدان تعریفی مشخص و عدم ارائه راهکارهای عملیاتی جهت پیاده‌سازی این الگو برای نهادهای مجری است که در این زمینه مراکز علمی و دانشگاه‌ها نقش اصلی را ایفا می‌نمایند. چالش‌های مربوط به بعد نظری به مشکلات آموزشی و دانشگاه و فقدان تعریف و گفتمان در حوزه الگوی شهر ایرانی اسلامی می‌پردازد.

تحلیل مصاحبه‌ها در این بعد حاکی از آن است که در نظام آموزشی و سرفصل‌های درسی دانشگاه‌ها لازم است بازنگری گردیده و در کنار بهره‌گیری و الگوبرداری از مباحث نظری و تجارب مفید اجرایی سایر کشورها، اصول و مبانی فرهنگ و هنر اسلامی متناسب با هویت ایرانی در مباحث درسی گنجانده

یافته‌های پژوهش

حاصل تحلیل مصاحبه‌ها دستیابی به ۱۳۳ کد، ۱۲ مقوله و ۴ بعد است. چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی در چهار حوزه چالش‌های نظری، چالش‌های تقنینی، چالش‌های ساختاری و چالش‌های عملکردی به دست آمد.

از طریق طی کردن مراحل عنوان شده در بخش روش‌شناسی پژوهش در ارتباط با اطلاعات جمع‌آوری شده از مصاحبه‌های انجامی، به دوازده مقوله کلی دست یافته شد. هرکدام از این مقولات به یک وجه از موانع و چالش‌های محقق شدن الگوی شهر ایرانی اسلامی در نظام شهرسازی ایران اشاره می‌کنند که در چهار حوزه اصلی چالش‌های نظری، چالش‌های تقنینی، چالش‌های ساختاری و چالش‌های عملکردی جای



تصویر ۵. کدگذاری گزینشی در نرم‌افزار اطلس‌تی.

ملزومات دستیابی به الگوی شهر ایرانی اسلامی است.

بعد چالش‌های ساختاری

در این بعد به ضعف در سازوکارها و فرایندهای نهادی و اجرایی نظام شهرسازی ایران پرداخته می‌شود. بی‌عدالتی و نابرابری، ضعف در حوزه‌های معرفتی و فرهنگی، تضعیف سرمایه اجتماعی و مسائل اقتصادی از دیگر مشکلات ساختاری می‌باشند که بهبود در این حوزه‌ها می‌تواند زمینه و بستر لازم را جهت تحقق الگوی شهر ایرانی اسلامی مهیا کند.

بنا بر مصاحبه‌های صورت گرفته، یکی از مشکلات اساسی در نظام شهرسازی ایران، عدم اجرایی شدن اسناد فرادست است که این امر می‌تواند دلایل متنوعی داشته باشد؛ از جمله فقدان نظارت و کنترل صحیح در راستای پیاده‌سازی اسناد، تغییرات زیاد مدیریتی، عدم پاسخگویی مدیران به دلیل عدم محقق کردن برنامه‌ها، کلی بودن برنامه‌های مصوب و عدم ارائه راهکارهای اجرایی و...، که این موضوع سبب شده است قوانین بالادستی مصوب در حوزه الگوی شهر ایرانی اسلامی تحقق عینی پیدا نکنند. تعدد نهادهای قانون‌گذار یکی دیگر از چالش‌های ساختاری است؛ به صورتی که گاهی توسط نهادهای مختلف در یک حوزه، قوانین متفاوتی وضع شده که این قوانین با یکدیگر در تعارض‌اند.

از دیگر مشکلات ساختاری، بی‌عدالتی و نابرابری است. رویکردهای غیرعادلانه در توزیع ثروت و خدمات، عدم توجه به خواسته‌های اقشار مختلف جامعه و تجاوز به حقوق دیگران از جمله مهم‌ترین موارد در این مقوله هستند. مسائل اقتصادی از جمله رویکرد اقتصاد سرمایه‌داری در نهادهای فرادست، مشکلات اقتصادی مردم و نگاه اقتصادی و تجاری صرف به فضاهای شهری از مشکلات ساختاری در حوزه اقتصاد است که یکی از عوامل عدم تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی است.

مقوله دیگر در حوزه مشکلات ساختاری، تضعیف سرمایه اجتماعی؛ به عنوان مشخصه میزان ارتباطات و تعاملات مردم و همکاری و مشارکت آنها در حل مسائل اجتماعی، است. مشارکت پایین شهروندان یکی از مهم‌ترین موارد مطرح‌شده در این حوزه است که این امر می‌تواند به دلیل عدم احساس هویت و تعلق شهروندان نسبت به محل سکونت خود، عدم اعتماد آنها به مسئولین، عدم آگاهی کافی شهروندان از مسائل حکمرانی

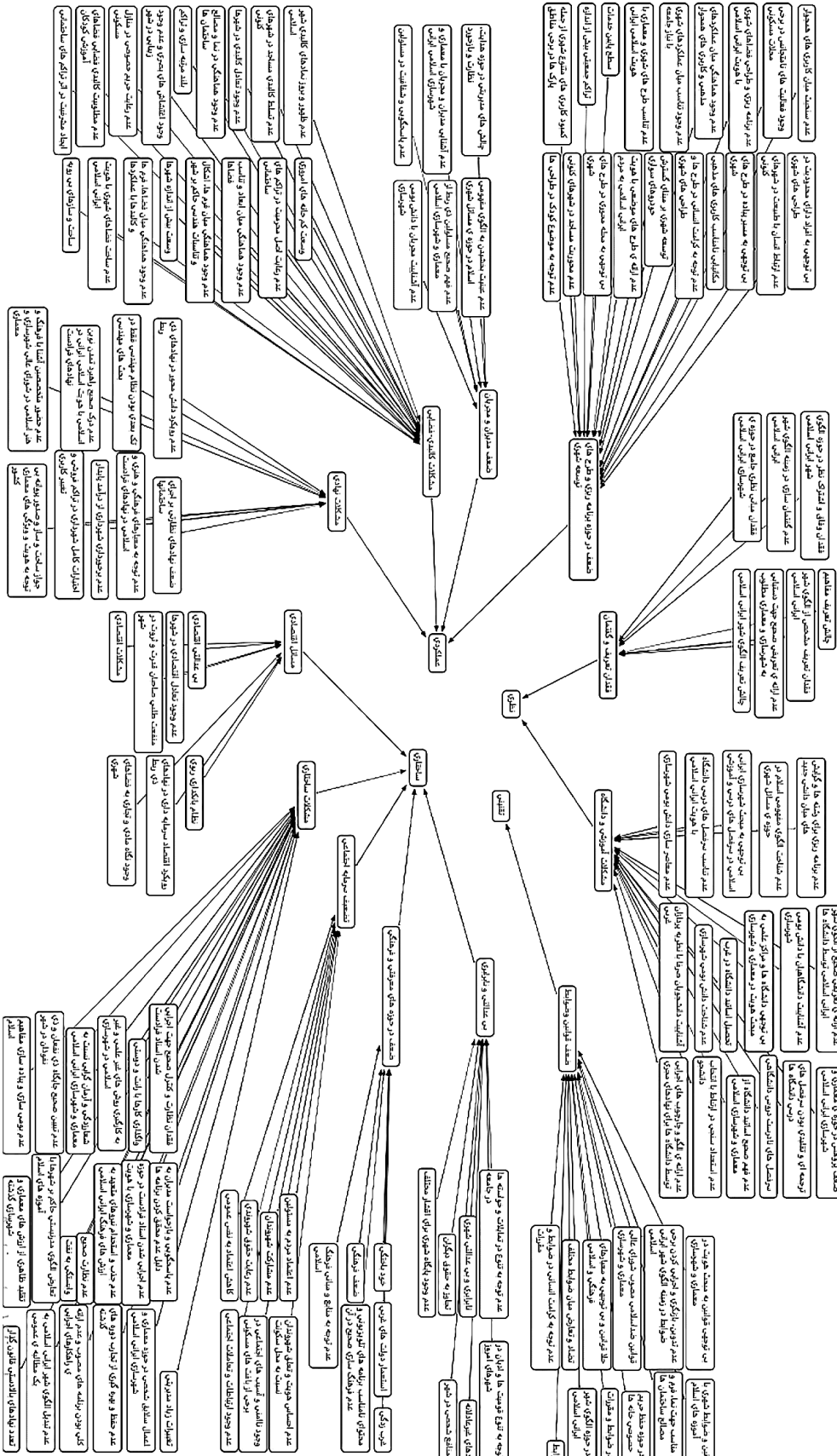
شود. بی‌توجهی نظام آموزشی به مبحث هویت ایرانی اسلامی در معماری و شهرسازی، ترجمه‌ای و تقلیدی بودن سرفصل‌های درسی و ضعف پژوهش در حوزه شهرسازی و معماری ایرانی اسلامی اصلی‌ترین چالش‌ها در بعد نظری می‌باشند.

همچنین تحلیل روایت‌ها حاکی از آن است مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه نظام شهری اسلامی متناسب با زیست‌بوم ایران، از اتقان کافی برخوردار نبوده و مطالعات عمدتاً به صورت پراکنده انجام گرفته‌اند و مبانی نظری و فلسفی جامع و منسجمی در حوزه شهرسازی اسلامی ارائه نشده است. لزوم شناخت دانش بومی شهرسازی و الگوهای شهری گذشته در پهنه ایران زمین از جمله مکتب اصفهان و معاصر سازی آن‌ها برای شرایط روز از دیگر موارد مطرح شده در کلام مصاحبه‌شوندگان در این حوزه است. ضروری است جهت پیاده‌سازی الگوی شهر ایرانی اسلامی، سیاست‌ها و چارچوب‌های اجرایی جهت ارائه به نهادهای مجری توسط دانشگاه‌ها و مراکز علمی تدوین گردیده و خلأ موجود میان حرفه و دانشگاه برطرف گردد.

بعد چالش‌های تقنینی

در این بُعد به مسائل مربوط به حوزه قانون‌گذاری، تدوین قوانین و ضوابط، و مشکلات و مسائلی که در مبحث ضوابط و مقررات شهری وجود دارد، پرداخته می‌شود. این مبحث به انحای مختلف در گفته متخصصین و مدیران اجرایی مورد تأکید قرار گرفت.

از بررسی این بعد چنین برمی‌آید که ضوابط و مقررات جامع و کاملی در حوزه الگوی شهر ایرانی اسلامی تا کنون تدوین نشده و ضوابط تصویب شده در این حوزه نیز اجرایی نشده‌اند. در مواردی قوانین مصوب در نهادهای بالادستی از جمله شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در تعارض با آموزه‌های اسلام بوده‌اند که ضروری است اقدامات لازم جهت اصلاح این دسته از قوانین صورت پذیرد. پراکندگی و تکرر در ضوابط و مقررات، تضاد و تعارض میان آنها و تغییرات مکرر ضوابط از جمله علل نابسامانی در شهرهای ما بوده‌اند که لازم است با تبیین درست جایگاه نهادهای فرادست و ایجاد یکپارچگی و هماهنگی میان آنها به سوی پیاده‌سازی الگوی شهر ایرانی اسلامی گام برداشت. لزوم توجه به کرامت انسانی و هویت ایرانی اسلامی در قانون‌گذاری‌ها از دیگر نکات مورد اشاره در مصاحبه‌ها و از



تصویر ۶. شبکه کامل روابط.

ایرانی - اسلامی در طرح‌های توسعه شهری و عدم ساخت فضاهای شهری با هویت ایرانی - اسلامی است. لازمه پیاده‌سازی هویت ایرانی - اسلامی در کل فضای شهر، ابتدا پیاده‌سازی آن در فضاهای محدود و موضعی است که در این حالت با درک مطلوبیت این گونه فضاها توسط شهروندان، این امر به خواست و مطالبه عمومی تبدیل شده و زمینه پیاده‌سازی آن در کل فضای شهری مهیا می‌شود.

بی‌توجهی به کرامت انسانی در طرح‌های توسعه شهری نظیر عدم توجه به مسیر پیاده و توسعه شهری بر مبنای گسترش خودروهای سواری، از چالش‌های اشاره شده توسط متخصصان و مدیران حوزه مسائل شهری در این دسته است. همچنین در شهرهای کنونی در برخی موارد کاربری‌های ناسازگار در کنار یکدیگر شکل گرفته‌اند؛ برای مثال در برخی محلات، فعالیت‌هایی نظیر صافکاری‌ها و ضایعاتی‌ها در بافت مسکونی وجود دارند که مشکلاتی را برای ساکنان آن محلات به وجود آورده است. همچنین در شهرهای کنونی در بسیاری موارد در کنار مساجد، کاربری‌های تجاری که تناسبی با عملکرد آن فضا ندارند، شکل گرفته است که لازم است مکانیابی درستی برای ساخت مساجد و کاربری‌های مذهبی صورت پذیرد. در یک شهر اسلامی، محوریت فعالیت‌ها در محلات و تسلط کالبدی در فضاهای شهری با مساجد است.

عملکرد مدیران، مجریان و نهادهای بالادستی در حوزه سیاست‌گذاری و اجرا نیز مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. در این حوزه لازم است مدیران و مجریان از فهم درستی در خصوص دانش بومی شهرسازی، و معماری و شهرسازی اسلامی برخوردار باشند تا زمینه عینیت بخشیدن به الگوی شهر ایرانی اسلامی مهیا گردد.

عدم حضور متخصصان آشنا با فرهنگ و هنر اسلامی در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران؛ به عنوان متولی اصلی و مهم‌ترین نهاد تصمیم‌گیرنده در امور شهرسازی و معماری کشور، و عدم توجه به معیارهای فرهنگی و هنری اصیل در نهادهای فرادست، نشان می‌دهد جهت محقق کردن الگوی شهر ایرانی اسلامی، لازم است اصلاحاتی در اعضا و رویکرد نهادهای فرادست صورت پذیرد. همچنین ضروری است نهادهای نظارتی بر اجرای ساختمان‌ها؛ نظیر شهرداری‌ها و سازمان نظام مهندسی، جواز ساخت‌وساز و صدور پروانه‌های ساختمانی را متناسب با هویت ایرانی اسلامی صادر نمایند.

و مدیریت شهری و ارتباطات و تعاملات پایین اجتماعی ناشی شود.

عدم بهره‌گیری از منابع و مبانی فرهنگ اسلامی و غرب‌زدگی و خودباختگی از دیگر چالش‌های ساختاری حاضر در حوزه مسائل فرهنگی و معرفتی است. در این زمینه تعارض الگوهای مدرنیستی حاکم بر شهرها با آموزه‌های اسلام سبب شده است مشکلاتی در شهرهای کنونی پدید آید که شهرهای ما نتوانند غایت خود در فراهم کردن محیطی برای رشد و کمال جامعه را محقق کنند.

بنابراین طبق مطالب عنوان شده، در الگوی شهر ایرانی اسلامی نه فقط کالبد، بلکه کلیه ساختارهای زیست جمعی افراد از جمله نظام اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... می‌بایست متناسب با آموزه‌های دین اسلام و مقتضیات کشور ایران شکل گیرد. ضروری است مشکلات ساختاری مطرح شده در حوزه‌های مختلف را با آسیب‌شناسی دقیق و سیاست‌گذاری صحیح برطرف نمود تا زمینه و بستر پیاده‌سازی الگوی شهر ایرانی - اسلامی فراهم گردد.

بعد چالش‌های عملکردی

دسته‌ای دیگر از مقولات و کدهای حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها در بعد عملکردی جای گرفتند. این بعد ناظر به عملکرد مدیران، برنامه‌ریزان و به طور کلی نهادهای اجرایی است. چالش‌های طرح‌های توسعه شهری به عنوان خروجی نظام شهرسازی، در این بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در این بعد چالش‌ها و نواقصی که در عمل و در فضای شهری شاهد آن هستیم؛ نظیر مشکلات کالبدی-فضایی، که خلاف اصول و مبانی الگوی شهر ایرانی - اسلامی است، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

عدم تعادل کالبدی در شهرها، ساخت‌وسازهای بی‌رویه، عدم ظهور و بروز نمادهای کالبدی اسلامی و وسعت کم خانه‌های امروزی از جمله مشکلات کالبدی-فضایی است که امروزه در شهرهایمان با آن مواجه‌ایم. همچنین به دلیل تراکم بالای ساختمان‌ها و بلندمرتبه‌سازی، اشراف خانه‌ها به یکدیگر بیشتر شده و نیز در معماری و طراحی ساختمان‌ها، حریم‌ها در فضای خصوصی منازل مسکونی رعایت نمی‌شود.

یکی دیگر از چالش‌های موجود در این حوزه که در مصاحبه‌های مختلف به آن اشاره گردید، بی‌توجهی به هویت

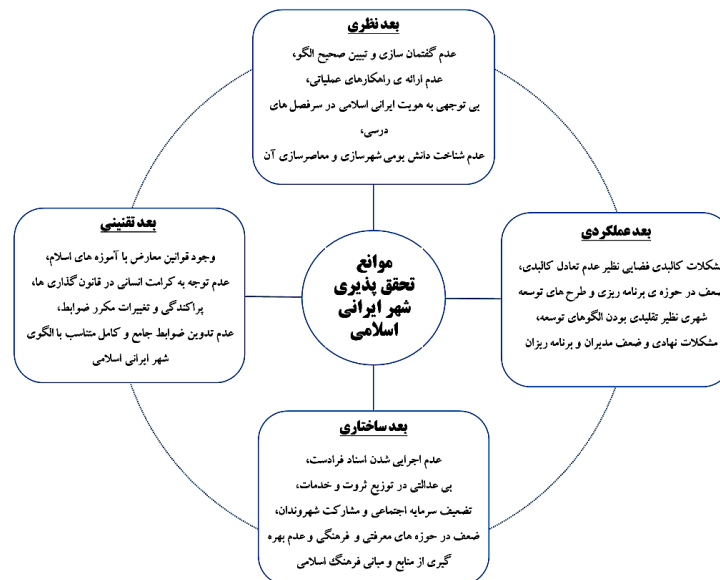


نتیجه‌گیری

جهت دستیابی به پرسش اصلی پژوهش، یازده مصاحبه با متخصصین و مدیران این حوزه صورت پذیرفت. افراد انتخاب شده جهت مصاحبه به صورت تخصصی و مستقیم با این حوزه در ارتباط بوده، لذا بیان آنها در این خصوص می‌تواند ما را هر چه بیشتر به واقعیت موضوع و چالش‌های موجود نزدیک کند. حاصل تحلیل مصاحبه‌ها دستیابی به ۱۳۳ کد، ۱۲ مقوله و ۴ بعد است. چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی در چهار حوزه چالش‌های نظری، چالش‌های تقنینی، چالش‌های ساختاری و چالش‌های عملکردی به دست آمد که در بخش یافته‌های پژوهش به تبیین هر یک از این ابعاد و مقولات و مهم‌ترین کدهای زیرمجموعه آنها پرداخته شده است. برخی از مهم‌ترین موانع عنوان شده جهت تحقق الگوی شهر ایرانی اسلامی در «تصویر ۷» به نمایش درآمده است. با توجه به نتایج تحلیل مصاحبه‌ها و مطالعات نظری صورت گرفته، پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی و راهکارهایی جهت ایجاد زمینه و بستر مناسب به منظور پیاده‌سازی الگوی شهر ایرانی اسلامی ارائه می‌شود.

تبیین مبانی نظری و فلسفی الگوی شهر ایرانی اسلامی صورت گرفته و پژوهش‌های جامعی در راستای تدوین الگوی شهر ایرانی اسلامی با ارائه راهکارهای عملیاتی برای نهادهای اجرایی صورت پذیرد.

هر تمدنی ساختار و ساز و کار زیست جمعی و فضای زیست افراد جامعه را بر اساس آموزه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خود ایجاد می‌کند. از طرفی فضاها و عناصر شهری می‌تواند مردم را در شیوه زیست مورد نظر راهبری و کمک کند و به نوعی بر سبک زندگی آنها تأثیرگذار است. از این رو لازم است در گام دوم انقلاب اسلامی جهت حرکت به سوی برپاسازی تمدن نوین اسلامی، شهر و الگوهای توسعه آن را؛ به عنوان ساختار و سازوکار زیست جمعی افراد، بر اساس آموزه‌های اسلام و متناسب با زیست‌بوم ایران شکل داد. جهت دستیابی به چنین مدلی برای تدوین الگوی شهر ایرانی اسلامی، مطالعات زیادی تاکنون صورت گرفته است؛ هرچند آنچه تاکنون شده با آنچه باید بشود دارای فاصله‌ای زیاد است، اما نکته مغفول مانده در این بین بی‌توجهی به زمینه و بستر لازم جهت پیاده‌سازی این الگو است. ارائه توصیه‌ها و افق‌های مطلوب بدون توجه به واقعیت‌های موجود و روندهای نهادی و اجرایی نظام شهرسازی کشور، حاصلی در پی نخواهد داشت. بنابراین این پژوهش به منظور تعیین چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی با ارزیابی جامع از سازوکارهای نهادی و اجرایی ارکان نظام برنامه‌ریزی شهری کشور، به دنبال شناخت گلوگاه‌ها و حلقه مفقوده در عملیاتی کردن الگوی شهر ایرانی اسلامی است که در گذشته کمتر به آن پرداخته شده است.



تصویر ۷. چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی.

– طراحی و اجرای طرح‌های موضعی و محدود بر اساس هویت ایرانی اسلامی نظیر طراحی و برنامه‌ریزی محلات الگو در گام اول صورت گرفته که در صورت درک مطلوبیت این گونه فضاهای شهری توسط شهروندان، این امر به خواست و مطالبه عمومی تبدیل شده و زمینه پیاده‌سازی آن در کل فضاهای شهری مهیا می‌شود.
– الزام تهیه طرح‌های توسعه شهری بر مبنای الگوی شهر ایرانی اسلامی و توجه به مبحث هویت ایرانی اسلامی در تهیه طرح‌ها.

– تشکیل کمیته ضوابط شهری اسلامی در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران با حضور کارشناسان و متخصصان حقوق اسلامی و معماری و شهرسازی، جهت اصلاح و بازنگری ضوابط شهری در تعارض با آموزه‌های اسلام و ارائه قوانین و مقررات شهری متناسب با مبانی اسلامی.
– انتخاب و به‌کارگیری مدیران متخصص و متعهد به هویت و ارزش‌های اسلامی و ایرانی.

فهرست منابع

ایمان، محمد تقی و محمود رضا نوشادی (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای کیفی، نشریه عیار پژوهش در علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۲، ۴۴-۱۵.
بیات، بهرام (۱۳۹۴)، رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی، فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره ۴، شماره ۱، ۱۶۷-۱۳۷.
حبیبیان، هما، جلالیان، نسیم (۱۳۹۴)، تطبیق شاخص‌های شهرسازی اسلامی در فضای شهری، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، دوره ۱.
رضایی، محمود (۱۳۹۲)، ارزش‌های جاوید و جهانگستر شهرسازی اسلامی (بازنمودی از نگرش‌های فراکالبدی و فرازمانی شهر اسلامی)، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۵، شماره ۳، ۱۶۹-۱۹۰.
رفعیان، محسن (۱۳۹۵)، کیفیت معنای مکان‌های عمومی شهری در اندیشه اسلامی ایرانی، رساله دکتری رشته شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
کریمی، صدیقه، نصر، احمدرضا (۱۳۹۲)، روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه، نشریه عیار پژوهش در علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۱.
محمدی، جمال، مویدفر، سعیده، صفراآبادی، اعظم (۱۳۹۱)، شهر اسلامی، شهری ورای گنبد و مناره، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۹، ۳۶-۲۵.

مولانی، مرتضی (۱۳۹۶)، شهر اسلامی مقدمه تمدن اسلامی، همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد، دوره ۱.
نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹)، تأملی در چیستی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۱، شماره ۱.
نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۴)، الگو، مبانی، ارکان، صفات و اصول شهر اسلامی، دوفصلنامه علمی تخصصی فیروزه اسلام پژوهش معماری و شهرسازی اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، ۸۰-۶۳.
نوری، محمد جواد (۱۳۹۷)، دین، سیاست، شهرسازی؛ تبیین جایگاه نظام شهرسازی و ویژگی‌های آن در حکومت‌های دینی مورد مطالعه نظریه حکومت اسلامی (ولایت فقیه) آیت الله خمینی (ره)، دوازدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت.
هاشم پور، رحیم (۱۳۹۵)، معماری و شهرسازی اسلامی در فرم یا در معنا، فصلنامه معماری سبز، دوره ۲، شماره ۳، ۱۱-۱۸.
هاشمی طغرالجردی، سید مجید (۱۳۹۵)، ارزیابی و نقد مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری پیرامون هویت اسلامی شهرسازی و معماری ایران، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۴، شماره ۳، ۴۱-۲۲.

ارزیابی نقش خلوت بر ارتقای دلبستگی به مکان در کتابخانه دانشگاه فردوسی مشهد

قاسم مطلبی^۱، سمیرا پاکروان^۲، بیتا اسمعیلی^۳، بهاره بهرامی فر^۴

تاریخ دریافت: ۲۸-۰۵-۱۴۰۲، تاریخ پذیرش: ۰۷-۱۲-۱۴۰۲

DOI: 10.22034/RAU.2024.2009492.1061

چکیده

کتابخانه‌های دانشگاهی با توجه به نقش مهم و سرنوشت‌سازی که در امر آموزش و پژوهش دارند، مورد مراجعه دانشجویان، اعضای هیئت علمی و کارکنان قرار می‌گیرند. همواره ضرورت وجود خلوت در این گونه فضاهای مطالعاتی مورد توجه معماران و طراحان بوده است. با توجه به اینکه در مورد شناخت این مفاهیم در حیطه کتابخانه‌ها، تحقیق جامعی بر اساس اسناد و تحلیل آن‌ها صورت نگرفته است. لذا هدف مطالعه حاضر، ارزیابی نقش خلوت بر ارتقای دلبستگی به مکان در کتابخانه دانشگاه فردوسی مشهد است. براساس شواهد موجود و مبتنی بر چارچوب اصلی تحقیق شاخص‌های دلبستگی به مکان و خلوت ارائه می‌گردد و سپس با روش کیفی به کمک مشاهده عینی و طرح پرسشنامه‌های هدفمند از کاربران به بررسی عوامل مختلف بر دلبستگی دانشجویان به کتابخانه پرداخته می‌شود، به منظور بررسی میزان خلوت مطلوب فضاهای کتابخانه با روش کمی و کیفی به مقایسه میزان خلوت فضاهای کتابخانه با نیاز کاربران به خلوت در آن فضا می‌پردازد. بدین ترتیب محتوای پرسشنامه بررسی و جهت تحلیل‌های کمی و کیفی پیمایش، از نرم‌افزار spss استفاده شد.

با روش همبستگی این مسئله که تأمین خلوت مطلوب در محیط کتابخانه می‌تواند بر دلبستگی دانشجویان تأثیر داشته باشد، بررسی شد. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که تأمین خلوت مطلوب در محیط کتابخانه می‌تواند بر دلبستگی دانشجویان اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی: خلوت، دلبستگی، دلبستگی به مکان، کتابخانه دانشگاه فردوسی مشهد.

۱. دانشیار معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. Email: motalebi@ut.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه فردوسی مشهد. Email: pakravansamira@mail.um.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه فردوسی مشهد. Email: esmaeeli.bitaa@mail.um.ac.ir

۴. پژوهشگر دوره دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران (نویسنده مسئول). Email: bahramifarb@yahoo.com



مقدمه

فرایند رشد انسان‌ها در طول دوران تحصیل تأثیر بسزایی در شخصیت آن‌ها دارد و این فرایند متأثر از عوامل بسیاری است که می‌توان به ارتباط وی با محیط پیرامونش اشاره نمود. امروزه محیط‌های آموزشی-پژوهشی به‌ویژه دانشگاه‌ها کمتر توانسته‌اند مکان‌هایی در خور روحیات و رفتارهای دانشجویان و موفق در پاسخ‌گویی به همه‌ی نیازهای آن‌ها فراهم آورند.

از طرفی، افراد بر اساس نیازها و ترجیحاتی که ناشی از خصوصیات و ویژگی‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها است، مکان‌ها را انتخاب می‌کنند و به آن‌ها دل‌بسته می‌شوند. در این میان بعضی افراد با توجه به میزان خلوت مطلوب مورد نظرشان، به محیط‌های یادگیری جمعی و فعال دل‌بسته می‌شوند و سایر افراد ممکن است محیط مطالعه آرام و بی‌سروصدا با حریم بصری خصوصی را ترجیح دهند.

کتابخانه‌ها به عنوان مکان عمومی در نگاه نخست فضایی مناسب برای مطالعه، خلوت، روابط اجتماعی و حس گفت‌وگو به نظر می‌آیند اما گاهی مشکلات و نارضاایتی‌های موجود از واکنش‌های در قبال نبود موقعیت برای حفظ فضای شخصی، خلوت و واکنش‌هایی در مقابل روابط اجتماعی اجباری برخاسته می‌شود.

نوع و میزان خلوت مطلوب به الگوی جاری فعالیت‌ها، زمینه فرهنگی، شخصیت و انتظارات فردی وابسته است (لنگ، ۱۳۹۵: ۱۶۶). نیاز به خلوت و سازوکارهای ارضای آن در افراد و گروه‌های مختلف متفاوت است. بعضی از این تفاوت‌ها با تحقیقات سازمان‌یافته تبیین شده‌اند و بقیه به عنوان فرضیه‌های آزموده نشده باقی مانده‌اند (لنگ، ۱۳۹۵: ۱۷۶).

بنابراین این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است.
- عوامل مؤثر بر دل‌بستگی افراد به کتابخانه و مطالعه در آن کدام‌اند؟

- خلوت مطلوب در محیط کتابخانه چگونه حاصل می‌گردد و تابع چه عواملی است؟

- تأمین خلوت مطلوب در محیط کتابخانه تا چه میزان می‌تواند بر دل‌بستگی دانشجویان تأثیر داشته باشد؟

پیشینه پژوهش

در حوزه رابطه انسان و مکان، مفهوم دل‌بستگی تا قبل از سال‌های هفتاد میلادی در تحقیقات مورد توجه قرار نگرفته

بود (مجتبوی، مطلبی و قدوسی‌فر، ۱۴۰۰). مطالعات در زمینه دل‌بستگی، برای اولین بار در ارتباط بین کادر درمان، کودک و این‌که چگونه کودکان در فرایند درمان، اعتماد خود را به کادر درمان توسعه می‌دهند، مورد بررسی قرار گرفت (Marris, 1996, Goldberg, 2000) نقل شده در دانشپور، سپهری‌مقدم و چرخچیان، ۱۳۸۸).

در حال حاضر، تحقیقات فراوانی در زمینه دل‌بستگی به مکان در حوزه‌های مختلف روانشناسی محیطی انجام شده که در این مطالعات، ابعاد محیطی و انسانی دل‌بستگی مورد بررسی قرار گرفته است. صاحب‌نظران بنام این حوزه «رلف»، «گیفورد»^۱، «مزومدار»^۲، «گیلیانی»^۳، «لو»^۴، «آلتمن»^۵، «استدمن»^۶ و «پارمل»^۷ به شمار می‌روند. از نظر استدمن، دل‌بستگی به مکان، یک بعد از کلیت حس مکان و وابستگی عاطفی مثبت است که بین فرد و مکان توسعه می‌یابد (Stedman, 2003) نقل شده در صابری، پورشهریاری و عبداللهی، ۱۴۰۲). از نظر روبینسون و پارمل نیز این واژه، مبین احساسات فرد به یک موقعیت جغرافیایی است که به طور حسی فرد را به آن مکان گره می‌زند، درواقع یک تجربه مثبت از مکان است (Rubinsten & parme-lee, 1992) نقل شده در سرایی، اشنویی و روستا، ۱۳۹۴). اسکائل و گیفورد (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «تعریف دل‌بستگی به مکان: چارچوب سازمان‌یافته سه‌بعدی» با روش کیفی و تئوری مینا به ارائه تعریفی جامع و ساده از دل‌بستگی مکانی، نمونه‌ای از کارکردهای آن را نیز توضیح داده‌اند. آن‌ها دل‌بستگی مکانی را پیوندی میان شخص و محیط دانسته که ابعاد مختلف انسانی و مکانی آن از ویژگی‌های خاصی نیز برخوردار است. در مطالعه‌ای دیگر، هیدالگو و هرناندز^۸ (۲۰۰۱) تعلق را پیوند احساسی و خوشایند بین افراد و مکان خاص که مهم‌ترین ویژگی این احساس، درک تمایل افراد به حفظ فیزیکی آن مکان است، تعریف کرده‌اند (نوروزی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰).

در حوزه ارتباط میان دو مفهوم خلوت و دل‌بستگی به مکان، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. در این ارتباط آلتمن (۱۹۷۵) اولین فردی بود که به وجود این ارتباط اشاره نمود. وینسل و همکارانش (۱۹۸۰) خلوت را عنصر پایه‌ای در دستیابی به رفاه و آسایش قلمداد می‌کنند. در پژوهش مک‌اندرو (۱۹۹۸) نشان داده شد، افرادی که به سطح بالاتری از دل‌بستگی به مکان دست می‌یابند، بیش‌ازپیش، در مکان ریشه می‌دانند و کمتر تمایل به تغییر محیط خود دارند. این افراد

دوستی، مودت، عشق و گرایش خاطر یاد می‌شود. دل‌بستگی به مکان به عنوان یک مفهوم، رابطه و نقطه اتصال بین مردم و مکان‌هاست. امروزه مفهوم دل‌بستگی به مکان، نقش مهمی را در مطالعات روانشناسی محیط بازی می‌کند. دل‌بستگی به مکان، زنجیره‌ای میان افراد و محیط‌های معنادار است (Gi- uliani, 2003; Low & Altman, 1992).

دل‌بستگی به مکان، مفهومی پیچیده و چندسطحی است که آلتمن آن را نیروی گرانش مؤثر میان مردم و مکان تعریف می‌کند. تأثیر حسی، عاطفی و درونی مکان بر انسان، اساس تفکر دل‌بستگی به مکان است. توان^{۱۱} (Tuan, 1977)، این رابطه را توپوفیلیا و یا عشق به مکان تعبیر کرده است (دانشپور، سپهری‌مقدم و چرخچیان، ۱۳۸۸: ۳۹). رلف، دل‌بستگی مکان را به عنوان پیوند عاطفی با محیط که نیازهای اساسی انسان را تأمین می‌کند، می‌داند. اغلب تعاریف، دل‌بستگی مکان را در موضوعات حسی توصیف می‌کند. مانند سرمایه‌گذاری عاطفی در یک مکان (Hummon, 1992) یا احساس تعصب و غرور و حس عمومی سلامتی و بهزیستی. (Brown et al., 1992) شوماخر و همکارش نیز این واژه را به عنوان وابستگی عاطفی مثبت بین فرد و مکان بیان می‌کنند که گروه‌های اجتماعی، مطلوبیت کالبدی، شخصیت فرد و موقعیت مکان در آن نقش دارند (Shumaker & Taylor, 1983: 2).

اسکانل و گیفورد (۲۰۱۰) تلاش کرده‌اند با طرح چارچوب سه‌بعدی، تعاریف مربوط به دل‌بستگی به مکان را که در رشته‌های مختلف علمی (جامعه‌شناسی، روانشناسی، مردم‌شناسی و...) مطرح شده است، سازمان دهند. دل‌بستگی مکان متشکل از چارچوب سازمان‌یافته سه‌بعدی (فرد- فرآیند- مکان) است (Scannell & Gifford, 2010). دل‌بستگی مکانی از مهم‌ترین جنبه‌های ارتباط انسان و مکان است که باید از سوی معماران و برنامه‌ریزان و طراحان شهری، مورد توجه قرار گیرد (مجتبوی، مطلبی و قدوسی‌فر، ۱۴۰۰). (تصویرهای ۱ و ۲)

خلوت

بسیاری از انسان‌ها در طول زندگی روزانه خود، گاهی نیاز به تنها بودن را احساس کرده و این تنها بودن را به خلوت تعبیر می‌نمایند. اما باید توجه داشت که در روانشناسی محیط، خلوت صرفاً به تنها بودن و دوری از دیگران اشاره ندارد. واقعیت امر

احساس خلوت بیشتری را در محیط زندگی خود تجربه می‌کنند و کنترل بیشتری نیز بر محیط پیرامون خود دارند (McAn-drew, 1998: 411). به‌علاوه پژوهشگرانی مانند شوماخر^۱ و همکارش اظهار داشتند که دل‌بستگی به مکان با رفاه و آسایش در ارتباط است (Shumaker & Stokols, 1981: 163) نقل شده در دانشپور، سپهری‌مقدم و چرخچیان، (۱۳۸۸).

در تحقیقات هریس و همکاران (۱۹۹۵) ارتباط میان دل‌بستگی به مکان، خلوت و رفاه بررسی شد. در این مطالعه افرادی که خلوت بیشتری را در محل زندگی خود تجربه کرده بودند، نسبت به آن مکان دل‌بستگی بیشتری نیز داشتند. به عبارتی، افرادی که خلوت و آسایش محیطی مورد نیاز آن‌ها تأمین شده بود، دل‌بستگی بیشتری به محیط زندگی خود پیدا کرده بودند (Harris et al., 1995: 319).

اخیراً اسکانل و گیفورد (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «مبانی پیوند دادن: توابع روان‌شناختی دل‌بستگی به محل در مقایسه با دل‌بستگی‌های بین فردی»، خلوت را به عنوان یکی از توابع دل‌بستگی به محل معرفی می‌کند (Scannell & Gifford, 2017: 260).

درنهایت می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که در مورد ارتباط خلوت و دل‌بستگی توافقی حاصل نشده است، اما مطالب علمی پرداخته شده به این موضوع، اهمیت آن را به عنوان یکی از متغیرهای دل‌بستگی تأیید می‌نماید.

مبانی نظری

دل‌بستگی به مکان یا دل‌بستگی مکانی، مفهومی چندبعدی، پیچیده و بین‌رشته‌ای است که جنبه‌های مختلفی از پیوند مردم با مکان را در هم می‌آمیزد. این مفهوم در طول چند دهه گذشته، مورد توجه بسیاری از محققان در رشته‌های مختلف علمی (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی محیطی، مردم‌شناسی، جغرافیای انسانی و معماری) قرار گرفته است (Windsong, Hummon, 1992; Trentlman, 2009; 2010). بدین ترتیب، در ادامه ابتدا مفهوم دل‌بستگی به مکان و عوامل تأثیرگذار بر آن تبیین می‌شود. سپس مفهوم خلوت و رابطه بین خلوت و دل‌بستگی توضیح داده می‌شود.

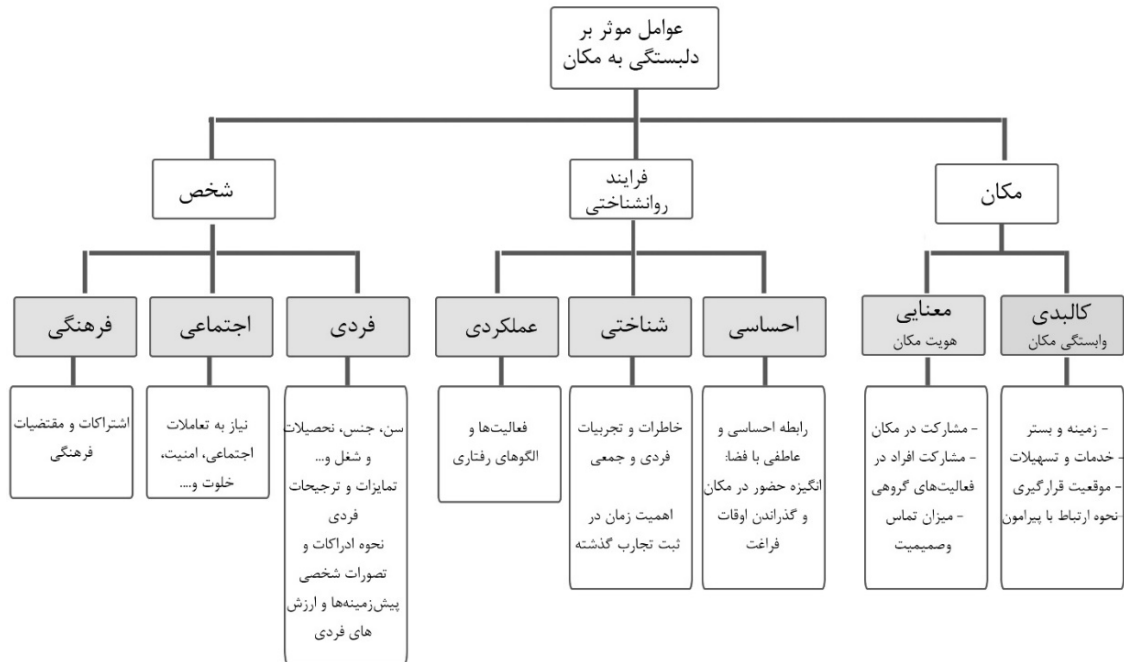
دل‌بستگی به مکان

در لغت‌نامه دهخدا از دل‌بستگی به معنای محبت، رغبت،

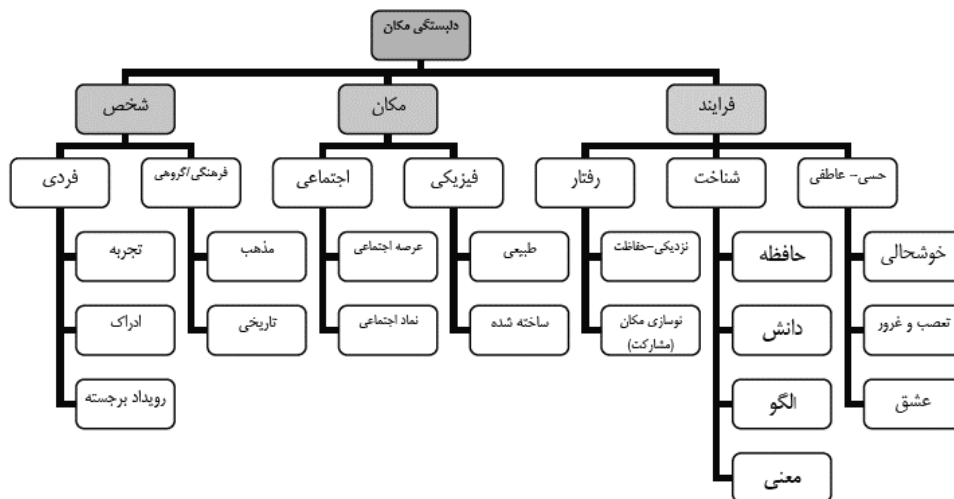


قابل توجهی دارند (لنگ، ۱۳۹۵: ۹۰). اکثر پژوهشگران، مفهوم خلوت را توانایی کنترل افراد یا گروه‌ها بر تعامل دیداری، شنیداری و بویایی با دیگران تعریف کرده‌اند. به عنوان مثال راپاپورت^{۱۲} (۱۹۹۷)، خلوت را توانایی کنترل تعاملات اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه برای فرد تعریف

این است که خلوت فرایند تنظیم رابطه میان افراد است و فرد یا گروه به واسطه آن بر تعامل خود با دیگران نظارت می‌کند (Altman, 1975) نقل شده در محمدنای قرائی، رفیعیان و نقی‌زاده، (۱۳۹۶).
 برخی از موجودات بر زندگی خود در رابطه با دیگران کنترل



تصویر ۱. عوامل مؤثر بر دل‌بستگی مکان، منبع: (Scannell & Gifford, 2010).



تصویر ۲. مدل سه‌گانه دل‌بستگی مکان، منبع: (Scannell & Gifford, 2010) نقل شده در رحیمی، رفیعیان و باقری، (۱۳۹۵).

تفاوت در خلوت‌جویی ریشه در ویژگی‌های فردی، جایگاه اجتماعی، محیط فیزیکی و فرهنگ دارد. برخی از افراد به علت فرهنگ و شخصیت به خلوت بیشتری نیاز دارند و میل به خلوت‌جویی خود را متفاوت با دیگران ابراز می‌کنند. جایگاه اجتماعی و محیط فیزیکی نیز باعث به وجود آمدن تمایلات خلوت‌جویی متفاوت می‌گردد (Gifford, 2002; Altman, 1975; Hall, 1966). در واقع، فرد یا گروه بر پایه ویژگی‌های فردی، زمینه فرهنگی - اجتماعی و مشخصات محیط فیزیکی، سازوکارهایی را انتخاب می‌کنند و به واسطه آن به خلوت مطلوب خود دست می‌یابند (Altman & Chemers, 1980). نقل شده در محمدنای قرائی، رفیعیان و نقی‌زاده، (۱۳۹۶).

نیاز به خلوت در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و بین افراد در یک فرهنگ خاص نیز بسته به حالات روحی و وضعیت اجتماعی تفاوت‌هایی وجود دارد. به بیان دیگر شرایطی که برای یک فرد معنای خلوت دارد ممکن است برای فرد دیگری عین تنهایی و انزوا باشد؛ و شرایطی که برای یک فرد در زمان مشخصی شلوغی محسوب می‌شود ممکن است برای فرد دیگری یا همان فرد در موقعیت دیگری لذت‌بخش باشد (عینی‌فر، ۱۱۲، ۱۳۷۹). به اعتقاد آلتمن (۱۹۷۵)، در روابط بین فردی خلوت، این امکان را فراهم می‌کند که فرد بتواند هم خودش را به عنوان یک فرد منحصربه‌فرد و هم به عنوان عضوی از گروه‌های مختلف با داشتن حس کنترل و تنظیم روابط با آنان فرض کند و بیشترین اهمیت را برای هویت کاربران دارد (Altman, 1977).

محیطی فرایند خلوت را دست‌یافتنی می‌کند که در سطوح متفاوت و قابل کنترل، ساماندهی شده باشد (خامنه‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۳). تأمین فضای شخصی یکی از سازوکارهای دست‌یابی به خلوت است. برای ایجاد فضای شخصی در نظر گرفتن فاصله‌ها ضروری است. برای ایجاد کنترل و حس مالکیت نیز باید فضاها را شخصی‌سازی کرد (هال، ۱۳۸۷: ۱۳۵). جداسازی نهایی‌ترین شکل حریم شخصی است. هدف هر دو جلوگیری از نفوذ ناخواسته اطلاعات و گریز از آن است. برای دست‌یابی به خلوت معرفی شاخصه‌های زیر در فضاها ضروری به نظر می‌رسد:

– توجه به فضای شخصی

– در نظر گرفتن فاصله‌ها

– شخصی‌سازی (Marsawafy, 2006: 190).

می‌کند (Rapaport, 1977: 202). با این حال خلوت نباید به گوشه‌گیری و تمایل به انزوا منجر شود (Schwartz, 1968: 357).

پروت^{۱۳} و برگون^{۱۴} نیز برای مفهوم خلوت چهار بعد فیزیکی (در دسترس بودن جسم فرد برای دیگران)، روان‌شناختی (توانایی کنترل فرآیندهای روانی)، اجتماعی (کنترل بر تعاملات اجتماعی با دیگران)، و اطلاعاتی (کنترل فرایند تبادل اطلاعات شخصی) در نظر گرفته‌اند (Parrott & Burgoon, 1989: 1381-1385). (جدول ۱)

جدول ۱. تعاریف خلوت از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف، منبع: (آلتمن، ۲۲: ۱۳۸۲، نقل شده در ارژمند و خانی، ۳۰: ۱۳۹۱).

تعریف خلوت	نظریه‌پرداز
کنترل محرک‌های دریافتی از دیگران، میزان اطلاعات و فاصله از آنها	زیمل ^{۱۵} (۱۹۵۰)
چهار نوع خلوت را به قرار زیر بیان می‌کند: ۱. انزوا: آزاد بودن از مشاهده شدن توسط دیگران ۲. قربابت: معاشرت با فردی دیگر و رها بودن از محیط خارج ۳. گمنامی: ناشناخته بودن در میان جمع ۴. مدارا: به کار گرفتن موانع روان‌شناختی برای کنترل مزاحمت‌های ناشناخته	وستین ^{۱۶} (۱۹۷۰)
ارزش تنها ماندن و آسودگی از فشار حضور دیگران	چاپین ^{۱۷} (۱۹۵۱)
احساس فرد که دیگران باید از آن‌چه برای او مهم است، جدا و دور باشند، و در ضمن اذعان به این‌که دیگران نیز حقی از آن دارند.	بیئتس ^{۱۸} (۱۹۶۱)
نتیجه تمایل فرد به پنهان نگهداشتن تجربیات گذشته و زمان حال خود و اهدافش برای آینده، تمایل به معما بودن برای دیگران.	زورار ^{۱۹} (۱۹۶۶)
چهار معنای متفاوت زیر را بیان می‌کند: ۱. آزادی در انتخاب انزوا ۲. آزادی در داشتن صمیمیتی بدون مزاحمت بین خود و افراد منتخب ۳. آزادی برای بی‌نام ماندن در بین دیگران ۴. آزادی برای محفوظ بودن از طریق مضایقه اطلاعات درباره خود	فرگاس ^{۲۰} (۱۹۷۰)
رسیدن و آزادی انتخاب و تعیین اهداف لازم برای نظارت بر این‌که در مورد خود چه اطلاعاتی را انتقال دهیم، تعریف می‌شود.	ایتلسن ^{۲۱} ، پروشانسکی، ریولین ^{۲۲} (۱۹۷۰)
دوری و نزدیکی فرد به دیگران و آزادی انتخاب در مورد رابطه با دیگران	آلتمن (۲۰۰۱)



رابطه میان خلوت و دل‌بستگی به مکان

اکثر مطالعات انجام شده در زمینه رابطه خلوت و دل‌بستگی گزارش می‌دهند؛ که مکان‌هایی که افراد در آن دل‌بسته شدند، اغلب آن‌هایی هستند که کنترل بیشتری از قوانین حفظ حریم خصوصی بر فضاها حاکم است (Hester, 1979; Boscheti, 1978; Marcus, 1995; Harris, 1986). (تصویر ۳)

مطالعه نظری و تجربی هریس (۱۹۹۵) و همکاران نشان می‌دهد که دل‌بستگی مکان با میزان خلوت محیط متناسب است به عبارتی دیگر، افرادی که موفق به تنظیم خلوت و حریم خصوصی شدند، احتمال بیشتری وجود دارد که دل‌بستگی مکانی بیشتری داشته باشند. در مقابل، افرادی که سطح رضایت‌بخشی از خلوت ندارند انتظار می‌رود که دل‌بستگی مکانی کمتری داشته باشند (Harris, 1995). وستین نیز معتقد است که کنترل خلوت و تنظیم حریم خصوصی افراد، عامل تأثیرگذاری برای دستیابی به اهداف دیگر نیز هست (Westin, 1970).

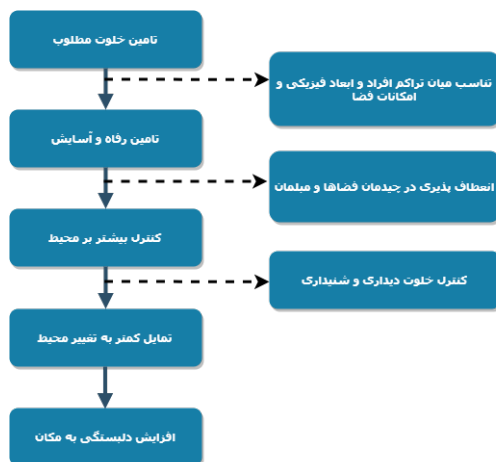
در واقع پس از بررسی راهکارهای مختلفی که در تأمین خلوت مطلوب افراد تأثیرگذار است، در این مرحله به بیان چگونگی تأثیر خلوت‌گزینی بر دل‌بستگی فضاها در کتابخانه پرداخته می‌شود. کنترل بر مرزهای بین فردی و تعاملات اجتماعی پایه‌ای برای خودمختاری، خودارزشی و هویت فردی است که می‌تواند به دل‌بستگی مکان کمک کند. از طرفی تأمین رفاه و آسایش کاربران از کتابخانه می‌تواند در ماندگاری افراد

در فضا مؤثر باشد. هم‌چنین توجه به درخواست‌ها و نیازهای کاربران موجب افزایش رضایتمندی کاربران از محیط می‌شود. در «نمودار ۱» مدل فرضی رابطه میان خلوت و احساس دل‌بستگی مکان آورده شده است.

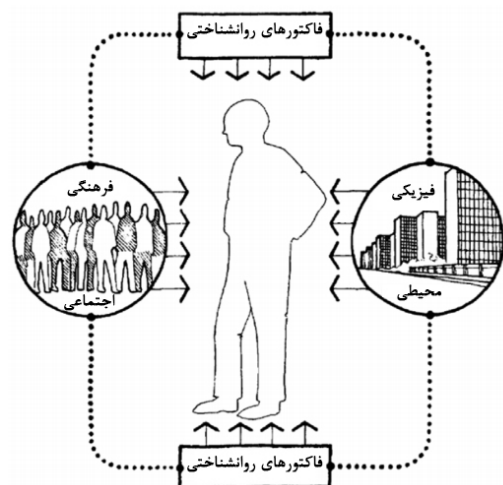
روش تحقیق

مطالعه حاضر با بررسی میدانی ارتباط بین خلوت و دل‌بستگی به مکان در کتابخانه مرکزی در تلاش است تحقیقات پیشین را گسترش دهد. به عبارتی، هدف اصلی از پژوهش حاضر، بررسی رابطه میان دو مفهوم خلوت و دل‌بستگی به مکان در فضاهای مطالعاتی کتابخانه مرکزی است. بر این اساس، فرضیه اصلی این تحقیق به این صورت قابل ارائه است که: «تأمین شرایط خلوت مطلوب برای استفاده‌کنندگان از فضاهای مطالعه کتابخانه، بر شکل‌گیری احساس دل‌بستگی آن‌ها به محیط تأثیرگذار است». لذا در این خصوص ارزیابی میزان تأمین خلوت مطلوب و نیز میزان دل‌بستگی به محیط در آن‌ها امری ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، در این پژوهش از دو روش کمی و کیفی به مسئله پرداخته شد.

گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه بسته و در بعد کیفی تنها با استفاده از مشاهده مستقیم انجام گرفت، چراکه با توجه به الزام رعایت سکوت در کتابخانه، استفاده از مصاحبه، چندان عملی به نظر نمی‌رسید. در پرسشنامه بسته، سوالاتی



نمودار ۱. مدل فرضی رابطه میان خلوت و احساس دل‌بستگی مکان، منبع: نگارندگان.



تصویر ۳. عوامل مؤثر بر خلوت، منبع: (Moor.Gray.T, 1997)

جدول ۲. میزان تأثیر عوامل مختلف در دل بستگی به فضاهای مطالعه کتابخانه مرکزی.

عوامل مؤثر در میزان دل بستگی	میانگین اکتسابی مخزن و فضای مطالعه آن	میانگین اکتسابی سالن مطالعه	میانگین اکتسابی بخش کتب مرجع و فضای مطالعه آن	میانگین اکتسابی بخش پایان نامه ها
فردی	۳٫۹۴	۳٫۹۵	۳٫۵۶	۳٫۸۶
اجتماعی	۳٫۳۹	۳٫۵۴	۴٫۱۴	۳٫۱۴
معنایی	۳٫۴۰	۳٫۵۸	۳٫۹۳	۳٫۲۱
کالبدی	۳٫۲۵	۳٫۳۱	۳٫۸۶	۲٫۹۳
احساسی	۳٫۷۰	۳٫۸۷	۴٫۱۴	۳٫۷۱
شناختی	۳٫۷۵	۳٫۶۵	۴	۴
عملکردی	۳٫۵۰	۲٫۸۸	۳٫۰۷	۳٫۳۶
میانگین کلی میزان دل بستگی به فضاهای مطالعه کتابخانه مرکزی	۳٫۵۶	۳٫۵۴	۳٫۸۱	۳٫۴۵

فضاهای مطالعه کتابخانه افزود. طبق نتایج حاصل پرسشنامه، میزان خلوت در فضاهای مطالعه در نمودار ۲ نمایش داده شده است. بر طبق این نمودار میزان خلوت در تمامی فضاهای مطالعه از میانگین خوبی برخوردار است. بخش مرجع بالاترین میانگین در میزان خلوت و بخش مخزن و میزهای مطالعه پایین ترین میانگین در خلوت را دارا هستند. (نمودار ۲)

معرفی کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی

دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان یکی از سه دانشگاه قدیمی ایران با بیش از ۱۵۰۰ دانشجو در ۷۰۰ رشته و دیپارتمان مختلف و با حدود ۲۰۰۰ نفر پرسنل علمی و اداری در استان خراسان رضوی و در شهر مشهد قرار گرفته است (مهندسین مشاور گروه ایجاد، ۱۳۸۹).

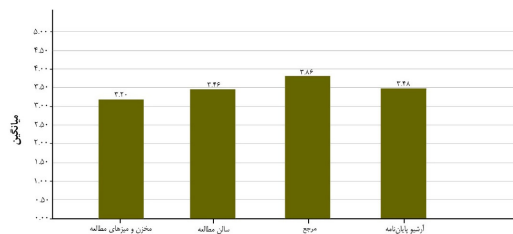
با توجه به اهمیت حوزه های مطالعاتی کتابخانه مرکزی و تعدد مراجعه و استفاده از این فضاها، تحقیق حاضر حوزه مطالعاتی خود را به این فضاها محدود کرده است. فضاهای مطالعاتی شامل مخزن و میزهای مطالعه، سالن مطالعه، مرجع و آرشیو پایان نامه ها است که ابتدا به توضیحی از هر فضا

به منظور ارزیابی میزان دل بستگی استفاده کنندگان به فضاها و نیز میزان تأمین خلوت مطلوب برای آن ها در هر فضا مطرح گردید. این سؤالات در سه بخش طراحی شد. در بخش اول میزان دل بستگی به فضاهای مطالعه مورد پرسش قرار گرفت، در بخش دوم میزان نیاز به خلوت از نقطه نظر استفاده کنندگان برای هر فضا مورد سنجش قرار گرفت و در بخش سوم میزان خلوت هر فضا ارزیابی شد.

لذا به منظور بررسی فرضیه طرح شده در این خصوص، ابتدا می بایست میزان دل بستگی افراد به هر کدام از فضاهای مطالعه کتابخانه و نیز میزان تأمین خلوت در آن فضاها به تفکیک مورد سنجش قرار گیرد. سپس در مرحله بعد ارتباط میان این دو متغیر به آزمون گذارده شود. لذا در مرحله اول، میزان دل بستگی افراد و تأمین خلوت مطلوب، به تفکیک مورد سنجش قرار گرفته است.

طبق نتایج حاصل از پرسشنامه میزان دل بستگی مراجعه کنندگان به فضاهای مختلف مطالعه «جدول ۲» به دست آمد. پاسخ دهندگان به میزان دل بستگی خود به فضاهای مختلف مطالعه از ۱ (پایین ترین نمره) تا ۵ (بالاترین نمره) نمره دادند، که بر طبق این نمودار میزان دل بستگی در همه فضاهای مطالعه از مقدار میانگین، بالاتر است و دل بستگی در بین مراجعه کنندگان کتابخانه نسبت به فضاهای مختلف مطالعه از مطلوبیت خوبی برخوردار است. بخش مرجع بیشترین میزان دل بستگی و بخش آرشیو پایان نامه کمترین میزان دل بستگی را به خود اختصاص داده اند.

از آن جایی که کتابخانه از فضاهای مختلف تشکیل شده است و هر فضا باید به نیاز استفاده کنندگان از خود پاسخ دهد، تا بهترین عملکرد را داشته باشد. در این میان سعی بر آن است، تا میزان نیاز مراجعه کنندگان مختلف به خلوت در فضاهای مختلف سنجیده شده، تا از این طریق بتوان به میزان مطلوبیت



نمودار ۲. میزان خلوت در فضاهای مختلف مطالعه کتابخانه مرکزی.



در ضمن فضای مخزن و میزهای مطالعه با فضای امانت کتب که یکی از پرمراجعه‌ترین بخش‌های کتابخانه و به منزله نبض کتابخانه است، در جوار هم قرار گرفته است. (تصویر ۴)

سالن مطالعه

یکی از فضاهای مهم کتابخانه، فضای مطالعه است که این بخش با متراژ ۱۰۶ مترمربع در سمت کتب لاتین قرار دارد که توسط دیواری از این فضا جدا شده و دو طرف دیگر سالن مطالعه به حیاط‌های بنای کتابخانه منتهی می‌شود. ظرفیت این سالن مطالعه به ۸۰ نفر می‌رسد که تمام مبلمان موجود در این فضا، شامل میزهای چهارنفره است و هیچ مبلمانی برای مطالعه فردی وجود ندارد. (تصویر ۵)

بخش مرجع

در این قسمت منابع مرجع مانند دانشنامه‌ها، واژه‌نامه‌ها، کتاب‌شناسی‌ها، کتاب‌های نایاب و ... نگهداری می‌شوند. با توجه به ارزش این منابع، آن‌ها به امانت داده نمی‌شوند و استفاده از آن‌ها فقط در کتابخانه صورت می‌گیرد. بخش مرجع به دو بخش فارسی و عربی به مساحت ۳۹۸ مترمربع و بخش لاتین به مساحت ۳۲۴ مترمربع تقسیم می‌شود. مبلمان واقع در این بخش نیز مکان مطالعه بسیاری از مراجعه‌کنندگان است. مخزن کتاب به صورت قفسه باز است و مراجعه‌کنندگان می‌توانند آزادانه به منابع دسترسی داشته باشند. دانشجویان به طور معمول بیشترین زمان خود را در مخزن کتاب فارسی برای تهیه کتاب و مطالعه آن در فضای اختصاص داده شده در اطراف قفسه‌های کتاب می‌گذرانند. (تصویر ۶)



تصویر ۵. سالن مطالعه کتابخانه مرکزی، منبع: نگارندگان.

پرداخته و سپس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در هر فضا ارائه و بررسی می‌گردد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی با مساحتی بالغ بر ۸۵۲۵ مترمربع، در ۳ طبقه زیرزمین، همکف و اول شکل گرفته است. - طبقه زیرزمین با مساحت ۳۵۰۶ مترمربع شامل فضای مخزن و امانت، سالن مطالعه و فضاهای وابسته به آن است. - طبقه همکف با مساحت ۲۶۷۵ مترمربع شامل ورودی، لابی، فضاهای اداری و سالن آرشیو نشریات است. - طبقه اول با مساحت ۲۳۴۵ مترمربع شامل ۲ سالن مرجع کتب فارسی و لاتین، سالن آرشیو و مطالعه پایان‌نامه‌ها و فضاهای وابسته به آن است.

فضاهای مطالعه کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی

فضای مخزن و مطالعه

این فضا به متراژ ۲۱۳۵ مترمربع در طبقه زیرزمین کتابخانه مرکزی واقع است. از آن‌جا که مخزن کتابخانه مرکزی به صورت مخزن باز اداره می‌شود، ناگزیر نیاز به مکان‌هایی برای مکث‌های طولانی و مطالعه کتب توسط دانشجویان وجود دارد. بنابراین میزها و صندلی‌های موجود در این فضا، مکان‌هایی جهت مطالعه فراهم آورده است. فضای مخزن به دو قسمت کتب فارسی و عربی به مساحت ۱۲۹۲ متر مربع و قسمت کتب لاتین به مساحت ۵۱۹ متر مربع تقسیم شده است که در هر دو، امکان مطالعه با قرار دادن مبلمان متناسب با این فضا فراهم شده است.



تصویر ۴. فضای مخزن، منبع: نگارندگان.

جدول ۳. بررسی ارتباط میان خلوت و دل‌بستگی به مکان در کتابخانه مرکزی.

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب پیرسون	سطح معناداری	فضاها	میانگین دل‌بستگی	میانگین نیاز به خلوت
دل‌بستگی	نیاز به خلوت	۰٫۴۵	۰٫۰۰۲	مخزن و میزهای مطالعه	۳٫۵۶	۳٫۶۷
				سالن مطالعه	۳٫۵۴	۳٫۷۱
				مرجع	۳٫۸۱	۳٫۹۶
				آرشیو پایان‌نامه‌ها	۳٫۴۵	۳٫۵۷

معنی‌دار میان دو متغیر دل‌بستگی به مکان و تأمین خلوت وجود دارد. به عبارتی دیگر، میان مؤلفه‌ها به لحاظ اهمیت، تفاوت معناداری وجود دارد و سؤالات از نظر پاسخ‌گویان، ارزش و اهمیت یکسانی ندارند. با توجه به مقادیر ضریب همبستگی این موضوع استنباط می‌شود که هرچه قدر فضای مورد استفاده به نیاز خلوت استفاده‌کنندگان از آن فضا پاسخ دهد، میزان دل‌بستگی نسبت به آن فضا بیشتر می‌شود. بنابراین مشاهده می‌شود همان‌طور که میانگین نیاز به خلوت در فضای مرجع نسبت به سایر فضاها بیشتر است، میانگین دل‌بستگی به این فضا در مقایسه با سایر فضاها نیز بالاتر است. (جدول ۳)

در «جدول ۴» از مقایسه میانگین میزان خلوت فضاهای مطالعه و میزان نیاز به خلوت در هر یک از فضاها، مشاهده می‌شود که در بخش آرشیو پایان‌نامه‌ها و بخش کتب مرجع و میان این دو مؤلفه فاصله اندکی وجود دارد و این حاکی از مطلوبیت میزان خلوت در این دو فضا است، این در حالی است که در فضای سالن مطالعه و بخش مخزن با وجود بالا بودن میانگین هر دو این فضا، فاصله بین این دو مؤلفه نشان از نیازمندی این دو فضا به ارائه راهکارهایی در جهت تقویت میزان خلوت است.

جدول ۴. بررسی ارتباط میان خلوت و دل‌بستگی به مکان در کتابخانه مرکزی.

مؤلفه	مخزن و سالن‌های مطالعه	سالن مطالعه	مرجع	آرشیو پایان‌نامه
خلوت	۳٫۲۰	۳٫۴۶	۳٫۸۶	۳٫۴۸
نیاز به خلوت	۳٫۶۷	۳٫۷۱	۳٫۹۶	۳٫۵۷

آرشیو پایان‌نامه‌ها

این بخش بعد از لابی کوچک و در امتداد راهرویی قرار گرفته است. مطالعه در این بخش توسط رایانه‌های مستقر انجام می‌گیرد. مساحت این بخش ۲۳۸ مترمربع است که ظرفیت ۴۰ نفر را دارا است. (تصویر ۷)

بحث و تحلیل یافته‌ها

پس از ارزیابی وضعیت تأمین خلوت هر یک از فضاهای مطالعه کتابخانه مرکزی و نیز میزان دل‌بستگی هر کدام از فضاها، در این بخش به بررسی رابطه میان این دو متغیر با استفاده از آزمون همبستگی پرداخته می‌شود.

همان‌گونه که از «جدول ۳» نمایان است، در آزمون انجام شده سطح معناداری بین دو متغیر دل‌بستگی و نیاز به خلوت کمتر از ۰٫۰۵ است، که این امر نشان‌دهنده آن است که ارتباط



تصویر ۶. بخش مرجع کتب فارسی و عربی، منبع: نگارندگان.



تصویر ۷. سالن مطالعه کتابخانه مرکزی، منبع: نگارندگان.



جدول ۵. بررسی ارتباط میان خلوت و دل‌بستگی به مکان در کتابخانه مرکزی.

متغیر وابسته	متغیر مستقل	فضاها	ضریب پیرسون	سطح معناداری
دل‌بستگی	خلوت	مخزن و میزهای مطالعه	۰٫۳	۰٫۰۲
		سالن مطالعه	۰٫۳۴	۰٫۰۲
		مرجع	۰٫۴۵	۰٫۰۲
		آرشیو پایان‌نامه‌ها	۰٫۲۸	۰٫۰۲
		همبستگی کل	۰٫۳۳	۰٫۰۲

استفاده‌کنندگان از کتابخانه میزان نیاز خود به خلوت را در بخش مرجع بیشترین مقدار، دوم در سالن مطالعه، سوم در بخش مخزن و در نهایت در بخش آرشیو پایان‌نامه‌ها اعلام نموده‌اند. در بخش بعدی تحقیق با مقایسه دو مؤلفه میزان خلوت و نیاز به خلوت در فضاهای مطالعه کتابخانه به سنجش سطح مطلوب خلوت در هریک از فضاهای کتابخانه پرداخته شد. طبق نتایج، بخش مرجع و پایان‌نامه مطلوب‌ترین فضا از نقطه‌نظر خلوت را دارا هستند و این در حالی است که طبق سنجش دو مؤلفه میزان خلوت و نیاز به خلوت دو فضای سالن مطالعه و بخش مخزن نتوانسته بودند به طور کامل به حد مطلوب خود در خلوت دست یابند. در بررسی علل آن می‌توان از مجاورت فضای مخزن و سالن مطالعه با فضای امانت که یکی از پرمراجعه‌ترین فضاهای کتابخانه است، به عنوان عامل ناکامی نسبی این دو فضا نسبت به دو فضای دیگر نام برد. در بخش نهایی برای پاسخ به پرسش اصلی تحقیق به بررسی رابطه دو متغیر دل‌بستگی و خلوت توسط آزمون پیرسون پرداخته شد، طبق نتایج سطح معناداری دو متغیر کمتر از ۰٫۰۵ حاصل گشت که نشان از رابطه معنادار بین این دو متغیر است. گرچه ضریب همبستگی ۰٫۳ رابطه قوی بین این دو متغیر نشان نمی‌دهد ولی تأییدی بر فرض تحقیق است. میزان رابطه دو متغیر خلوت و دل‌بستگی در بخش مرجع دارای بالاترین میانگین و به ترتیب سالن مطالعه، مخزن و پایان‌نامه در جایگاه‌های بعدی قرار دارند، بدین معنا که میزان تأثیرگذاری خلوت بر دل‌بستگی در محیط مرجع بیشترین تأثیر و در محیط پایان‌نامه کمترین تأثیر را داراست.

همان‌گونه که از داده‌های «جدول ۵» نمایان است، در آزمون انجام شده سطح معناداری بین دو متغیر دل‌بستگی و میزان خلوت کمتر از ۰٫۰۵ است، که این امر نشان‌دهنده وجود ارتباط معنی‌دار میان دو متغیر است. گرچه مقدار ضریب همبستگی کل نشان از رابطه قوی بین این دو متغیر نیست اما می‌توان فرضیه پژوهش را مورد تأیید قرار داد و چنین ادعا نمود که هرچه محیط کتابخانه، زمینه شکل‌گیری خلوت بیشتری را برای استفاده‌کنندگان آن فراهم آورده باشد، دل‌بستگی بیشتری برای استفاده‌کنندگان نسبت به آن محیط ایجاد می‌شود.

تحقیق پیش رو در بخش نخست با هدف شناخت مفهوم دل‌بستگی، به مطالعه و شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد دل‌بستگی مبتنی بر چهارچوب مبانی نظری خاص خود پرداخت و با فرض تأثیرگذاری عامل خلوت بر دل‌بستگی به مکان مفاهیم، شاخصه‌ها و وجوه مختلف خلوت را مورد بررسی قرار داد. در ادامه تحقیق سعی بر آن شد تا با برگزیدن نمونه موردی و استفاده از روش‌های کمی و کیفی به آزمودن فرضیه تحقیق پرداخته شود. در نتیجه کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی به عنوان مکانی که می‌توان در آن دو عامل دل‌بستگی و خلوت را مورد سنجش قرار داد، انتخاب گردید. پس از انتخاب کتابخانه مرکزی به عنوان نمونه موردی تحقیق، در ادامه با بهره‌گیری از مشاهدات عینی و توزیع پرسشنامه، در مرحله اول میزان دل‌بستگی افراد استفاده‌کننده به فضاهای مطالعه کتابخانه با کمک سه عامل زیر مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد که نسبت به سایر فضاهای مطالعه میانگین بالاتری داشته است. این سه عامل عبارتند از: ۱. شخص: که خود به عوامل فردی و اجتماعی تقسیم شد؛ ۲. مکان: که شامل عوامل معنایی و کالبدی می‌شود؛ و ۳. عوامل روانشناختی: که خود متشکل از عوامل احساسی، شناختی و عملکردی است.

بخش کتب مرجع با توجه نتایج پرسشنامه در عوامل اجتماعی، معنایی، کالبدی، احساسی و شناختی. از طرفی، بخش آرشیو پایان‌نامه‌ها با توجه به پایین بودن میانگین عوامل اجتماعی، معنایی و کالبدی نسبت به سایر فضاها کمترین میزان دل‌بستگی را در میان استفاده‌کنندگان از فضاهای مطالعه کتابخانه را دارا است. بخش مخزن و سالن مطالعه کتابخانه به ترتیب در میزان دل‌بستگی رتبه دوم و سوم را دارند. در بخش بعدی پرسشنامه، میزان نیاز به خلوت در فضاهای مختلف کتابخانه مورد سنجش قرار گرفت، که نتایج نشان می‌دهد

نتیجه‌گیری

کتابخانه‌های دانشگاهی نقش بسزایی در شکوفایی شخصیت علمی دانشجویان و یادگیری آن‌ها ایفا می‌کنند. توجه به خواسته‌ها و نیازهای کاربران می‌تواند گامی مؤثر در توسعه شخصیت علمی دانشجویان باشد و امکانات لازم برای مطالعه و پژوهش دانشجویان را فراهم آورد. یکی از نیازهای ضروری در محیط کتابخانه، ایجاد فضایی مناسب و آرام برای مطالعه و تمرکز کردن است که با شرایط مطلوب خلوت تأمین می‌شود. نتایج کمی و نیز کیفی این پژوهش نشان داد که تناسب میزان خلوت فضاهای کتابخانه با میزان نیاز به خلوت کاربران زمینه مناسبی را برای تأمین خلوت مطلوب برای افراد فراهم آورده است. در صورت تأمین خلوت، زمینه شکل‌گیری اهدافی چون استقلال شخصی، کاهش هیجانات، امکان خودارزیابی و ارتباطات کنترل شده با دیگران برای مراجعین کتابخانه مرکزی فراهم می‌آید. فراهم‌سازی موارد مذکور به ارتقای رابطه عاطفی میان فرد و محیط منجر شده که این امر زمینه ایجاد و توسعه دل بستگی به مکان کتابخانه را برای فرد ایجاد می‌کند. به منظور ایجاد تأمین خلوت مطلوب و در نتیجه تقویت حس دل بستگی به مکان در استفاده‌کنندگان از کتابخانه راهکارهایی زیر پیشنهاد می‌شود:

برای طراحی در محیطی همچون کتابخانه، باید محیط‌هایی انعطاف‌پذیر طراحی شوند که بتواند پاسخگوی تمایلات قابل تغییر افراد در جهت تماس با دیگران و یا جدایی از دیگران باشد. محیط‌هایی که فقط بر روی روابط متقابل بسیار اندک و یا فقط بر روابط متقابل بیش از اندازه تکیه دارند، پویایی نداشته و در مقابل نیازهای متغیر «خلوت» انعطاف ندارند. یکی از دیگر از راهکارها، استفاده از امکانات مناسب از قبیل مبلمان، دیوارک‌های کنترل‌کننده تعاملات دیداری و شنیداری، فضای سبز و منظره چشم‌نواز و... در فضاهای مختلف کتابخانه است. همچنین در رابطه با مکانیزم‌های فضای شخصی در طرح مبلمان، ترتیب فضای نشستن و فواصل هم‌جواری باید به تفاوت‌های جنسیتی و فرهنگی و نوع روابط اجتماعی و... توجه کرد تا منجر به تأمین فضای شخصی و احساس برخوردارگی از خلوت و استقلال در کتابخانه‌ها شود و دل بستگی به فضاهای کتابخانه و مطالعه در آن را افزایش دهد. یکی از محدودیت‌های موجود در این زمینه کمبود زمین و فضا برای توسعه و یا ساخت کتابخانه در دانشگاه‌ها است. از این رو به نظر می‌رسد در برنامه‌ریزی و طراحی کتابخانه‌ها توجه به بهینه‌سازی سازمان فضایی و نحوه چیدمان مبلمان و فضاها حائز اهمیت است.

پی‌نوشت‌ها

- | | | | |
|-------------|--------------|-------------|--------------------|
| 1. Gifford | 7. Parmelee | 13. Parrott | 19. Jurar |
| 2. Mazumdar | 8. Scannell | 14. Burgoon | 20. Fergus |
| 3. Giuliani | 9. Hernández | 15. Simmel | 21. <i>Itl.Sen</i> |
| 4. Low | 10. Shumaker | 16. Westin | 22. Rivlin |
| 5. Altman | 11. Tuan | 17. Chapin | |
| 6. Stedman | 12. Rapaport | 18. Bates | |

فهرست منابع

- آلتمن، ایروین (۱۳۸۲)، محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام، ترجمه علی نمازیان، ویراستار: جواهر افسر، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- حیدری، علی‌اکبر؛ مطلبی، قاسم؛ نکویی‌مهر، فاطمه (۱۳۹۳)، بررسی نحوه ارتباط میان دو مفهوم حس مکان و دل بستگی به مکان در خوابگاه دانشجویان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱، صص ۱۵-۲۲.
- خامنه زاده، خاتمه (۱۳۹۶)، مفهوم خلوت و چگونگی تحقق آن در زیست-جهان خانه ایرانی مطالعه تطبیقی آن در خانه ایرانی ماقبل مدرن و خانه مدرن ایرانی، باغ نظر، ۱۴ (۴۹)، ۳۳-۴۴.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور؛ چرخچیان، مریم (۱۳۸۸)، تبیین مدل «دل بستگی به مکان» و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۸، ۳۷-۴۸.
- رحیمی، لیلا؛ رفیعیان، مجتبی؛ باقری، محمد (۱۳۹۵)، تبیین مؤلفه‌های «دل بستگی به مکان» در مقیاس محله و شهر و تحلیل تعمیم‌پذیری آن؛ نمونه موردی: محله تاریخی سرخاب تبریز، معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۹ (۱۷)، ۲۲۵-۲۳۶.
- سرای، محمدحسین، روستا، مجتبی، و اشنویی، امیر (۱۳۹۴)، ارزیابی هویت محله‌ای در شهر جهرم، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۱۱ (۳)، ۶۹-۸۴. doi: 10.22059/jurbangeo.2015.54440
- صابری، نعیمه؛ پورشهریاری، مه‌سیمما؛ عبداللهی، عباس (۱۴۰۲)، نقش

مجتبوی، سیده مریم؛ مطلبی، قاسم؛ قدوسی‌فر، سیده‌ادی (۱۴۰۰)،
واکوی عوامل مؤثر در ایجاد دل‌بستگی به مکان در بازار (نمونه‌موردی:
بازار تجریش)، باغ نظر، ۱۸ (۱۰۵). doi: 10.22034/33-48 .bagh.2021.293542.4931
نوروزی‌زاده، زهرا؛ بیات، فاطمه؛ بشارتی کیوی، سیده؛ روحانی،
امیررضا؛ حمیدی، راشین؛ حمیدی، نگین؛ زارع، نفیسه (۱۴۰۰)،
ارزیابی و بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری حس تعلق به
مکان در بافت قدیم و جدید شهر تبریز، مهندسی ساختمان و علوم
مسکن، ۱۴ (۱)، ۵۱-۶۰.
هال، ادوارد توییچل (۱۳۸۷). بعد پنهنان، ترجمه منوچهر طبیبیان،
انتشارات دانشگاه تهران.

Altman, I. (1975). *The Environment and Social Behavior: Privacy, Personal Space, Territory, Crowding*. Monterey, CA: Brooks/Cole.

Altman, I. & Chemers, M. (1980). *Culture and Environment*. Monterey, CA: Brooks/Cole.

Boschetti, M. (1986). Emotional attachment to homes past and present: continuity of experience and integrity of self in old age. In D. Saile, Ed, *Architecture in Cultural Change: Essays in Built Form and Culture Research*. Lawrence, KS: University of Kansas, 31-44.

Brown BB, Perkins DD (1992). Disruptions in place attachment. Low SM, Altman I, editors. *Place attachment*. New York: Plenum Press.

Cooper Marcus, C. (1978). Rememberences of landscapes past. *Landscape*, 22, 34-43.

Gifford R, Hine D, Muller-Clemm W, Shaw K (2002). Why architects and laypersons judge buildings differently: Cognitive properties and physical bases. *Journal of Architectural and Planning Research*; 19:131-48.

Giuliani, M. V. (2003). Theory of attachment and place attachment. In M. Bonnes, T. Lee, & M. Bonaiuto (Eds.), *Psychological theories for environmental issues* (pp.137-170). Aldershot: Ashgate.

Hall, E, T. (1966). *The hidden dimension*. New York: Doubleday.

Harris, K.L., Kolodziej, P.A., Whittington, P.M. (1995). Mutant analysis of sensory axon pathfinding in the *Drosophila* embryo. *Posakony, White*; 1995, 66.

Hester, R. (1979). A womb with a view: how spatial nostalgia affect the designer. *Landscape Architecture*, 69, 475-481.

Hernandez, B. (2001). Place attachment Conceptual empirical and questions: *Journal of Environmental Psychology*; 18, 5-29.

Hummon, David M. (1992). "Community Attachment: Local Sentiment and Sense of Place. In Irwin Altman and Setha M. Low (Eds.), *Place Attachment*, New York/ London: Plenum Press, 253-278.

Low, S.M & Altman I (1992). *Place attachment: A conceptual inquiry*. Low SM, Altman I. editors. *Place attach-*

ment. New York: Plenum.
تعدیلگری مدت سکونت در رابطه دل‌بستگی مکان با سلامت روانی و بهزیستی
اجتماعی در زنان ساکن شهر تهران، پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۱۳
(۵۰)، ۴۳-۵۶. doi: 10.22034/spr.2023.389590.1823

عینی‌فر، علیرضا (۱۳۷۹)، عوامل انسانی- محیطی مؤثر در طراحی
مجموعه‌های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸، ۱۰۹-۱۱۸.

لنگ، جان (۱۳۹۵)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در
طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران.

محمدنیای قرانی، فاطمه؛ رفیعیان، مجتبی؛ نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۶)،

میل به خلوت جویی و ادراک ازدحام در محیط‌های شهری: تحلیلی
مقایسه‌ای میان زنان در خرده فرهنگ‌های ایران، مطالعات شهری، ۶
(۲۳)، ۲۹-۳۸. SID. <https://sid.ir/paper/515847/fa>.

Moore, G. (1997). "Architecture and Human Behavior: The Place of Environment-Behavior Studies in Architecture" (First ed.). Madison: Wisconsin Architect.

Parrott, R.; Burgoon, M. & Lepoire, B. (1989). "Privacy between physicians and patients: more than a matter of confidentiality", *SocSci Med.* ; 29 (12): 1381-1385.

Rapaport, Amos (1977). *Human Aspects of Urban Form: Towards a Man-Environment approach to Urban Formand Design*.

Scannell, Leila & Gifford, Robert (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*; 30: 1-10.

Scannell, L., & Gifford, R. (2017). The experienced psychological benefits of place attachment. *Journal of Environmental Psychology*; 51: 256-269.

Schwartz, B. (1968). The Social Psychology of Privacy. *American Journal of Sociology* ; 73: 741-752.

Stedman, R. (2003). Is it really just a social construction? The contribution of the physical environment to sense of place. *Society and Natural Resources*; 16: 671-685.

Stokols, D., & Shumaker, S.A. (1981). People in places: A transactional view of settings. In Harvey, J.H. (Ed.). *Cognition social behaviour and the environment*. 441-488.

Shumaker, S. A. & Taylor, R. B. (1983). Toward a clarification of people- place relationships: A model of attachment to place IN FEIMAR, N. R. & GELLER, E. S. (Eds.) *Environmental psychology: Directions and perspectives*. New York, Praeger.

Trentelman, C. K. (2009). "Place Attachment and Community Attachment: A Primer Grounded in the Lived Experience of a Community", *Sociologist Society and Natural Resources*, 22: 191-210.

Tuan YF (1977). *Space and place: The perspective of experience*. Minneapolis: University of Minnesota Press.

Westin. A (1970). *privacy and freedom*, Ballantine, New York.

Windsong, Elena, Ariel (2010). "There is no Place Like Home: Complexities in Exploring Home and Place Attachment", *The Social Science Journal*; 47: 205-214.

نقش تعاملات اجتماعی در باززنده‌سازی بافت تاریخی پامنار^۱

امیرمسعود دباغ^۲، مانده افتخاری^۳، مهرانوش مفیدی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲-۰۷-۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳-۰۱-۱۵

DOI: 10.22034/RAU.2024.2012484.1067

چکیده

بافت‌های شهری تاریخی، معرف بخشی از فرهنگ و هویت هر شهر است. روند کند‌نشدگی در این‌گونه بافت‌ها هم‌زمان با فرسودگی بافتار شهری، صورت گرفته البته شهرهای زنده میل به فعالیت را در فضاهای عمومی خود داشته و از طریق ارتباطات اجتماعی فضای زیست جمعی خود را تعریف می‌کنند. از این رو پرسش آن است که چگونه کالبد و فضای عمومی شهری نسبت به سایر عوامل اجتماعی بر روی اجتماع‌پذیری و مشارکت مردمی مؤثر است؟ شناخت عوامل مورد نیاز از دیدگاه اندیشمندان برای درک مفهوم تعاملات اجتماعی و تأثیر آن بر کالبد شهری و بررسی چگونگی ارتقاء تعاملات اجتماعی و پیوند محیطی در محله پامنار هدف اصلی این تحقیق است. نوشتار حاضر در پی آن است که منشأ باززنده‌سازی پامنار را به‌طور درون‌زا، از دل خود بافت جست‌وجو کند و به بافت تاریخی چون چشمه‌ای جوشان بنگرد. این پژوهش دو عامل اصلی توجه به کالبد شهری و بازتولید رویدادهای اجتماعی را عوامل مهم و درون‌زا در شکل‌دهی باززنده‌سازی شهری دانسته که البته ایجاد فضای شهری در بردارنده تعاملات اجتماعی نقش به‌سزایی در باززنده‌سازی بافت شهری خواهد داشت. در واقع باززنده‌سازی بافت شهری، منوط به ارتقای سطح تعاملات اجتماعی است. لذا حضور مردم و فعالیت اجتماعی، بیشتر از عامل کالبدی در احیای بافتار شهری مؤثر است. البته وجود کالبد مناسب در ابتدای امر به مثابه یک قالب مطلوب، زمینه مناسب‌تری را برای تجمع‌پذیری ایجاد می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: فضای شهری، تعاملات اجتماعی، بافتار شهری تاریخی، باززنده‌سازی شهری.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه نگارنده دوم با عنوان «بررسی تأثیر عوامل کالبدی شهر بر ارتقاء تعامل اجتماعی و طراحی پلازای شهری در بافت تاریخی پامنار با رویکرد باززنده‌سازی» با راهنمایی نگارنده اول و با مشاوره نگارنده سوم است.

۲. استادیار، گروه معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره، تهران، ایران.
Email: dabagh@soore.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد معماری، گروه مهندسی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره، تهران، ایران.
Email: eftekhari1234@yahoo.com (نویسنده مسئول).

۴. دکتری شهرسازی، گروه مهندسی شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره، تهران، ایران.
Email: Mehranosh.mofidi@soore.ac.ir



مقدمه

با گسترش بافت‌های جدید شهری، رفته‌رفته بافت‌های قدیمی و سنتی به دلیل ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای جدید مردم؛ بی‌ارزش جلوه نموده و دست‌خوش تخریب و فرسودگی و فراموشی می‌گردند. متأسفانه عدم توجه و حفاظت و نظارت بر آن موجب فرسودگی پیاپی و تحمیل کارکردهای نامناسب و کم‌ارزش شدن ملک و چندپاره شدن باغات و ساختمان‌های ارزشمند و متعاقب آن تشدید مهاجرت‌های اجباری و بی‌رویه چندین قومیتی به‌خصوص قشر ضعیف حتی از کشورهای دیگر به آن و موجب اختلال در نظم و ایجاد انواع بزهکاری‌ها و ناامنی خواهند شد عملاً بستر مخدوش و مخربی شکل می‌گیرد که در آن انواع آلودگی‌های بصری و بهداشتی و بزهکاری در آن رخ می‌دهد و موجب دوری‌گزینی مردم محلی نسبت به آن می‌گردد. با اینکه این بناها ثبت ملی شده‌اند و میراث رسمی محسوب می‌شوند اما به دلیل این نقصان‌ها شهروندان بومی نسبت به این بافت بی‌علاقه شده و عملاً میراث مردمی بودن این بافت کمرنگ شده است. لذا در این نوشتار با هدف شناخت سیستم به‌هم‌پیوسته تعامل اجتماعی و کالبد شهری و پیوندهای محیطی آن؛ ابتدا با دیدگاهی کیفیت‌شناسانه و تحلیلی و با استنتاج از یافته‌ها و آرای مهم صاحب‌نظران علوم اجتماعی در حوزه شهری در جهت تعریفی متقن از تأثیر متقابل کالبد شهر و تعامل اجتماعی پرداخته و در نهایت با توجه به رویکرد باززنده‌سازی به تبیین معیارهای ارتقاء تعامل اجتماعی و حضورپذیری در پلازای محلی به عنوان یکی از مؤثرترین فضاهای عمومی شهرها، پرداخته شده است. محله موردبررسی در این نوشتار، پامنار، از آن جهت که در قلب تاریخی تهران قرار دارد؛ و از طرفی محله‌ای مسکونی است که ساکنان آن می‌توانند در نگهداری و ارتقای هویت آن نقش مؤثری داشته باشند؛ دارای اهمیت بسزایی است. این محله به عنوان یکی از زیرمحلات عودلاجان و نیز یکی از محلات پنج‌گانه تهران صفوی، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ از طرفی به علت وجود بازار و متعلقات آن به‌شدت، در حال فروپاشی هویتی است. از این رو نوشتار حاضر در پی آن است؛ که منشأ باززنده‌سازی در پامنار را در خود بافت جست‌وجو کند که می‌تواند ایده‌های نو را در خود بیافریند.

و توصیف می‌شود و بر اساس گردآوری اطلاعات موجود بافت پامنار در زمینه‌های شناخت کلی و تلویحی کالبد شهری این بافت و همچنین تمایلات اجتماعی مردم نسبت به ارائه طرح ساماندهی؛ اقدام می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات به وسیله بررسی میدانی و همچنین اسناد و نقشه‌ها و مدارک موجود از بافت و کتاب‌ها به صورت مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. در این تحقیق قصد بر این است که ویژگی‌های محله را از جوانب مختلف اجتماعی کالبدی در سطح اصلی و عوامل اقتصادی و فرهنگی در سطح ثانوی و شرایط محیطی تأثیرگذار که «مورد» (پامنار) را آشکارتر می‌سازد، به بررسی بپردازد. در فرایند تحقیق مورد پژوهی باید به تدوین یادداشت‌های میدانی و گزارش‌های به‌دست‌آمده از تحقیقات گذشته و تعبیر و تفسیر آنها پرداخت؛ بدین جهت نگارنده این تکنیک را مناسب دانست تا با بهره‌گیری از شرح‌نویسی کیفی از سایت مورد نظر و ثبت تصاویر و نقشه‌ها بر غنای تحقیق بیافزاید. لازم بذکر است مطالعات کتابخانه‌ای مورد نیاز در حوزه علوم اجتماعی مرتبط با شهرها نیز مورد توجه ویژه قرار گرفت و بخش عمده‌ای از این نوشتار در باب بررسی و تحلیل کیفی یافته‌ها در این حوزه انجام شد. ضمناً علاوه بر منابع مطالعاتی کتابخانه‌ای؛ اسناد و تصاویر و نقشه‌ها یاری‌رسان مداوم و ثابت این پژوهش خواهد بود. روش مورد استفاده در این تحقیق با استناد بر مشاهدات میدانی، برداشت تصاویر و کروکی‌ها و همچنین بررسی اجمالی رفتارهای انسانی در مقیاس محلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. به این ترتیب تکنیک مورد پژوهی و با ابزاری مانند تحقیقات میدانی و اسنادی می‌تواند نیازها و انگیزه‌های کاربران از سایت را بررسی کند. در این تحقیق بررسی شد که چه عواملی موجب عدم حضورپذیری افراد در سایت شده است، و عوامل بازدارنده‌ای که موجب فرسودگی بافت مورد نظر شده است چیست. روی هم‌رفته این پژوهش سعی بر آن دارد که ارتباط بین فعالیت و کالبد را در جهت نیل به زنده‌سازی بافت پامنار بررسی کند. از این رو نگارنده در مقاطع مختلف زمانی و به‌طور تصادفی در محل حضور یافته و عوامل ایجاد یا عدم ایجاد تعامل و فرسودگی سایت مورد نظر را پیگیری و ردیابی نمود.

مبانی نظری

باززنده‌سازی شهری

بازآفرینی به عنوان یک کلمه عام در ادبیات شهرسازی مفاهیمی

روش تحقیق

روش این تحقیق کیفی و با تکیه بر تکنیک مورد پژوهی تحلیل

می‌توان گفت بازسازی ساختمان‌های تاریخی و کاربری بخشیدن جدید به آنها، مزایای به شرح دارد:

— **مزایای اقتصادی:** مکان‌های باززنده‌سازی شده خیلی سریع‌تر از فضا و مکان‌های جدید ساخته می‌شوند مگر اینکه پروسه بازسازی ساختار پیچیده و زمان‌بر داشته باشد. دوره‌های توسعه کوتاه‌تر هزینه‌های مالی را کاهش می‌دهد.

— **مزایای محیط زیستی:** مزایای محیط زیستی از طریق بازیافت مواد، استفاده مجدد عناصر ساختاری و کاهش تولید مواد دورریختنی، افزایش می‌یابد. ساختمان‌های تاریخی با استفاده از طیف وسیعی از مواد با کیفیت که نسبت به مواد مشابه امروزی عمر مفید بیشتری دارند، ساخته شده‌اند. علاوه بر این، بسیاری از ساختمان‌های قدیمی از مصالح و ساختارهایی تشکیل شده‌اند که به عنوان پوشش خارجی می‌تواند مصرف انرژی گرمایشی و سرمایشی را کاهش داد.

— **مزایای اجتماعی:** ساختمان‌های تاریخی مزایای اجتماعی مانند ارزش‌های فرهنگی ذاتی که دارند فراهم می‌کنند. آنها می‌توانند مناظر جذاب خیابانی باشند، ویژگی جدید به فضا اضافه کنند و یا با استفاده از مصالح عظیم و برجسته یا نفیس، وضعیت و تصویر ذهنی خاصی را به مخاطب القا کنند. ساختمان‌های تاریخی اغلب از موقعیت مکانی خوب و تأثیرگذاری در مراکز شهرها برخوردارند (Tanac. Zeren Mine, 2013: 14).

بهبودی محیط زیست و منظر و حفظ آثار تاریخی

حامیان حفاظت بناهای تاریخی همواره گفته‌اند که ماهیت میراث ما روی بناها و ساختمان‌ها نمایش داده شده است. اکنون ما باید تلاش کنیم خود منظر را به همین سطح از شناخت و پذیرش برسانیم. در دهه ۷۰ میلادی، معماران منظر دریافتند که حفاظت تاریخی ابعاد جدید و هیجان‌انگیزی برای حرفه آنها فراهم می‌کند. از این رو، سرویس حفظ و مرمت میراث ملی (HCRS) در آمریکا، تلاشی بود برای افزایش توجه محیط زیستی به حفاظت تاریخی و فرهنگی که بستری برای گسترش این فعالیت‌ها فراهم کرد. و متعاقباً در سال ۱۹۷۷ پیشنهادهایی شامل سه دسته جدید مرتبط با مکان از منابع فرهنگی ملموس بود که هرکدام مشمول پیوندهای محیطی منظر هستند. این سه دسته عبارت‌اند از: ۱. شبکه: سیستمی از واحدهای فیزیکی مرتبط که به‌طور عمده در میان منطقه جغرافیایی گسترده شده‌اند و دارای هویت یا هدف فرهنگی

چون مرمت، بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و بهبود وضع شهری را شامل می‌شود که به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات حفاظت شهری مطرح است. نتایج پژوهش‌های مختلف خاطرنشان می‌کند که امروزه باززنده‌سازی ضامن شرایط کیفی زندگی شهری و پایداری است بدین معنی که با بررسی دقیق اوضاع اقتصادی و اجتماعی و کالبدی یک بافت راه‌حل مفیدی را در راستای حفاظت شهری ارائه خواهد داد.

باززنده‌سازی در لغت به معنی تمدیدسازی و نوزایی و به‌روزرسانی است. اما از لحاظ معنوی و مفهومی می‌توان گفت خلق فضای شهری جدید با تکیه بر ویژگی‌های موجود فضای شهری (کالبد و فعالیت) است (فلامکی، ۱۳۹۷). باززنده‌سازی یعنی معاصر سازی کاربری‌ها و فعالیت‌ها و رفع نیازمندی‌های روز مردم بافت با نگاه به گذشته و آینده. در واقع ایجاد بستری مناسب برای بازگردانی یک کالبد فرسوده کهن برای ازسرگیری فعالیت و در نتیجه زنده شدن بافت، غایت آن محسوب می‌گردد. در تعریف روش بازسازی معماری شهری نیز آمده است که این روش بیشتر بر بازگردانی فعالیت به فضا و باززنده‌سازی فضای شهری اذعان دارد و بیشتر با خواست‌ها و اهداف فرهنگی، تاریخی و سیاسی انجام می‌گیرد. این روش ابتدا پس از جنگ جهانی دوم به دنبال مخروبه‌های متروک ناشی از جنگ به منظور بازگردانی وفاق ملی در مناطق شهری درگیر جنگ، انجام پذیرفت و دارای دو درجه مهم است:

درجه اول بازسازی عینی و کاملاً منطبق با گذشته (موبه‌مو): عیناً مطابق وضعیت گذشته [نقش خاطره جمعی مردم بومی زنده در اینجا اهمیت می‌یابد]

درجه دوم بازسازی در قطع ارتباط با گذشته: عرضه چهره و تصویر جدید از شهر و ایجاد فعالیت‌های جدید در بافت و اهمیت محتوا و فعالیت نسبت به شکل و کالبد (حیبی و مقصودی، ۱۳۸۹). (جدول ۱)

جدول ۱: انواع فرسودگی‌های فضاهای شهری (منبع حیبی و مقصودی ۱۳۸۹)

نوع فرسودگی	نوع مرمت	نوع اقدام	نوع استفاده از زمین و بنا
فعالیت (عملکرد)	بهبودی	ایجاد	تعمیر و تدقیق کاربری تأکید بر شکل بنا
کالبدی (شکل)	نوسازی	اجپاء	تأکید بر کاربری - تعمیر در شکل بنا
فعالیت + کالبد	بازسازی	تخریب و ساخت مجدد	تنظیم کاربری، تعریف شکل بنا



که ساختارهای اجتماعی و فضایی (کالبدی) تا حدودی به هم مربوط اند و کاملاً مستحیل در یکدیگر نیستند زیرا هر یک از طریق یک متغیر واسطه (عامل انسانی) بر دیگری تأثیر می‌گذارد و شامل سه حالت مهم است: ۱. در ساختار لایتغیر عقاید که فرهنگ باشد؛ ۲. در روابط مستمر بین افراد که نهاد اجتماعی باشد؛ ۳. در رابطه بین مردم و محل (مکان) (لینچ، ۱۳۹۳).

فضای شهری تعامل میان فضای کالبدی و غیر کالبدی است. زیرا هم بر عوامل ملموس و هم بر وقایع دلالت دارد. در نتیجه فضای شهری هم کالبدی (فنی) است و هم غیر کالبدی (اجتماعی-فرهنگی)؛ هم دربرگیرنده فرم (هنری-زیبایی‌شناختی) است و هم عملکرد (علمی)، هم دارای فضای عمومی است (اجتماعی) و هم فضای خصوصی (انسانی)؛ هم فضای مثبت (فنی/هنری/اجتماعی) هم فضای منفی (زاید/بی‌فایده) هم دارای فضای نرم (محیط زیستی) و هم سخت (فنی و هنری) فضای شهری فضایی است که می‌توان آن را هم در قالب فرایند (مولد) دید و هم در قالب محصول (مولود). (مقصودی، ۱۳۹۳) به این ترتیب شکل خوب فضای شهری باید ۱. سرزنده باشد (پایدار، ایمن، هماهنگ)؛ ۲. معنی‌دار باشد (قابل تشخیص، سازمان‌یافته، سازگار، شفاف، خوانا، قابل درک و با اهمیت)؛ ۳. متناسب باشد (انطباق نزدیک شکل و رفتاری که با ثبات، قابل دست‌کاری و برگشت‌پذیر باشد) ۴. قابل دسترس باشد (متنوع، عادلانه، قابل اداره کردن در سطح محلی)؛ ۵. به‌خوبی نظارت شده باشد (سازگار، مطمئن، جوابگو و به‌طور متناوب نرم و آزاد باشد) ۶. همه این‌ها باید با عدالت و کارایی درونی حاصل شود. باید مکانی پیوسته، مرتبط و آزاد بوده و زمینه‌ساز توسعه باشد. (لینچ، ۱۳۹۳)

حیات مدنی بر مبنای عمومیت عرصه شهری قرار دارد و اصل بنیادین تبیین مفهوم جامعه مدنی وجود عرصه‌های عمومی بین فرد و حکومت است. اساساً وجود فضای عمومی محل اتصال و تقابل و کنش‌های متقابل جمعی و تعامل و برخورد نظرات و اندیشه‌ها و یا اجماع آنها و ماحصل خرد جمعی را در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد. لذا وجود فضاها و عرصه عمومی شهر و تبلور کالبدی و کاربردی آن، شکل شهر را نمایان ساخته و تعامل را به وجود می‌آورد ترکیب فضای خصوصی به عنوان زمینه و فضای عمومی تشکیل محله‌ها و بافت‌ها و شهر پویا

مشترک هستند؛ ۲. مناظر فرهنگی: یک فضای باز، طبیعی یا مصنوع که اساساً به دلیل پیوند محیطی یا ارتباط تاریخی با اماکن فرهنگی ملموس یا غیر ملموس اهمیت دارد و به تعریف و تفسیر این منابع می‌پردازد؛ ۳. محله: محیطی که مردم در آن زندگی یا کار می‌کنند که از منظر جغرافیایی قابل تعریف و پردازش است: تمرکز قابل توجهی از منابع فرهنگی ملموس مانند ساختمان‌ها و سازه‌ها که توسط رویدادها و شخصیت‌های گذشته گرد آمده‌اند. تمرکز قابل توجه به منابع فرهنگی غیر ملموس مانند هویت قومی، شخصیت شغلی، آداب و سنن که نشان‌دهنده سبک زندگی یکپارچه، منابع انسانی و مهارت‌ها است. (WILLIAM H. TISHLER, 1982: 98)

مفهوم تعامل اجتماعی

به کنش و واکنش دوطرفه بین دو فرد، تعامل اجتماعی گویند. این رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان و حس تعلق مکانی یک امر اجتناب‌ناپذیر است. زیرا خلق یک بستر اجتماعی موجب ارتقاء رشد فردی می‌گردد. در این میان افراد مختلف به سطوح مختلفی از تعامل اجتماعی تمایل دارند. از این رو همگن بودن افراد و ایجاد بسترهای مناسب جهت ملاقات و افزایش تعامل به فراخور نیازها و انگیزه‌ها در مکان‌های کالبدی-اجتماعی موجب ارتقاء دلبستگی و کیفیت تعامل اجتماعی می‌گردد.

تأثیر متقابل کالبد شهری و تعاملات اجتماعی

عرصه عمومی را می‌توان در تنمّه عرصه خصوصی و به‌نوعی لازم و ملزوم یکدیگر دانست. لذا در دسترس بودن عرصه عمومی برای همه افراد امری اجتناب‌ناپذیر است. هنگامی که افراد با سایر افراد جامعه در تعامل قرار می‌گیرند، رابطه قوی‌تری با مکان و اجتماع خواهند داشت. و حتی ممکن است تبدیل به خاطره گردد و هرچقدر این کیفیت فضا از یک‌سو و کیفیت تعامل از سوی دیگر بیشتر باشد اثر پررنگ‌تری در ارتقای معنوی ارتباط این دو مقوله و در تکمیل یکدیگر خواهد داشت.

از جمله عواملی که یک فضای کالبدی شهر تعامل اجتماعی را منعقد می‌کند می‌توان به عوامل زیر اشاره نمود: مطلوبیت مناظر و مرایا، نظم و به سامان بودن محیط، آسایش و امنیت عمومی، سرزندگی، انعطاف‌پذیری، خوانایی، حس تعلق و هویت و اصالت، دسترسی مطلوب و... البته لازم به ذکر است

نمودار ۱. چرخه‌های تشکیل یا عدم تشکیل جامعه مدنی.



و پایدار را می‌دهد که جامعه مدنی در آن رشد و نمو می‌کند. در واقع آزادی که از شاخصه‌های مطلوب جامعه مدنی فعال است، در حوزه خصوصی و عمومی معانی مختلف دارد. به این ترتیب که آزادی در عرصه خصوصی مسئولیت‌پذیری و وفاداری به نزدیکان و خویشان تلقی می‌شود اما در عرصه عمومی با تعهد اجتماعی، وفاق ملی، نظارت و حمایت و مسئولیت نسبت به دیگران معنا می‌یابد. (مدنی‌پور، ۱۳۸۷) (نمودار ۱ و جدول ۲)

اهمیت فضای عمومی در برنامه‌ریزی شهری

فضای عمومی، فضایی برای فعالیت‌های سیاسی، اعمال مذهبی و تجارت، فراغت و معاشرت و همزیستی مسالمت‌آمیز افراد مختلف است. شخصیت و وجهه فضای عمومی، زندگی

جدول ۲. ادراک فضای شهری از دیدگاه معماران و شهرسازان

عبارات تأکیدی	توضیحات	نظر به پرداز معماری
فضای شهری = منظر شهری پیوند محیطی = لذت بصری	فضای شهری بر اساس مجموعه عناصر از قبیل انسان و ساختمان و عناصر طبیعی و مصنوعی تعریف می‌شود. فضای شهری علاوه بر گردهمایی عناصر محیط به چیزی بیش از حاصل جمع ساکنان دست می‌یابد که باعث لذت می‌شود.	گوردون کالن (۱۹۶۱)
سیمای کالبدی باز نمود محتوای اجتماع	فضای شهری ماحصل ترکیب فرم کالبدی و محتوای اجتماعی است. به این صورت که یکی (کالبد و سیمای خارجی) باز نمود دیگری (مناسبت اجتماعی) است.	مامفورد (۱۹۶۱)
فضای شهری منعکس کننده نیازها، انگیزه‌ها، ارزش‌های یک اجتماع است.	فضای شهری ترکیبی از عناصر کالبدی و اجتماعی است. فضای شهری، فضایی سازمان یافته میان فضای اجتماعی و کالبدی برای اهداف متفاوت بر طبق قوانین متفاوت که نیازها، ارزش‌ها و تمایلات را منعکس می‌کند.	آموس راپاپورت (۱۹۷۷)
محتوای اجتماع و رویداد، حوادث، فضای شهری را شکل می‌دهند.	آنچه در شهر مهم است، شکل بیرونی آن و صرف ترکیب کالبدی آن نیست، بلکه رویدادهایی است که در آن پیش می‌آید.	کریستوفر الکساندر (۱۹۷۹)
فضای شهری مجموعه‌ای از عناصر کالبدی و غیر کالبدی است. بر هم کنش تعاملات انسان و محیط و انسان است.	فضای شهری محیط اطراف انسان است، مکانی برای فعالیت انسان. محیط پیرامون انسان انواع مختلفی دارد: محیط کالبدی، اجتماعی، روانشناختی و رفتاری. فضای شهری یک محیط رفتاری است و بر اساس رابطه انسان با محیط کالبدی و انسان با انسان تعریف می‌شود.	جان لنگ (۱۹۸۷)
فضای شهری محصول کالبد، رویداد، انسان‌ها، رفتار و روابط افراد است.	فضای شهری فضایی، چهاربعدی، اجتماعی و هنری است که تمام ساختمان‌ها و اشیاء فضاهای محیط شهری و افراد رویدادها و روابط آنها را در بر می‌گیرد.	مدنی‌پور (۱۹۹۶)
ترکیب عناصر کالبدی و غیر کالبدی شهر باید بتواند بین ارزش‌ها و اهداف ارتباط برقرار کند.	فضای شهری، تابع تأثیر مشترک مکان و جامعه‌ای است که آن را اشغال می‌کند.	کوبین لینچ (۱۹۸۱)
کیفیت فضای شهری به میزان آسودگی و رفاه شهر بستگی دارد.	فضای شهری با مفهوم فضای انسانی تعریف می‌شود. فضای انسانی فضایی است که به نیازها و انگیزه‌های انسان پاسخ داده و حس آسایش و رفاه به همراه داشته باشد.	کنگره نوشهرگرایی (۱۹۹۴)



عنوان پلازا که در بافت‌های قدیمی شهرها ساخته شده‌اند و دو مقوله باززنده‌سازی و تعامل اجتماعی توجه نموده‌اند، پرداخته شده است. در «جدول ۳» به طور خلاصه نکات مربوط به تعامل اجتماعی و باززنده‌سازی در هر پلازا گفته شده و کانسیت‌های مربوط به هر کدام نیز تعیین شده است. از جمله پلازاهای مورد بررسی، پلازای مراغه در ایتالیا است. این سایت در دل شهر مراغه و در نزدیکی بافت تاریخی تأسیس شده است. دستورالعمل پروژه برای این پروژه با ایده پارک میدان بدون تحمیل حجم‌های خاص خود با حفظ روح شهر ساخته شده است. پلازای آلون آلون واقع در اندونزی از دیگر پلازاهای مورد بررسی است. این میدان به مساحت یک هکتار در غرب جاوه در شهر سیریبون نزدیکی مسجد مهم التقوا واقع شده است. شهر سیریبون یک تاریخ غنی دارد و همچنین به دلیل اینکه یک شهر ساحلی و بندر مهم است و از این رو فرهنگ متنوع تأثیرگذاری دارد. این پلازا یک توپولوژی منحصر به فرد شهری اندونزیایی از یک میدان روباز شهری است. پلازای بعدی CoFuFun در ژاپن است. نام پلازا - CoFuFun از دو قسمت اصلی تشکیل شده است. Cofun یک اصطلاح محاوره‌ای ژاپنی است و Fufun به شادی اشاره دارد. طراحی پلازا باید یک اتمسفر شاد و دلپذیر ارائه دهد تا منجر به این شود که بازدیدکنندگان ناخودآگاه و سرخوشانه برای خودشان زمزمه کنند. آخرین پلازا نیز پلازا ژینیاک ل نرت در شهر ماری فرانسه است. شهر رومی برجای مانده از قرن اول، ژینیاک ل نرت، در منطقه پروناس و در ۲۰ کیلومتری ماری قرار دارد. پلازای جدید و غرفه‌های مرکز شهر یک پیشنهاد دوسطحی ارائه می‌دهد: اولی، یک تکامل شهری و دیگر پاسخ اجتماعی. هدف اصلی متحد کردن و اجماع سه قسمت متروک مانده به یک میدان عمومی جامع متصل شده به مرکز شهر که شامل میدان اصلی تالار شهر، کلیسا، انبار قدیمی، خانه روستایی، رختشوی‌خانه قدیمی و بلوار پیریور است. (جدول ۳)

چارچوب کلی تحقیق

در این پژوهش با محوریت دو مفهوم تعامل اجتماعی و باززنده‌سازی سعی شده است با توجه به ابعاد کالبدی و اجتماعی با درجه اهمیت اول و ابعاد اقتصادی و فرهنگی در درجه دوم به قبض و بسط تحلیلی و کاربردی معیارهای این ابعاد و به فراخور آن شاخص‌هایی که گسترش‌دهنده آن معیارها باشند،

عموم مردم، فرهنگ شهر و زندگی روزمره ما را نشان داده و تنظیم می‌کند.

از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری فضای شهری مزیت‌هایی دارد که عبارت‌اند از ۱. فضای عمومی نقش معناداری در میزان کیفی اقتصادی شهر دارد؛ ۲. فضای عمومی بر سلامت جسمی و روانی مردم اثر می‌گذارد؛ ۳. فضای عمومی ارتباط مستقیم در بهبود گذران دوران کودکی و نوجوانی دارد؛ ۴. فضاهای عمومی منجر به کاهش جرائم و ترس عمومی مردم از آن می‌گردد؛ ۵. فضای عمومی در تحرک و حمل‌ونقل درون‌شهری تأثیر مستقیم دارد؛ ۶. فضاهای عمومی و محیط سبز در ایجاد تنوع و سرزندگی مردم مؤثر است؛ ۷. فضای عمومی بر مناسبات اجتماعی و همسایگی مؤثر بوده و همچنین مکانی مناسب برای وقایع مهم اجتماعی است. (مدنی‌پور، ۱۳۸۷)

در این میان عمده فضاهای عمومی که موجب ارتقاء تعاملات اجتماعی و فرهنگی در شهرها می‌شود می‌توان به بازارهای بومی، میداين، پارک‌ها، پلازا، مجتمع‌های چندمنظوره فرهنگی - تفریحی و حتی اماکن مذهبی اشاره نمود. اما به گفته صاحب‌نظران علوم اجتماعی و شهرسازی در میان همه این فضاهای عمومی مؤثر بر پیوندهای محیطی و ارتباط اجتماعی؛ پلازا به عنوان یکی از قدیمی‌ترین عناصر فعال شهرها می‌تواند به طور ملموس و عینی غنی کردن ارتباطات اجتماعی را ممکن سازد. چراکه پلازا در حکم مرکز ثقل و تمرکز فعالیت‌ها در قلب یک منطقه شهری متراکم است. از آنجایی که ابداع پلازاها از دوران گذشته به دلیل وجود کوچه‌ها و راه‌های کم‌عرض و تاریک به عنوان فضایی باز و آفتاب‌گیر ایجاد شدند، عموماً فضاهایی بسیار محصور، دل‌باز و نورگیر تلقی می‌شوند و یک عنصر شهری مستقل درون‌گرا هستند که باید همانند یک اتاق در فضای باز به نظر برسند و دارای کیفیت سه‌بعدی قوی باشند. به‌طورکلی این فضاها دارای کف سازی بوده و با ساختمان‌های متراکم محصور شده، خیابان‌هایی آن را احاطه کرده و یا در ارتباط نزدیک با آن است. عناصری در آن پیش‌بینی شده که مردم را به طرف خود جذب می‌کند و ارتباط و تماس بین آنها را تسهیل کند، نظیر فواره، نیمکت سایبان و... بافت مشجر نیز می‌تواند از عناصر برجسته آن باشد یا نباشد. (لینچ، ۱۳۹۳: ۲۹۵)

بررسی تجارب جهانی

در این پژوهش به بررسی چند مورد نمونه ساخته شده تحت

جدول ۳. چند نمونه از پلازاهای موفق بازنده‌سازی شده خارجی.

<ul style="list-style-type: none"> • پارکینگ زیرزمینی، • اختلاف سطوح و تراس بندی • آمفی تئاتر روباز، کافه • راهروها و سایبان ها 	کانسپت	<ul style="list-style-type: none"> • بر اساس خواسته مردم که مخالف صنعتی شدن محله بودند؛ • رفع نیازهای روزمره • تقویت گردهمایی‌های غیررسمی و صمیمی 	<p>پلازای مراته، ایتالیا (۲۰۱۰)</p> 
<ul style="list-style-type: none"> • محوطه سبز سازگار با بافت شهری • حفظ روح شهر با وجود میدان • استفاده از آجر دست ساز پارک • ایجاد فضاهای فرهنگی 	کانسپت	<ul style="list-style-type: none"> • نزدیکی بافت تاریخی • هماهنگی با بافت تاریخی • وجود آجرها نمادی از سنت • ساختمان سازی قدیم مراته 	
<ul style="list-style-type: none"> • فضای چند منظوره رو باز برای گردهمایی در اعیاد و نماز جمعه در جوار مسجد قدیمی التقوا، • بازار دستفروشان، زمین بازی، کتابخانه محلی، • پلکانی بودن فضاها سکویی برای نشیمن پشت بام روباز برای بازدید همگانی از دورنمای شهر 	کانسپت	<ul style="list-style-type: none"> • وجود فضاهای جمعی نظیر میدان چمن کاری شده و پشت بام میدان • کتابخانه محلی و جذب گروه‌های صمیمی . • چندمنظوره بودن این میدان و جذب مخاطبان متنوع 	<p>پلازا آلون - آلون کجاکسان: اندونزی (۲۰۲۱)</p> 
<ul style="list-style-type: none"> • استفاده از آجر یادآور آجرهای خام پایه‌های دروازه‌های تخریب شده شهر قدیمی، • استفاده از فرم‌های بومی پلکانی، • ایجاد فضاهای فرهنگی 	کانسپت	<ul style="list-style-type: none"> • الهام از ماهیت و هندسه گاپورا یا فضای پلکانی محلی کاخ سلطان که تخریب شده؛ • ایجاد این میدان یادآور قدمت این بافت است. 	
<ul style="list-style-type: none"> • ایستگاه دوچرخه، کافه، مغازه و باجه‌های اطلاعات، زمین بازی • آمفی تئاتر روباز، فضای برگزاری جلسات، سالن مطالعه • پلکانی بودن کوفون جایی برای نشیمن و سقفی برای سن‌های نمایش و قفسه‌هایی برای دستفروشان 	کانسپت	<ul style="list-style-type: none"> • تشویق مردم برای احیاء برگزاری اجتماعات محلی • متنوع بودن استفاده از این کوفون‌ها موجب جذب مخاطبین مختلف 	<p>پلازای ConFuFun، تبری، ژاپن (۲۰۱۷)</p> 
<ul style="list-style-type: none"> • استفاده از کوفون یادآور مجسمه‌های قدیمی، • ایجاد مغازه‌های سوغاتی و فروش و صنایع دستی، • پویایی فعالیت بر بستر کالبدی بازآفرینی شده با کانسپت سنتی 	کانسپت	<ul style="list-style-type: none"> • برگرفته از مجسمه‌های قدیمی ژاپنی معروف به کوفون • کوفون‌ها همچون کلاه‌های حصیری خاص بومی ژاپنی با ادغام از فعالیت روزمره توانسته گذشته و حال را به هم پیوند دهد. 	
<ul style="list-style-type: none"> • همنشینی باغ گیاهشناسی و بخش اصلی میدان و ورودی پلازا و انبار قدیمی کنار هم یک میدان صمیمی ایجاد می‌کند. • غرفه چندکاربری، تئاتر کوچک، زمین بازی، اینما، فضای مسقف برای جشن‌ها، فضای باز غذاخوری، تئاترهای باز برای نمایش کودکانه و فیلم‌ها. 	کانسپت	<ul style="list-style-type: none"> • تکامل شهری و پاسخ اجتماعی در این شهر مهاجرپذیر فقیرنشین، • ایجاد فضای صمیمی و ترویج تجمعات و فعالیت‌های اجتماعی است. 	<p>پلازا ژینیاک ل نرت، مارسه، فرانسه (۲۰۱۳)</p> 
<ul style="list-style-type: none"> • تخریب ساختمان‌های مخروبه، • بازسازی انبار قدیمی به عنوان یک اثر تاریخی • الگوی سرمایه‌یک رنگی به عنوان گواهی برای میراث فرهنگی منطقه، • حفظ گیاهان کهنسال و بومی منطقه پروانس . 	کانسپت	<ul style="list-style-type: none"> • تخریب و بازسازی قسمتهای مختلف و با ایجاد کالبد و خلق فعالیت جدید به این قسمت شهر، موجب سرزندگی و پویایی آن شده است. 	



جدول ۴. چهارچوب تحقیق.

مفهوم	ابعاد	معیار	شاخص
کالبدی	کالبدی	دید و زیبایی	گردش در مسیر مطلوب - دید به کل مجموعه - استفاده از فرم‌ها و تیپ‌بندی نماها و پلانهای موجود در بافت - مطلوبیت بصری - حذف آلودگی بصری و صوتی - بهداشت محیطی - نفوذپذیری - انعطاف پذیری - فضای سبز
		بازآفرینی کالبدی	
		دسترسی	
		فضای عمومی	
		بافت شهری	
برنامه ریزی شهری			
اقتصادی	اقتصادی	سرمایه اجتماعی و اقتصادی	افزایش میزان بستر اشتغال - تشویق سرمایه‌گذاری - تقویت گردشگری -
		تعاملات کوچک اقتصادی	
اجتماعی	اجتماعی	کنترل اجتماعی	تداوم زندگی اجتماعی - خاطره جمعی - توازن و تعادل در جنسیت و سن افراد - ایجاد سرزندگی اجتماعی - امنیت - حذف خلوت - فراغت - ایجاد فعالیت
		حضورپذیری اقشار مختلف	
		جامعه مدنی	
		حق شهروند	
مشارکت عمومی			
فرهنگی	فرهنگی	اتصال گذشته به آینده	بازآفرینی کالبدها و کاربری‌های فرهنگی - اعطای نقش گردشگری - بازآفرینی عادات و آداب محلی و منطقه‌ای -
		حفظ هویت و تعلق مکانی	
نتیجه	طراحی پلازا با رویکرد باززنده‌سازی در بافت تاریخی پامنار		

تعامل اجتماعی و باززنده‌سازی

یافته‌های تحقیق

بررسی اجمالی بافت پامنار

پامنار در مجاورت سه محور اصلی بافت قدیم شهر تهران یعنی خیابان امیرکبیر در شمال، خیابان ناصرخسرو در غرب و خیابان ۱۵ خرداد و بازار در جنوب بافت قرار گرفته است. بافت فرسوده پامنار زمانی از مناطق پررونق و اعیان‌نشین تهران محسوب می‌شد به‌گونه‌ای که اکثر بزرگان شهر در این منطقه ساکن بودند. محله پامنار مانند سایر محله‌های تاریخی با مشکلاتی مواجه است که بااهمیت‌ترین آنها آسیب‌های اجتماعی است که عمده‌ترین تهدید برای این محله به حساب می‌آید و باعث کاهش جمعیت ساکن و از بین رفتن کیفیت زندگی در محله شده است. همچنین بافت پامنار با محرک‌های فضایی مانند آلودگی صوتی فراوان، آب‌های راکد و بوی ناشی از برش‌های پلکسی‌گلاس و براق‌آلات، فضاهای مخروبه و همچنین ترکیب ناهماهنگ بناهای مجاور از نظر اندازه، ارتفاع، رنگ، قدمت و ارزش‌های معماری و... مواجه است. (آستانی گرگری، ۱۳۹۶)

با توجه به روش تحقیقی که پیش‌تر گفته شد و بر اساس مستندات کتابخانه‌ای و پژوهش‌های پیشین در محدوده پامنار و همچنین حضور چندین باره در سایت و برداشت تصاویر و کروکی‌ها از بافت و همچنین با دقتی شدن در ارتباطات محیطی افراد حاضر در بافت و ایجاد گفتگوهای معمولی البته نه در قالب تهیه گزارش یا پرسشنامه بلکه گفتگوهای تلویحی با کسبه و افراد عادی به این نتیجه رسیدیم که خروج تدریجی سکنه از محله به دلیل فرسایش بافت، کاهش حس تعلق خاطر افراد به محله، ترک کردن بافت توسط افراد بومی و قدیمی پامنار، از رونق افتادن فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در شب و افزایش ناامنی، انباشتگی فعالیت‌های کارگاهی و انباری در بافت مسکونی، کمبود امکانات رفاهی و فرهنگی از جمله آسیب‌های مهم در بستر پامنار است. اما از سوی دیگر به علت وجود ابنیه ارزشمند و امکان احیای ارزش‌های تاریخی بناها و فضاها در محدوده پامنار و امکان مسیرهای پیاده یا آرام راه برای تردد مردم و ایجاد

فضاهای جمعی، هویت‌ها و تعلق مکانی و گذار به فضاهای مدنی امروزی، زمینه جذب دوباره جمعیت قدیمی و تجدید ساختارهای خرد اقتصادی به شکل امروزی را ممکن می‌سازد.

همان‌طور که در «تصویر ۱» می‌بینید تا حد امکان تمامی ابنیه منفرد خاص در محدوده پامنار (شامل محلات عودلاجان و قسمتی از ارگ) که در زنده سازی دو مفهوم کلی فعالیت و کالبد نقش دارند شناسایی شده است. این ابنیه همگی نقش قابل توجهی در ارتقاء تعاملات اجتماعی دارند و از طرفی به دلیل حضورپذیری افراد در این بناها موجب رونق فعالیت و در نتیجه زنده ماندن بافت خواهیم بود. چراکه به عنوان یک فضای عمومی مورد استفاده برای افراد در لایه‌های مختلف محلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌توانند موجب گسترش تعاملات و پیوندهای محیطی افراد گردند. از جمله بناهای مهم این بافت که در اطراف سایت مورد نظر وجود دارند می‌توان به خانه مؤتمن الاطباء، مساجد و تکایا، خانه اردیبهشت عودلاجان، منار تاریخی پامنار و بازارچه مروی اشاره کرد. البته بناهای مهم دیگری نیز در نزدیکی بافت پامنار وجود دارند که در ابعاد فرامنطقه‌ای بر روی بافت تأثیرگذارند نظیر مجموعه کاخ گلستان و بازار بزرگ تهران.

جدول ۵. نقاط مثبت و منفی کاربری‌های زمین در بافت پامنار.

<p>کاربری‌های فرامنطقه‌ای نظیر ابنیه‌های تاریخی و خیابان پامنار امکان تثبیت کاربری‌های فرامنطقه‌ای سازگار با کل شهر امکان جذب حداکثری توریست و انجام فعالیت فرهنگی ویژگی‌های بالقوه کم نظیر مسکونی و اداری و تجاری در صورت بهسازی و رفع فرسودگی</p>	<p>مثبت</p>
<p>تعرض فعالیت‌های کارگاهی و انباری به بافت مسکونی فرسودگی بسیار بالای بافت و خطر تخریب در اثر زلزله فرسودگی شدید زیرساخت‌های شهری عدم جذب فعالیت‌های نو و غیر سنتی به مرکز شهر و بازار در اولویت نبودن منطقه در برنامه توسعه شبکه‌های زیرساختی به دلیل قدمت بافت کند بودن روند افزایش قیمت زمین و املاک مسکونی نسبت به کل شهر و به فراخور آن جذب نشدن سرمایه‌گذاری خصوصی در این منطقه</p>	<p>منفی</p>

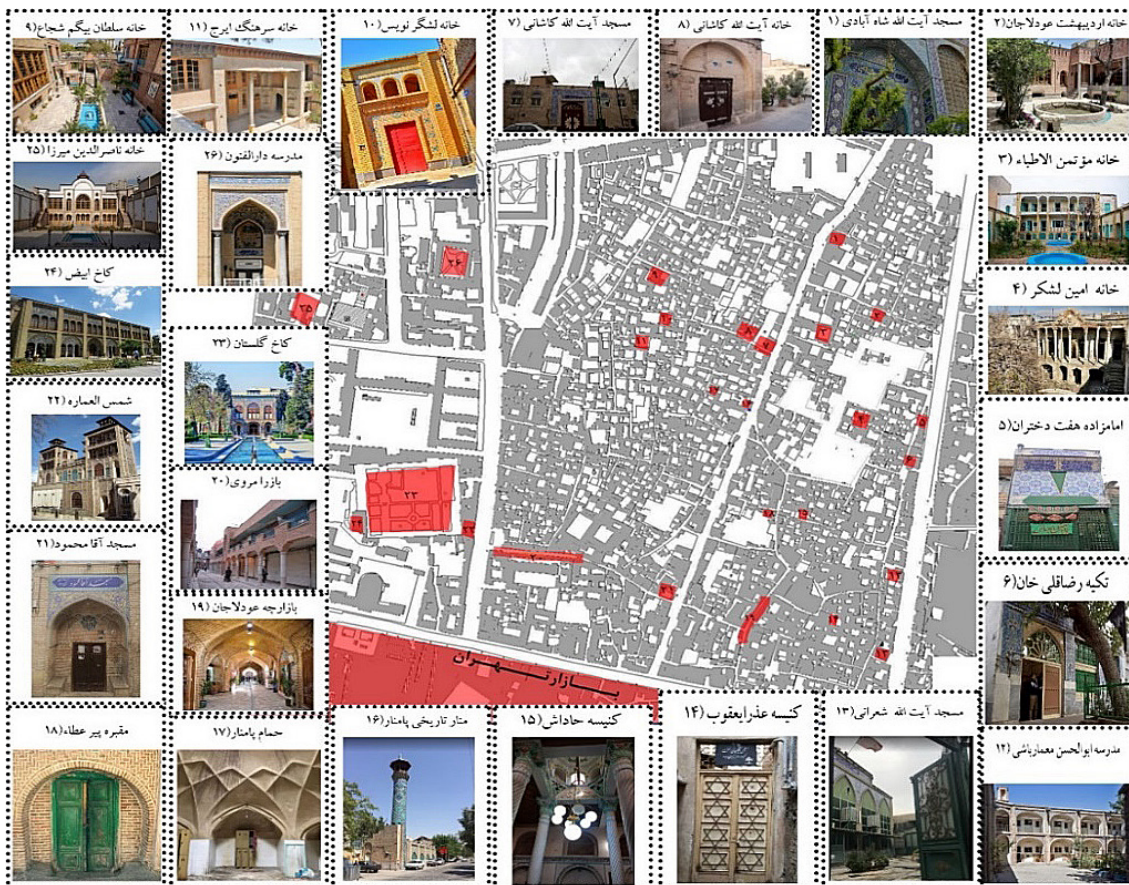
بازشناسی بناها، محوطه

با توجه به بررسی‌ها در پامنار، قسمت‌هایی از این منطقه قدمتی بیش از ۴۰۰ سال و بیش از هفتاد درصد از این بافت نیز قدمت ۲۰۰ ساله دارند. از طول لبه‌های شهری (سیمای خیابان) نیز بدنه‌ها و کالبدهای ارزشمندی یافت می‌شود و همین امر موجب می‌شود که مسئولین ذی‌ربط نسبت به ساخت میادین و فضاهای شهری خاص در مجاورت این کالبدها اهتمام ورزند. همچنین قسمت وسیعی از بافت نیازمند مداخله و اقدامات فوری عمرانی است. از این رو مداخلاتی چون باززنده‌سازی، توان‌مندسازی و بهسازی و تخریب و تجمیع و نوسازی به فراخور نیاز هر قسمت از بافت لحاظ شود. (جدول ۵)

بدنه‌های بافت

اجمالی جزئیات کالبدی جداره شهری بافت به تفکیک کاربری مسکونی و کاربری تجاری پرداخته است. از جمله ویژگی‌های بارز

جداره‌های بافت شامل کاربری‌های تجاری و کارگاهی و انباری و جداره‌های مسکونی است. «جدول ۶» به بررسی



تصویر ۱. برخی ابنیه‌های خاص موجود در بافت پامنار.



جدول ۶. بررسی جزئیات کالبدی جداره شهری بافت به تفکیک کاربری مسکونی و کاربری تجاری.

کالبد شهری						
کالبد مسکونی			کالبدهای تجاری و کارگاهی			
آلودگی بصری	نما	مصالح	آلودگی صوتی	آلودگی بصری	نما	مصالح
تراکتور و برجسب‌های چسبیده به دیواره‌ها و دیوارنوشته‌های با اسبیری مای رنگی؛ کالدهای کولر، سیم‌ها و کالدهای برق و لوله کشی گاز و تیرها و سایبان‌های مور چدارالحاتی به ساختمانها که در وضعیت نامناسبی قرار دارند.	آجرکاری، کجبری، تزئینات، سنگ، سفید، سیم‌ها و کالدهای برق و لوله کشی گاز و تیرها و سایبان‌های مور (سرتخت شده است)	آجر سنتی و شست (در چداره‌های قدیمی)	تولید سروصدای بسیار در برخی کارگاه‌ها و بافت مسکونی	تولید سروصدای بسیار در برخی کارگاه‌ها و بافت مسکونی	تابلوهای نامناسب یا سایت جهت معرفی و سیم‌ها و کالدها و سدهای متوسط	سنگ، آجر، سیمان
			بارگیری و تردد ماشین در برخی کارگاه‌های مجاور خانه‌های مسکونی	تولید سروصدای بسیار در برخی کارگاه‌ها و بافت مسکونی	نمایش سیم‌های سیم و دود گرفته بصری کارگاه‌ها	

با توجه به بررسی‌های میدانی و اسکیس‌ها و عکس‌های مختلفی که از جای‌جای بدنه این بافت برداشته شد از لحاظ تعادل بصری می‌توان به چهار عنوان اصلی شامل تقارن، سلسله‌مراتب، ریتم و هم‌نشینی اشاره نمود. با طی کردن خیابان پامنار و کوچه‌های داخل بافت پی بردیم که این بافت از مفاهیم ملموس و قابل درکی چون ریتم و تقارن بهره برده است که عناصر مختلف کالبدی نظیر درها و پنجره‌ها و دالان و ساباط‌ها و سایبان‌ها و سردرها، همگی در یک هم‌نشینی و تعادل مطلوبی کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. «جدول ۷» به طور خلاصه به این مفاهیم اشاره دارد.

تیپولوژی خانه‌های بافت پامنار

فرم پلان خانه‌های مسکونی در بافت پامنار به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: الف. حیاط مرکزی؛ ب. پلان دوطرفه با حیاط میانی؛ ج. پلان یک طرفه و رو به حیاط. در «جدول ۸» به توضیح مختصری در این باب پرداخته شده است.

جدول ۷. تعادل بصری و کمپوزیون جداره‌های بافت.

وضعیت تعادل بصری			
تقارن	ریتم و تکرار	هم‌نشینی و هماهنگی	سلسله مراتب حرکتی
مفهوم تقارن در کمپوزیون بافت بسیار مشهود است.	ریتم و تکرار با پنجره‌های هماهنگ و مصالح و تزئینات متناسب ایجاد شده است.	هم‌نشینی بازشوها و عناصر پر و خالی و سایه‌اندازی در جداره با تزئینات و تلفیق گذرهای متناسب با یکدیگر و تعبیر شکل کم‌رنگ‌های با تناسب انسانی	ساباط‌ها و کوچه‌های باریک و فضاهای مکث و گوشه‌ها و هم‌نشینی کوری و گذر و بن بست‌های با تناسب انسانی

فرم سردرهای موجود در بافت پامنار

یکی از مورد توجه‌ترین عناصر کالبدی در بافت پامنار وجود سردرهای متنوعی است که هرکدام از فرم‌های مختلفی برخوردارند. فرم‌های ساده قوسی و مستطیلی و رعایت تناسب هندسی و تزئینات آجرکاری در این سردرها حائز اهمیت است. در «جدول ۹» به چند نمونه از این سردرها اشاره شده است.

جدول ۸. تیپولوژی فرم پلان‌ها در بافت پامنار.

خانه‌هایی با پلان دو طرفه پر و حیاط میانی	
<p>تیپ پلان</p> <p>حیاط</p> <p>توضیحات: فرم نما در این گونه از ساختمانها عموماً پر و بازشوها در جداره‌ها تعبیه شده است.</p>	<p>پلان و عکس</p> <p>تیپولوژی: خانه‌های تک‌نفره، آجرکاری، حیاط، پامنار، کوچه سردرهای آجرکاری ۵۰</p>

بدنه که در فرسودگی بافت نقش مهمی داشته است، آلودگی بصری شامل برجسب‌های تبلیغاتی، سیم‌ها و کابل‌های برق، کانال‌های کولر و داکت‌ها و سایر ملزومات تأسیساتی که در طول زمان به تدریج به بافت افزوده شده و موجب برهم خوردن خلوص و فرم‌های بدنه شده است. از دیگر آلودگی‌های بصری که تا حد بسیاری موجب دفع حضورپذیری افراد می‌گردد، می‌توان به مخروبه‌ها و ساختمان‌های قدیمی متروکه که از استحکام خوبی نیز برخوردار نیستند اشاره نمود.

ادامه جدول ۸. تیپولوژی فرم پلان‌ها در بافت پامنار.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار با هدف شناخت سیستم به هم پیوسته تعامل اجتماعی و کالبد شهری و پیوندهای محیطی آن؛ ابتدا با دیدگاهی کیفی و با روش مورد پژوهی و تحلیلی و با استنتاج از یافته‌ها و آرای مهم صاحب‌نظران علوم اجتماعی در حوزه شهری در جهت تعریفی متنقن از تأثیر متقابل کالبد شهر و تعامل اجتماعی پرداخته و در نهایت با توجه به رویکرد باززنده‌سازی به تبیین معیارهای ارتقاء تعامل اجتماعی و حضورپذیری در پلازای محلی به عنوان یکی از مؤثرترین فضاهای عمومی شهرها، پرداخته شده است. نتیجه حاصل از این تحقیق آن است که در واقع دو عامل اصلی در رشد تعامل اجتماعی، یکی کالبد و دیگری خلق رویداد اجتماعی (فعالیت) است. در واقع باززنده‌سازی این بافت منوط به ترقی تعاملات اجتماعی بوده و این امر در سایه فعالیت اجتماعی محقق می‌شود. با نگاهی به فرضیات اصلی تحقیق هر سه فرضیه اثبات گردیده و به شرح زیر است.

۱. معاصر سازی و احیای اجتماعی و شهری در محله با هدف احترام به گذشته و همچنین بهسازی و بازسازی کالبد فرسوده و ایجاد کاربری جدید در بافت به فراخور زمان
۲. عامل حضور و فعالیت اجتماعی بیشتر از کالبد در ارتقاء تعامل اجتماعی و باززنده‌سازی مؤثر است.
۳. بهترین راهبرد پیشنهادی جهت باززنده‌سازی بافتار پامنار، توجه به فضای باز شهری و ایجاد حس تعلق خاطر عمومی است.

ازجمله نتایج راهبردی این تحقیق عبارت‌اند از:

- باززنده‌سازی اسکلت تاریخی و ارزش‌های پنهان تک بناها و جداره‌های تاریخی از طریق سرمایه‌گذاری؛
- بازسازی و نوسازی فضاهای جمعی برای جذب و بازگرداندن مردم بومی به پامنار؛
- بهره‌مندی از تراکم بافت و ایجاد مسیرهای کوتاه آرام راه جهت تشویق به پیاده‌روی مردم؛
- استفاده مطلوب از مکان‌های زیارتی و سیاحتی و ایجاد باغ و تراکم طبیعی و مشجر جهت افزایش امکانات رفاهی و تفریحی و تفرج در بافت پامنار؛
- رونق بازارچه‌ها و ایجاد غرفه‌های کوچک اقتصادی برای حضور پررنگ ساکنان جهت افزایش نفوذپذیری و کنترل جمعی

خانه‌هایی با پلان یک طرفه پر و رو به حیاط	
 	<p>تیپ پلان</p>  <p>تیپ‌ها: فرم نما در این گروه از همان فرم ترکیب فضای بسته نیمه باز و باز پیروی می‌کند و وجهه تیران و سفیدها یا تزیینات از خصوصیات بارز آن است.</p> <p>نمونه موردی: خانه امام جمعه آدریس تیران، پامنار خواجه‌نشین‌سرسبز، کوچه امام جمعه</p> <p>پلان و عکس</p>

خانه‌هایی با حیاط مرکزی	
 	<p>تیپ پلان</p>  <p>تیپ‌ها: فرم نما نیز در این نوع خانه‌ها اکثر فضای بسته باز به عنوان ایوان بین حیاط و کالبد بر ساختمان وجود دارد و ستونها بر لبه‌ی ایوانها قرار دارند</p> <p>نمونه موردی: خانه مؤمن الاولاد / تیران خواجه‌نشین‌سرسبز، کالبدی، این است</p> <p>پلان و عکس</p>
 	<p>تیپ پلان</p> <p>نمونه موردی: خانه سرهنگ ابرج / تیران خواجه‌نشین‌سرسبز، کوچه سرهنگ ابرج</p> <p>پلان و عکس</p>

جدول ۹. چند نمونه از فرم سردرهای موجود در بافت.

 	فرم قوسی ساده و با تزیینات کم
 	فرم ساده مستطیلی و با تزیینات کم
 	فرم مستطیلی دو سوم ارتفاع باز شو با دو نما ستون (با مقطع مستطیل یا دایره) در طرفین و تزیینات آجرکاری و کتیبه
 	فرم ترکیب مستطیل و قوس و دو شکاف در طرفین که ظاهر محلی برای مکت کوتاه و با نشستن بوده
 	ترکیب ستوری و قوس و مستطیل و پیشامدگی عجیب تر نسبت به باز شو و تزیینات آجرکاری



در مجموعه؛

– ایجاد و تقویت تشکل‌های مردمی در اماکن تاریخی بافت
و زمین‌های بایر به منظور کنترل جمعی و حذف مکان‌های
جرم‌خیز و ایجاد امنیت عمومی؛
– حذف فعالیت‌های مزاحم و نامأنوس و کاربری‌های ناسازگار

از بافت؛

– حذف و برچیدن مخروبه‌ها و پاک‌سازی سایت مورد نظر از
تمامی نابسامانی‌ها و آلودگی‌ها؛
– سامان بخشی به گذرها و مسیرها جهت امدادسانی.

پی‌نوشت

1. Heritage Conservation and Recreation Service

فهرست منابع

فلامکی، محمد منصور (۱۳۹۷)، *باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*، (چاپ سیزدهم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
لینچ، کوین (۱۳۹۸)، *سیمای شهر*، ترجمه منوچهر مزینی (چاپ نهم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
لینچ، کوین (۱۳۹۳)، *تئوری شکل خوب شهر*، ترجمه حسین بحرینی (چاپ ششم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
لوفور، هانری (۱۳۹۵)، *تولید فضا*، ترجمه محمود عبدالله زاده (چاپ دوم)، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷)، *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی*، (چاپ سوم)، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
مقصودی، ملیحه (۱۳۹۳)، *الگوی مفهومی برای تحلیل فضاهای شهری*، (چاپ اول)، تهران: انتشارات پیام.
هدمن، ریچارد، و یازوسکی، اندو (۱۳۸۰)، *مبانی طراحی شهری*، ترجمه راضیه رضازاده و مصطفی عباس‌زادگان، تهران: انتشارات علم و صنعت ایران.

آستانی گرگری، مهسا؛ ناسخیان، شهریار؛ ولی بیگ، نیما؛ جعفری، یاسر (۱۳۹۶)، ارائه طرح بهسازی بافت تاریخی پامنار با تأکید بر ایجاد گره اجتماعی و فضایی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده حفاظت و مرمت.

حیبی، سیدمحسن، و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۹)، مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، *روش‌ها و اقدامات*، (چاپ چهارم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
رضوانی، علیرضا (۱۳۹۵)، روح شهر بازتعریفی از شهر، فضا، فضای شهری و تعیین شاخص‌های روحبخش، فصلنامه معماری سبز، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۵.

صدریان، زهرا؛ حسینی، سیدباقر؛ نوروزیان ملکی، سعید (۱۳۹۳)، ارتقاء حس تعلق به مکان از طریق نوسازی بافت فرسوده با توجه به فضای واسط (نمونه موردی: محله باغ شاطر تهران)، نشریه علمی-پژوهشی *انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
صفایی پور، مسعود؛ زارعی، جواد؛ زادولی خواجه، شاهرخ (۱۳۹۶)، *حقوق و قوانین شهری در ایران*، چاپ اول، تهران: نشر آراد.

Zeren Mine Tanac. (2013) Adaptive re-use of monuments "restoring religious buildings with different uses", *Journal of Cultural Heritage* 2013 Elsevier Masson SAS. 14S S14-S19

Cattell, V., Dines, N., Gesler, W. & Curtis, S. (2008). Mingling, observing, and lingering: Everyday public spaces and their implications for well-being and social relations. *Health & Place*, 14 (3), 544-561.

Gehl, J. & Svarre, B. (2013). *How to Study Public Life*. Washington DC, Covelo, London: Island Press.

Carmona, M., De Magalhães, C. & Edwards, M. (2002). Stakeholder views on value and urban design. *Journal of Urban Design*, 7 (2), 145-169.

Carr, S, Francis, M., Rivlin, L. G. & Stone, A. M. (1992). *Public Space*. Cambridge: Cambridge University Press.

Efroymson, D, Thanh Ha, T. K. & Thu Ha, Ph. (2009). *Public Spaces: How They Humanize Cities*. Dhaka: Health-Bridge-WBB Trust.

H. TISHLER .WILLIAM (1982) *HISTORICAL LANDSCAPES: AN INTERNATIONAL PRESERVATION PERSPECTIVE*, *Land-scape Planning*, 9 91-103 Elsevier Scientific Publishing Company, Amsterdam

Kurniawati, W. (2012). Public space for marginal people. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 36 (2012), 476-484.

Zeren Mine Tanac. (2013) Adaptive re-use of monuments "restoring religious buildings with different uses", *Journal of Cultural Heritage* 2013 Elsevier Masson SAS. 14S S14-S19.

بررسی طراحی داخلی فضاهای مهدکودک با قابلیت‌های محیطی در ارتقا خلاقیت^۱

رهام شهریاری^۲، حدیثه کامران کسمایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲-۰۷-۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲-۱۲-۰۱

DOI: 10.22034/RAU.2024.2012349.1064

چکیده

مقدمه: یکی از مشکلات مهدکودک‌ها در ایران، نادیده گرفتن اهمیت به طراحی محیط بر اساس اصول زیبایی‌شناسی و پرورش خلاقیت و همچنین عدم توجه کافی به طراحی فضاهای آموزشی و رعایت استانداردهای طراحی است، که این موضوع باعث ایجاد محیطی نامتناسب با نیازهای کودکان می‌گردد.

روش تحقیق: تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها به صورت کیفی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است. این تحقیق برحسب روش محقق از نوع توصیفی - تحلیلی است.

نتایج و بحث: کودکان از طریق تأثیر متقابل با محیط فیزیکی و اجتماعی، آموزش می‌بینند. معماری، بخشی از برنامه آموزش است و معماری آموزشی - فرمی، ساختمانی است که نظم و طرح‌ریزی آن برگرفته از یک رویکرد آموزشی است. رویکردی که فضاها را برای خود و در آموزش دخیل می‌سازد. استفاده از معماری به دلیل ماهیت بین‌رشته‌ای که در بنیان خود دارد، می‌تواند به دستیابی به این اهداف، ما را یاری نماید.

نتیجه‌گیری: در رویکرد آموزشی، فضاهای داخلی خود به عنوان یک مربی عمل می‌کند. نظم، ساختار و شفافیت از مشخصات شاخص فضاها هستند. بررسی‌ها نشان داد که تنوع زیباشناختی ارائه شده، شرایط یادگیری با تمام حواس را فراهم می‌کند و در نتیجه هر کودک در فضاهای آموزشی، کارهای خودش که به صورت مستندسازی یا تصاویر نمایش داده شده‌اند را مشاهده می‌کند.

کلیدواژه: مهدکودک، روان‌شناسی کودک، محیط، روان‌شناسی محیط، خلاقیت.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد معماری داخلی نویسنده مسئول با عنوان «طراحی داخلی فضاهای مهدکودک با رویکرد بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی در ارتقا خلاقیت در محله قائم مقام فراهانی برای سنین ۳ تا ۵ سال» است که به راهنمایی دکتر کامران کسمایی بهمن ۱۴۰۱ در دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پردیس دفاع شده است.

۲. دانشجوی دکتری تخصصی معماری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: Rohamshahryari@gmail.com

۳. استادیار گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران.
Email: hadiskamran@pardisiu.ac.ir



۱. مقدمه

«روان‌شناسی کودک» و... بسیار راهگشا است. پرسش دیگر آنکه «عواملی که در طراحی داخلی فضای مهدکودک به ارتقا خیال‌پردازی، بازی و کنجکاوی کودکان کمک می‌کنند، کدام هستند؟» در ادامه به پاسخ این پرسش‌ها خواهیم پرداخت، تحقیق حاضر سعی دارد با پاسخ دادن به این پرسش‌ها، در پی طراحی فضاهایی برای رشد کودک براساس بهره‌گیری از قابلیت‌های محیط در ارتقا خلاقیت بپردازد.

این پژوهش با روش کیفی - توصیفی و با تکنیک گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، تبیین و تنظیم شده و برای درک بیشتر مطالب از نمونه‌های موردی در ارتباط با موضوع استفاده شده است. توجه به آثار، برای کمک به فهم مطالب بوده و بررسی‌های موردی و آنالیز آثار، از هدف‌های پژوهشگر بوده است.

۲. پیشینه تحقیق

با توجه به منابع مطالعاتی، در «جدول ۱» به بررسی برخی از تحقیقات صورت گرفته در ارتباط با موضوع تحقیق می‌پردازیم:

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها به صورت کیفی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است. این تحقیق برحسب روش محقق از نوع کیفی - توصیفی است.

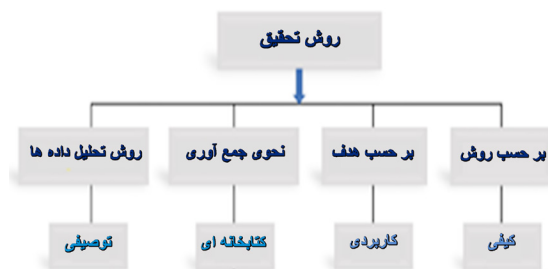
۴. چارچوب نظری پژوهش

۱.۴. کودک

کودک شامل غرایز و نیازهای زیستی و «ضبط‌های ژنتیک و خصوصیات جسمانی و کنجکاوی و درک شهودی ما است. کودک، لذت و غم را به یک اندازه در خود دارد. کودک سرشار

مقوله محیط به صورت عام و همین‌طور ویژگی‌های محیطی به‌طور ویژه، از جمله مواردی هستند که از جهت تأثیر و نقشی که بر رفتار و روان کودک دارند، حائز اهمیت هستند. در واقع محیط، به عنوان بستر فعالیت و زندگی کودک و تأثیر شرایط محیطی بر کودک، اجتناب‌ناپذیر است. از طرفی هم آغاز پرورش بسیاری از توانایی‌های انسان، در دوران کودکی است بنابراین آغاز پرورش قدرت تخیل و خلاقیت هم از دوره کودکی شکل می‌گیرد به همین سبب سعی در خلق محیط‌هایی مختص کودک، با توجه به روحیات، عواطف و انتظارات کودکان یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بررسی در زمینه طراحی برای کودک گردیده است. زیرا کودک با درک از محیطی که در آن قرار می‌گیرند، شور و هیجانات خود را ابراز کرده و اقدام به بازی‌های خلاقانه و یادگیری مثبت و سالم می‌نمایند. اهمیت توجه به محیط کودک به عنوان عنصری مؤثر و کاربردی در جهت رشد و خلاقیت وی، نیاز به فضایی مناسب در جهت پرورش و توجه به خواسته‌ها آن را لازم و ضروری می‌نماید. با این همه، آنچه اغلب در بحبوحه زندگی مدرن امروزی، از اذهان می‌رود، بی‌توجهی به تأثیر چگونگی محیطی بر روان و عادات کودکان است که در مواردی بسیار باعث دلواپسی و نگرانی می‌گردد. امروزه معماری از مقولاتی مانند علوم شناختی، علوم اجتماعی، علوم انسانی و هنر در محتوای خود استفاده می‌برد، در نهایت نه تنها حاصل نهایی طراحی، بلکه روند طراحی و معماری باید مورد مطالعه و پژوهش قرار بگیرد. با این وجود بین فضای نهفته، یعنی محیط فکری و ایدئال طراح و محیط حاضر یعنی فضایی که بنا می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد، بسیار اختلاف وجود دارد. در صورتی فضای ایدئال به ساخت مبدل می‌شود که وضعیت اجتماعی، فرهنگی و روانی استفاده‌کنندگان از فضا در نظر گرفته شود. چگونگی طراحی و ارتباط محیط فیزیکی در پیشرفت یا ممانعت از خلاقیت کودکان و همین‌طور بهره گرفتن از این روابط از مهم‌ترین مسائل هستند. لذا تحقیق و پژوهش در این زمینه، امری مهم و ضروری است.

برای پاسخ به این پرسش‌ها که «چگونه میتوان محیط معماری و کالبد فیزیکی را بر اساس نیازها و ویژگی‌های مؤثر بر رشد و خلاقیت کودکان شکل داد تا شکوفایی آن به اوج خود برسد؟» و «فضای معماری چگونه باعث احساس تعلق کودکان به محیط می‌شود؟» استفاده از نظریات افرادی همچون اریک برن با عنوان «تحلیل رفتار متقابل» و پیازنه با موضوع



نمودار ۱. نمودار مفهومی روش تحقیق.

جدول ۱. نگاهی به پیشینه تحقیق در حوزه روانشناسی کودک و محیط.

ردیف	عنوان	سال چاپ	نویسندگان	خروجی
۱	روانشناسی کودک	۱۳۶۷	ژان پیازه باریل اینهلدر	پیاژه جایگاه ویژه‌ای برای آموزش کودکان قایل است. بر اساس نظریه‌ی پیازه «تجربه» در «یختگی» کارکردهای شناختی نقش دارد. وی تأکید دارد که هرآنچه فضا «پریاتر»، «مبهم‌تر» و «متعددتر» باشد امکان آن که کودک به «لایه بالاتری از کارکردهای فکری و توانمندی‌های روانی» ارتقا پیدا کند؛ امکان‌پذیرتر می‌شود.
۲	آفرینس نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط	۱۳۹۵	جان لنگ علیرضا عینی‌فر	به نظر لنگ: فضای بنا شده مبنی بر احتیاجات زیست‌شناختی انسان، همچون سکونتگاه؛ احتیاج به امنیت، مثل امنیت جان و روان؛ نیازهای دلبستگی و حرمت را با رمزگرایی مکان و احتیاجات زیبا شناختی، را از راه زیبایی‌ظاهری، برآورده می‌کند.
۳	محیط پاسخده	۱۳۹۶	بنثلی و همکاران مصطفی بهزادفر	محیط می‌تواند بر سطوح نفوذپذیری فضا جهت واکنش نسبت به یکارگیری گوناگونی که با اهداف مختلف هم‌سو است اثرگذار باشد؛ وضعیتی که به آن «انعطاف‌پذیری» گفته می‌شود.
۴	طراحی مرکز آموزشی کودکان ۴ تا ۶ سال در بابل با رویکرد ارتقا خلاقیت کودکان در محیط‌های آموزشی	۱۳۹۵	کیوان جغتاپور	معمار با طراحی فضا می‌تواند در تربیت کودکان و ایجاد هویت ایشان و شکوفایی خلاقیت در آنها نقش داشته اهداف این پژوهش تبیین مبانی و اصول طراحی محیط‌های یادگیری کودکان است که با توجه به ویژگی‌های بومی و فرهنگی کشور و شناخت شاخصه‌هایی که در طراحی محیط‌های یادگیری کودکان نقش مؤثری را ایفا می‌کنند
۵	روانشناسی محیطی و بررسی تأثیر بازی بر آموزش و یادگیری کودکان	۱۳۹۰	مینا بیات مهسا بیات	برای به وجود آوردن انگیزش در کودک، طی مراحل یادگیری، بهتر است چگونگی انگیزش بازی به شکل مدل‌ها و تغییرات مناسب محیطی مورد نظر، به معماری محیط یادگیری افزوده شود.
۶	مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن	۱۳۹۵	محمدصادق فلاح	حس مکان به معنای ادراک ذهنی فرد از محیط و احساسات آگاهانه، موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد.
۷	نقش خلاقیت در طراحی معماری	۱۳۹۴	فاطمه بذرافشان سیروس بلور	در این مقاله سعی بر آن بوده تا علاوه بر تعریف جامعی از خلاقیت و به کارگیری آن در طراحی‌های معمارانه با بررسی نکات خلاقانه به تأثیرات آن بر فضاها پرداخته شده است.



جدول ۲. نیازمندی‌های مراحل رشد.

مراحل رشد	تعمیلات
اول ۱-	تعمیلات حسی - حرکتی
۲-	تعمیلات زبانی
دوم	تعمیلات ذهنی
سوم	تعمیلات عینی

دوره قبل از عملیات عینی قرار دارند و در این مرحله کودکان توانایی بهتری در تجسم و درک رویدادها را پیدا می‌کنند. (سرخوش و لیراوی زاده، ۱۳۹۴)

۲.۴. محیط

معماران، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و جغرافی‌دانان بر حسب رشته خود تعاریف و طبقه‌بندی‌های مختلفی از محیط دارند، به حدی که تعریف معنای دقیق آن دشوار است. «محیط، مفهومی است پیچیده و مرکب که ابعاد گوناگون دارد. داده‌های فضایی، جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی، معماری، نمادی، جغرافیایی، تاریخی، و زیستی از ابعاد مهم محیط محسوب می‌شوند. ادبیات محیط، بین واژه‌های متنوع؛ محیط کالبدی، محیط اجتماعی، محیط روان‌شناختی و محیط رفتاری تمایز قائل می‌شود» (عابدی و جودی، ۱۳۹۴). ژان پیازه اعتقاد دارد که کودکان دنیای موجود را به شکل دیگری نسبت به بزرگسالان می‌بینند و آنان با فضای اطراف خود از راه آزمایش به‌طور مستقیم به شناخت پیرامون می‌پردازند همین‌طور او معتقد است که انسان‌ها دو گرایش مهم را به ارث می‌برند که یکی سازگاری (جذب و انطباق) و دیگری سازمان (طرح‌واره‌های ذهنی) است. این پروسه به شکل‌گیری رشد شناختی رایج است. (مظفر و همکاران، ۱۳۸۶). از دید پیازه رشد کودک وابسته به مداخله و تصاحب و آزمون‌های وی در فضای پیرامون و سروکار داشتن با محیط را دارد. او بر این باور است که شناخت از راه فعالیت کسب می‌شود، بنابراین برای یادگیری و ارتقا قدرت ذهنی کودکان باید به غنی‌سازی و تقویت محیط آنان در سال‌های ابتدایی زندگی اقدام کرد، به دلیل اینکه کودکان ضمن کندوکاو در پیرامون خود، با اتفاقاتی مواجه می‌شوند که توجه آنان را درگیر می‌کند.

۳.۴. روان‌شناسی محیط

از آنجاکه تقویت خلاقیت در دوران کودکی در تمام طول عمر

از آرزوست. قسمت می‌خواهم، یعنی انگیزش است» (هریس و تامس ۱۳۸۸: ۲۹).

فریود اعتقاد دارد که بسیاری از خلاقیت‌ها، به‌خصوص در بطن هنر، جایگزینی برای بازی دوران طفولیت و دنباله آن است. فضایی که کودک در بازی‌ها و خیال‌پردازی‌ها خودنمایی می‌کند، کودک خلاق مثلاً در نوشتن یا نقاشی قسمتی از وجود خود را آشکار می‌کند. در کل کودک، در تحلیل رفتار متقابل، منشأ خیر و نیکی است و تنها منبع خلاقیت، سرگرمی، تولید و یگانه سرچشمه تجدید و نوسازی زندگی است (کاپاچیونه، ۱۳۸۶: ۱۳).

۱.۱.۴. روان‌شناسی کودک

روان‌شناسی کودک با بررسی‌های پیاپی خود در زمینه رشد از زمان شکل گرفتن نوزاد تا دوران بلوغ و نوجوانی به آن می‌پردازد. مطالبی مانند نقش وراثت و محیط در شکل گرفتن شخصیت کودک، وضعیت رشد جسمانی، فکری، احساسی، کلامی، اجتماعی، حسی و حرکتی و همین‌طور روش بازی، شکیبایی، پیروی و مشابه‌سازی کودک و نوجوان و تغییرات زمان بلوغ در این گروه از روان‌شناسی مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد.

۱.۱.۴.۱. روان‌شناسی رشد کودک

رشد، پروسه‌ای چندوجهی است و آن مشتمل بر رشد شناختی، رشد زبانی، رشد جسمی، رشد عاطفی، رشد اجتماعی، رشد شخصیتی، رشد اخلاقی و رشد هویتی است. تحقیق در مورد تمام این ابعاد، از هدف‌های روان‌شناسی کودک است. (معمدی و ایوازیان، ۱۳۹۳).

روان‌شناسی رشد کودک از نظر پیازه

دوره کودکی، شروع پرورش بسیاری از توانایی‌های وی است و پرورش خلاقیت و خیال‌پردازی در این دوران شکل می‌گیرد. روان‌کودک از نظر پیازه مانند گیاهی است که از یک سو در رابطه با محیط خارجی و از سوی دیگر از داخل و همراه با نیروهای درونی خود به رشد ادامه می‌دهد. کودکان همان‌گونه که رشد می‌کنند چارچوب‌های فکری و بینش (الگوی تفکر یا عمل) ساده‌ی خود را به چارچوب‌های درک و فهم پیچیده مبدل می‌کنند. (ارشدی دیزجی و لطفی، ۱۳۹۴).

به عقیده پیازه، کودکان در این مرحله از رشد شناختی در

دادن محیط به ادوات و ابزار یادگیری است تا زمانی که بازی وسیله‌ای برای یادگیری باشد. فضای آموزشی زمانی مؤثر خواهد بود که دارای ارزش‌های پنهان در روح، رنگ، بافت، شکل، حجم، فرم و دل‌بستگی به اسباب‌بازی باشد (بیات، ۱۳۹۵).
در کشورهای توسعه‌یافته توجه ویژه‌ای به نیازها و مطالبات فردی کودکان شده و بر اهمیت رفتارهای اجتماعی آنان تأکید فراوانی می‌شود و معتقدند که کودکان در مقطع پیش از دبستان باید بتوانند منافع جمعی را بر منافع فردی ترجیح دهند و این تفکر را از راه بازی‌ها، انواع فعالیت‌ها و کارهای گروهی برای آنها کاملاً روشن می‌کنند و به جنبه‌های رشد جسمی توجه ویژه دارند و کودکان دائم در حال فعالیت هستند.

۴.۵.۱. نمونه‌های موردی

معماری، بخشی از برنامه آموزش است. معماری آموزشی، ساختمانی است که نظم و طرح‌ریزی آن برگرفته از یک رویکرد آموزشی است. رویکردی که فضاها را برای خود و در آموزش دخیل می‌سازد و به مربیان و کودکان این توانایی را می‌دهد تا فضاها را برای تدریس و آموختن، بیارایند. در رویکرد آموزشی، فضاهای داخلی خود به عنوان یک مربی عمل می‌کند.
نظم، ساختار و شفافیت از مشخصات شاخص فضاها در این رویکرد هستند. تنوع زیباشناختی ارائه شده، شرایط یادگیری با تمام حواس را فراهم می‌کند. هر کودک در فضاهای آموزشی، کارهای خودش را که به صورت مستندسازی یا تصاویر نمایش داده شده‌اند را مشاهده می‌کند. برای درک بهتر این موضوع به بررسی برخی از نمونه‌های موردی، در جدول ۳ و ۴ پرداخته‌ایم.

۵. نتایج و بحث

ابتدای طفولیت، زمانی برای بازی کردن و بروز خلاقیت‌ها و ابتکارات حیرت‌آور و شگفت‌انگیز است. همچنین نمایش و کارزاری که تلاش می‌کند نقش خود، برای کنجکاوی و تخیل کودکان است را در آن به‌خوبی ایفا نماید.
این موضوع، طراحی محیط برای کودک را به موضوعی چالش‌برانگیز تبدیل کرده است و با توجه به اینکه کودک توانایی ساختن محیط مطلوب خود را ندارد، اهمیت آن را دو چندان کرده است. در کارکرد، کودکان تحت تأثیر فرم‌ها و ترکیباتی از جمله لوازم، وسایل بازی‌ها در فضا، آب، گیاهان و حیوانات هستند. در طراحی محیطی خاص برای کودکان، باید تمامی

شخص تأثیرگذار است باید این امر را بسیار حیاتی دانست. گاردنر اعتقاد دارد که تصور و تخیلی که در اوایل دوران کودکی شکل می‌گیرد و اساس خلاقیت در دوران بلوغ است و همچنین شروع پرورش بسیاری از توانایی‌های انسان، از جمله قدرت تخیل و خلاقیت، در دوران کودکی است. از دیدگاه فروید، خلاقیت را باید در تجربیات دوران کودکی فرد یافت. (شریعتمداری، ۱۳۴۴)
مهم‌ترین عامل در خلاقیت، انگیزه برای انجام فعالیت‌های خلاقانه است. بنابراین می‌بایست با ایجاد محیط‌هایی که تخیل کودکان را تحریک می‌کند و موجب تشویق به کنکاش و خلاقیت آنان می‌گردد را فراهم نمود (ذوالفقاری و کردحقی، ۱۳۹۵: ۳).

۴.۴. خلاقیت

با توجه به ذهنی بودن محتوای خلاقیت، فرضیه‌های متنوعی درباره این موضوع وجود دارد و از جهات متفاوت به خلاقیت نگاه شده است، اما نقطه اشتراک این تعریف‌ها، تازگی و نوظهور بودن آن است. یعنی کار نوینی که قبلاً انجام نشده است (Runco, 2006). ظهور خلاقیت و ابداع از مباحث با اهمیت و مهم دنیای مدرن است؛ توسعه و ترقی ملت‌ها به این موضوع وابسته است، از آنجاکه تقویت خلاقیت در زمان کودکی در کل عمر فرد اثرگذار است باید آن را بسیار با اهمیت دانست. گاردنر اعتقاد دارد که تخیل و تصویری که در ابتدای دوره کودکی صورت می‌پذیرد و پایه خلاقیت در موقع بلوغ است. شروع باروری بسیاری از توانمندی‌های انسان در زمان کودکی است؛ ابتدای آموزش و پرورش قدرت تخیل و خلاقیت در دوران طفولیت صورت می‌گیرد. به عقیده فروید، خلاقیت را باید در آزمون و خطای دوران نونهالی فرد یافت. با اهمیت‌ترین موضوع در خلاقیت، انگیزش برای انجام دادن فعالیت‌های خلاق و نوظهور است. به همین دلیل باید با خلق فضاهایی که خیال‌پردازی‌های کودکان را افزایش می‌دهد و باعث کنجکاوی و خلاقیت آنان می‌گردد را فراهم نمود (ذوالفقاری و کردحقی، ۱۳۹۵: ۳).

۴.۵. بازی

بازی‌انگیزی در محیط یادگیری به معنای پربار کردن فضا برای تشویق انگیزه در بازی است تا کودک طی مراحل یادگیری پرنرزی باقی بماند. ایجاد فضای آموزش مؤثر، به معنای تغییر

جدول ۳. تحلیل نمونه‌های موردی خارجی.

نام	موقعیت	امکانات	محدودیت‌ها	اهداف	راهبرد طراحی	راهکار طراحی
مهد کودک و مدرسه فوجی 	ژابن - توکیو	فضایی کاملاً آزاد هیچ مرزی بین کلاس‌های درس و بازی وجود ندارد	-----	تقویت حس تعاون و همکاری را در آنها	استفاده از عناصر طبیعی برای تقویت فیزیکی بدن	درختان به ارتفاع ۲۵ متر
				فرصتی برای یادگیری و مواجهه شدن با چالش‌ها و سختی‌ها آشنایی و چگونگی زندگی در طبیعت تمرکز بیشتر در سر و صدا بالابردن حس کنجکاوی و خلاقیت	ایجاد فضایی برای ارتقا حس خلاقیت و همکاری	پنجره‌های سفیدی فضاهای نیمه باز جمعی‌های چوبی سبک
				تحریک تعامل کودک را با فضای اطراف با دید آموزشی، انتخاب عناصر و مختلف اشکال معماری در جهت رشد خلاقیت کودکان	ایجاد بستری مناسب برای رشد خلاقیت	استفاده از اشکال هندسی
				نداشتن فضاهای دنج و شفافیت یکپارچه	لمس و ارتباط مستقیم با عناصر برای شناخت و آموزش از طریق آن	انتخاب مترتال، نوع نور، رنگ‌ها، صداها، اشکال قابل لمس
مهد کودک گواستالا 	ایتالیا - گواستالا	محوزه‌های بازی گسترده و سوله‌های شفاف	ایجاد بستری مناسب برای رشد خلاقیت	تحریک حس کنجکاوی و رسیدن به فرآیند خلاقیت	استفاده از فضاهای متنوع و سوله‌هایی شفاف و درختان همراه با ساختار مجموعه	انتخاب مترتال، نوع نور، رنگ‌ها، صداها، اشکال قابل لمس
				تاکید بر سلامت روحی و روانی کودکان و خانواده‌های آنها	ایجاد بستری مناسب برای رسیدن به مهارت‌های اجتماعی	استفاده از اشکال هندسی
				تاکید بر سلامت روحی و روانی کودکان و خانواده‌های آنها	ایجاد بستری مناسب برای رسیدن به مهارت‌های اجتماعی	استفاده از اشکال هندسی
				تاکید بر سلامت روحی و روانی کودکان و خانواده‌های آنها	ایجاد بستری مناسب برای رسیدن به مهارت‌های اجتماعی	استفاده از اشکال هندسی

جدول ۴. تحلیل نمونه‌های موردی داخلی.

نام	محل	امکانات	محدودیت‌ها	اهداف	راهبرد طراحی	راهکار طراحی
مهد کودک باغ گلشن نیاوران 	ایران - تهران نیاوران	محوطه‌های بازی گسترده کلاس‌های دو زبانه با بهره‌گیری از فریبان تینتو	نداشتن فضاهای دنج و شفافیت یکپارچه	انتخاب عناصر و مختلف اشکال در جهت رشد خلاقیت کودکان، تحریک تعامل کودک را با فضای اطراف با دید آموزشی	لمس و ارتباط مستقیم با عناصر برای شناخت و آموزش از طریق آن	انتخاب مترتال، نوع نور، رنگ‌ها، صداها، اشکال قابل لمس
				تاکید بر سلامت روحی و روانی کودکان و خانواده‌های آنها	ایجاد بستری مناسب برای رسیدن به مهارت‌های اجتماعی	استفاده از اشکال هندسی
				تاکید بر سلامت روحی و روانی کودکان و خانواده‌های آنها	ایجاد بستری مناسب برای رسیدن به مهارت‌های اجتماعی	استفاده از اشکال هندسی
				تاکید بر سلامت روحی و روانی کودکان و خانواده‌های آنها	ایجاد بستری مناسب برای رسیدن به مهارت‌های اجتماعی	استفاده از اشکال هندسی
مهد کودک آریین 	ایران - تهران پیروزی	کارگاه‌هایی مبنی بر روش مونته سوری مانند اشپز کوچولو، پرستار کوچولو، دانشمند کوچولو و ... برگزار می‌شود	نداشتن فضاهای انعطاف پذیر، دنج برای تحریک حس کنجکاوی استفاده از فضاهای مانند مدرسه و نبود فضای آزاد	تاکید بر سلامت روحی و روانی کودکان و خانواده‌های آنها	ایجاد بستری مناسب برای رسیدن به مهارت‌های اجتماعی	انتخاب مترتال، نوع نور، رنگ‌ها، صداها، اشکال قابل لمس
				تاکید بر سلامت روحی و روانی کودکان و خانواده‌های آنها	ایجاد بستری مناسب برای رسیدن به مهارت‌های اجتماعی	استفاده از اشکال هندسی
				تاکید بر سلامت روحی و روانی کودکان و خانواده‌های آنها	ایجاد بستری مناسب برای رسیدن به مهارت‌های اجتماعی	استفاده از اشکال هندسی
				تاکید بر سلامت روحی و روانی کودکان و خانواده‌های آنها	ایجاد بستری مناسب برای رسیدن به مهارت‌های اجتماعی	استفاده از اشکال هندسی

به این مقصود با پیدا کردن راهی ممکن است که جرقه برای شروع بازی را در رفتارهای کودک ایجاد کند و در ادامه از روند طی شده پشتیبانی و محافظت شود. آنچه در ارتباط بین کودک و اسباب‌بازی قابل تعمیم دادن به ارتباط کودک با معماری است، اثر متقابل این دو بر هم است. همان‌طور که بیشترین قابلیت اسباب‌بازی را در پاسخگویی به استعداد کودکان می‌توان نمایش داد. در شرایط این‌چنینی فضای معماری، محیطی ایمن

ابعاد کودکی که فراتر از تفاوت‌های صرفاً فیزیکی آنها با افراد بزرگ‌سال است را مورد توجه قرار داد و توضیح و روش استفاده کودکان از محیط را درک کرد و به وجود آوردن انواع فضاهای مکان‌هایی منحصر به فرد که مورد احتیاج است و موجب پر بار کردن زندگی آنها شود، ایجاد نمود. محیط‌های معماری زمانی بر کودک اثرگذار است که باعث شود کودک به ایجاد پیوندی خلاق و فعال ترغیب کند. رسیدن

جدول ۵. مؤلفه‌ها و معیارهای کیفیت طراحی فضاهای مهدکودک.

ردیف	مؤلفه‌ها	کیفیت
۱	کالبد	تنوع فضایی (تنوع در فضاهای عمومی و نیمه خصوصی و تنوع در عناصر محدود کننده فضا) دید و منظر (دید به عناصر شاخص، محورهای دید و پرسپکتیو دیدهای متوالی) جذابیت فضایی خونیایی غنای حسی مقیاس انسانی
۲	زیبایی‌شناسی	محیطی شاد و سرشار از انرژی استفاده از رنگ‌ها و حجم‌ها ترغیب به خلاقیت غنای حسی
۳	ساختار فضاهای	انعطاف‌پذیری تنوع‌پذیری تغییرپذیری شکل‌پذیری قابلیت بازی‌سازی
۴	اجتماع‌پذیری	طراحی به منظور برقراری ارتباطات اجتماعی تنوع کاربران (گروه‌های مختلف سنی) افزایش سرزندگی و هیجان‌ات مشارکت فعال و غیر فعال ایستی و امنیت
۵	خلاقیت	فضاهایی برای ماجراجویی فضاهای باز فضاهای مخفی ساختارهای بازی تنوع عملکردی
۶	فعالیت	انعطاف‌پذیری کارکردهای فرآیندی کشف محیط و انبساط
۷	میلکان	درک هویت بصری فضا بالا بردن توانایی‌های لامسه ایجاد ارتباط با محیط

را به وجود می‌آورد که در آن پیوستگی محیط، سازگاری بازی را قطعی می‌کند، فضاهای متنوع و اجزا محیطی ابزار بازی‌های مختلف را در اختیار کودک قرار داده و محیطی به وجود آورده که افزون بر توانایی طبقه‌بندی برای گروه‌های سنی مختلف و همچنین تسلط کودک بر نوع بازی خود را داشته باشد.

همچنین برای رشد خلاقیت و توان بالقوه فردی باید در پی مکانی برای ملاقات، یادگیری، تحقیق، نوآوری، خلاقیت، بازی، آشنایی با محیط پیرامون، محیط رفتاری، امنیت و صحنه‌ای برای انجام فعالیت‌های پرورشی کودک و را خلق کرد که در ارتباط با نیازهای اجتماعی و رشد آن طراحی شود. با توجه به مطالب مطرح شده، مؤلفه‌های سازنده کیفیت و راهبرد دستیابی به هر یک از آنها مشخص شد که در ادامه بحث به آنها اشاره می‌شود.

پس از مطالعه و بررسی‌ها، پژوهشگران و برنامه‌ریزان در خصوص طراحی فضاهای مهد کودک، برخی از مؤلفه‌های اساسی این نوع از معماری را چنین تشخیص داده‌اند که در «جدول ۵» به آنها اشاره گردیده شده است.

۵.۱. مؤلفه‌ها و معیارهای طراحی محیط

معیارهای طراحی محیط برای کودکان که باعث افزایش انگیزه برای بازی، کنجکاوی و خیال‌پردازی در آنان می‌شود، بر اساس چند اصل به شرح ذیل تبیین می‌گردد:

۵.۱.۱. قابلیت انعطاف‌پذیری

استفاده از عناصر محرک طبیعی و انعطاف‌پذیر در عملکردها، باعث ایجاد کنجکاوی و افزایش انگیزه در کودکان برای بازی و مشارکت در کارهای گروهی می‌شود و شرایط مناسبی را برای خیال‌پردازی آنها فراهم می‌کند. انعطاف‌پذیری در عملکردها بدین معناست که امکان استفاده از یک محیط در زمان‌های متفاوت، برای عملکردهای گوناگون وجود داشته باشد. از جهاتی دیگر انعطاف‌پذیری عملکردها آن است که در یک محیط چندین عملکرد مختلف در کنار هم در یک زمان، امکان حضور داشته باشند. مقصود از این کار ایجاد آزادی انتخاب برای کودکان است (جهانیان، ۱۳۹۳: ۴۷).

۵.۱.۲. قابلیت تنوع‌پذیری

ویژگی تنوع‌پذیری عناصر طبیعی در راستای ارتقای خلاقیت

کودکان تأثیرگذار است و می‌توان از این تفاوت‌ها و تنوع‌های عناصر طبیعی به وجود آمده، در طراحی فضاهای ویژه کودکان، سود جست (جهانیان، ۱۳۹۳: ۴۶).

۵.۱.۳. قابلیت تغییرپذیری

با استفاده از عناصر جابجاشونده، می‌توان فضاها را در زمان‌های مختلف به تعداد عملکرد مورد نیاز تقسیم کرد. این ویژگی به نام «تغییرپذیری فضا و اجزای آن» شناخته می‌شود. لازم به توضیح است که تغییرپذیری فضاها باید به صورت بدیع و منحصر به فرد باشد، زیرا اگر تغییرات و تنوع در فضاها تکراری شوند، فضا برای کودکان یکنواخت و از جذابیت آن کم خواهد شد. بنابراین، ممکن است با طراحی فضاهای تغییرپذیر به گونه‌ای که تغییرات در آنها تکراری نباشد، جاذبه و جذابیت برای کودکان ایجاد نمود. لازمه این طراحی این است که کودک بتواند فضا را به دلخواه خود تغییر داده و در حین بازی تغییر فضا، امکان خیال‌پردازی در تغییر فضا را داشته باشد (جهانیان، ۱۳۹۳: ۴۷).



۵.۱.۴. قابلیت شکل‌پذیری

در فضایی که از مصالحی با قابلیت شکل‌پذیری متفاوت مانند شن، خاک رس، سطوح خمیری و... برای بازی‌های خلاقانه استفاده می‌کند، کودکان را به استفاده از حس لامسه، نوآوری و خلاقیت ترغیب کرده و به تقویت قوای فیزیکی آنها کمک می‌کند. قابلیت شکل‌پذیری و تغییر این اجزا به کودک این امکان را می‌دهد که در یادگیری نقشی فعال داشته باشد. ابزاری که قابلیت تعریف و کاربردی متنوع و متفاوت از سوی کودکان را داشته باشد، این امکان را فراهم می‌کند که قوانین و اصول جدید را کشف کرده و قابلیت خلاقیت و ابتکار خود را تقویت کنند. بر این اساس کنجکاوی و نوآوری از جمله عوامل مهم در رشد و پرورش خلاقیت کودکان هستند، لذا محیط کودکان باید در جهت پاسخگویی به این دو عامل طراحی گردد (جهانیان، ۱۳۹۳: ۴۵).

۵.۱.۵. قابلیت بازی‌سازی

امکان بازی با آب، کاشت گیاه توسط خود کودک، بازی با نور و سایه، بازی با شن و... که به عنوان قابلیت بازی‌سازی عناصر طبیعی شناخته می‌شود، علاوه بر تأثیرگذاری در ارتقای انگیزش و آزادسازی هیجانات کودک، به عنوان یک بستر مناسب برای مشارکت او در فعالیت‌های گروهی نیز مطرح است که در رشد

تعاملات وی با دیگر همسالان خود موثر است (جهانیان، ۱۳۹۳: ۴۶). (جدول ۶)

۵.۲. اهداف و چارچوب طراحی

هدف کلی این پژوهش، تبیین ایده‌های طراحی مبتنی بر تنوع در مهد کودک‌ها و فضاهای کمک‌آموزشی کودکان با رویکرد ارتقای خلاقیت آنان است، تا با به‌کارگیری ایده‌های حاصل در طراحی مکان‌هایی مخصوص کودکان، انگیزش برای بازی، قدرت تخیل و کنجکاوی وی افزایش داده شود و در نهایت خلاقیت کودک در محیطی با فضا سازی مناسب پرورش یابد. تحقق این امر از طریق طراحی فضاها با توجه به الگوهای رفتاری کودکان امکان‌پذیر می‌گردد. برخی از این الگوها عبارتند از اجتماع کوچک یادگیری، فضاهایی برای نمایش، چشم‌انداز بصری، فضاهای شخصی برای کودکان، ارتباط با طبیعت و... است.

تأکید پژوهش پیش رو بر تأثیر مؤلفه‌های محیطی، بر خلاقیت و فعالیت کودکان است. این مؤلفه‌ها باعث انجام فعالیت‌های گوناگون و توسعه اجتماع‌پذیری محیط می‌شود. در «جدول ۷» برای به عینیت بخشیدن نتایج به‌دست‌آمده پژوهش، به ارائه راهکارها و راهبردهایی برای ارتقای هریک از مؤلفه‌ها پرداخته شده است.

جدول ۶. راهبردها و راهکارهای ارتقا مؤلفه ساختار فضایی (نگارنده)

هدف کلان	اهداف خود	راهبرد	راهکار
ارتقای کیفیت محیط در توسعه خلاقیت کودکان	تبیین مؤلفه‌های کیفی محیط در طراحی مهدکودک	انعطاف‌پذیری	– امکان بهره‌گیری از یک فضا در زمان‌های متفاوت (دیوارهای متحرک) – فضا چند عملکرد مختلف (قصه‌خوانی، نقاشی، بازی) – فضاهای باز و نیمه‌باز
		تنوع‌پذیری	– تنوع فضایی (طیف نور با بهره‌گیری از شیشه‌های رنگی و یا ایجاد حوض، فواره، آبشار و اکواریم) – استفاده از عناصر طبیعی (گیاهان با شکل‌ها، رنگ‌ها، اندازه‌ها، گوناگونی گل‌ها و برگ‌ها در فصول مختلف)
		تغییرپذیری	– تقسیم فضا به تعداد عملکرد مورد نیاز – تغییر فضاها در زمان‌های گوناگون به کمک عناصر جابه‌جاشونده (در جریان بازی تغییر فضا، خیال‌پردازی)
		شکل‌پذیری	– فضایی برای بازی‌های خلاقانه با استفاده از مصالحی با قابلیت شکل‌پذیری متفاوت (شن، خاک، رس، سطوح خمیری، ...) – استفاده از امکان کشف و قابلیت‌های خلاقیت و ابتکار
		قابلیت بازی‌سازی	– قابلیت بازی‌سازی عناصر طبیعی (امکان بازی با آب، کاشت گیاه توسط خود کودک، بازی با نور و سایه، بازی با شن و...) – ایجاد زمینه بازی و مشارکت کودک در بازی‌های گروهی، ارتقای انگیزش و آزادسازی هیجانات کودک (فضاهای نیمه‌باز، جعبه‌های چوبی سبک)

جدول ۷. راهبردها و راهکارهای افزایش خلاقیت (نگارنده)

اهداف خرد	راهبرد	راهکار	هدف کلان
مؤلفه کالبدی مؤلفه کالبدی مؤلفه کالبدی مؤلفه کالبدی مؤلفه کالبدی	جذابیت فضایی	– ایجاد منظرگاه – امکان گذر عرضی امن و برای انبساط خاطر	– ایجاد تنوع در جزئیات کالبدی
	تنوع فضایی	– استفاده از عواملی چون آرایش مبلمان، اختلاف‌های ارتفاعی کم، اختلاف کف سازی و ... – تعریف عرصه‌ها با عناصر غیرصلب نظیر استقرار مبلمان یا پوشش گیاهی – استفاده از پوشش گیاهی در پاگردها و مدخل پله‌ها و یا در کناره‌های پله – استفاده از آب نما – پرهیز از بدنه سازی‌های با منظر مصنوع – وجود خلل و فرج و حوزه‌های نفوذپذیر در سطح ناظر و در ارتفاع بدنه‌ها برای تداوم فضایی	
	خوانایی	– تعریف بیرون و درون و تعیین مرز آنها توسط المان – استفاده از عناصر فیزیکی برای تغییر رفتار جهت – دیده شدن و شاخص نمودن عناصر اصلی	
	غنای حسی	– کمک به قابل رویت نمودن حرکت آب (تقویت حس بینایی) – استفاده از اختلاف ارتفاع در مسیر آب به منظور شنیدن صدای آن (تقویت حس شنوایی) – توجه به انعکاس نورها در آب در شب و رویت این انعکاس‌ها (تقویت حس بینایی) – ایجاد تنوع در بافت کف‌سازی (تقویت حس لامسه)	
	دید و منظر	– توجه به ترکیب رنگی عناصر مستقر در کناره – به حداقل رساندن اغتشاشات بصری	– کاشت گل‌های رنگارنگ و گیاهان تزئینی در نقاط مکت

۶. نتیجه‌گیری

یکی از مشکلاتی که در مهد کودک‌های ایران وجود دارد، عدم توجه به طراحی فضا بر اساس اصول زیبایی‌شناسی و پرورش خلاقیت است. اهمیت دادن به فضاهای آموزشی و رعایت استانداردهای مربوط به آن در طراحی، به خلق یک محیط مناسب با نیازهای کودکان منجر می‌شود. معماری، بخشی از برنامه آموزش است. معماری آموزشی - فرمی، ساختمانی است که نظم و طرح‌ریزی آن برگرفته از یک رویکرد آموزشی است. رویکردی که فضاها را برای خود و در آموزش دخیل می‌سازد و به مربیان و کودکان توانایی می‌دهد تا فضاها را برای تدریس و آموختن، بیارینند. در رویکرد آموزشی، فضاهای داخلی خود به عنوان یک مربی عمل می‌کنند. نظم، ساختار و شفافیت از مشخصات شاخص فضاها در این رویکرد هستند. تنوع زیباشناختی ارائه شده، شرایط یادگیری با تمام حواس را فراهم می‌کند. هر کودک در فضاهای

آموزشی، کارهای خودش را که به صورت مستندسازی یا تصاویر نمایش داده شده‌اند را مشاهده می‌کند. چیدمان فضاها باید به گونه‌ای باشد که با نیازهای کودکان منطبق باشد و شرایطی را فراهم کند که آن‌ها بتوانند شخصی‌سازی، خلوت، اجتماع‌پذیری، قلمروپایی، آرامش و... را تجربه کنند و درعین حال بتوانند تکاپو و حرکت داشته باشند و همچنین از طریق مشارکت در فعالیت‌ها، ارتباط برقرار کنند و یا خودمحور عمل کنند. در کنار معماری آموزشی، امکان استفاده از روش‌های مختلف، می‌توان برای فکرکردن، ذهن کنجکاو کودک موضوعات متفاوتی به وجود آورد و با تشویق و انگیزش کودک را برای بازی و شرکت کردن در فعالیت‌های جمعی گسترش داد و زمینه را برای تخیل و خیال‌پردازی او آماده کرد. در تحقیق حاضر تلاش شد که با شناخت مؤلفه‌های محیط کالبدی در فضاهای مهدکودک به بررسی تأثیر محیط در ایجاد یا ارتقای خلاقیت در کودکان، الگویی را در جهت ارتقای بخشی خلاقیت ارائه کند.

فهرست منابع

- بنتلی و همکاران (۱۳۹۶)، محیط پاستخده، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- بیات، مینا؛ بیات، مهسا (۱۳۹۵)، روان‌شناسی محیطی و بررسی تأثیر بازی بر آموزش و یادگیری کودکان، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهشی در زمینه مهندسی عمران، معماری و برنامه‌ریزی شهری و محیط پایدار، ترکیه، استانبول، ۳-۷.
- بذرافشان، فاطمه؛ باور، سبیروس (۱۳۹۴)، نقش خلاقیت در طراحی معماری، کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.



کودک بر طراحی معماری مجتمع‌های آموزشی کودکان، *اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار*. مظفر، فرهنگ: مهدی‌زاده سراج، فاطمه؛ میرمرادی، سیده سمیه (۱۳۸۸)، *بازشناسی نقش طبیعت در فضاهای آموزشی، نشریه علمی - پژوهشی فناوری آموزش*، ش. ۱.

فلاح، محمدصادق (۱۳۸۵)، *مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا*، ش. ۲۳، ۵۷-۶۶.

کاپاچیونه، لوسیا (۱۳۸۶)، *شفای کودک درون، ترجمه گیتی خوشدل، نشر تهران: پیکان*.

لنگ، جان (۱۳۸۱)، *آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*، چاپ چهارم با اضافات، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران.

شریعتمداری، علی (۱۳۴۴)، *اصول فلسفه تعلیم و تربیت*، چاپ چهل و چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

عابدی، محمدحسین و جودی، پروانه (۱۳۹۴)، *بررسی تأثیر روانشناسی محیطی در فضاهای آموزشی و معماری، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی و علوم تکنولوژی*.

هریس، امی.ب. و تامس، آ. هریس (۱۳۸۸)، *ماندن در وضعیت آخر*، ترجمه اسماعیل فصیح، فرهنگ نشر نو.

پیاژه، ژان؛ اینهلدر، باربل (۱۳۶۷)، *روانشناسی کودک*، نشر طلوع آزادی.

جغتایور، کیوان (۱۳۹۵)، *طراحی مرکز آموزشی کودکان ۴ تا ۶ سال در بابل با رویکرد ارتقا خلاقیت کودکان در محیط‌های آموزشی، پایان‌نامه کارشناسی/ارشد معماری، مؤسسه آموزش عالی صنعتی مازندران*.

جهانیان، آرزو (۱۳۹۳)، *نقش فضای معماری بر افزایش خلاقیت در آموزش طراحی دبستان دخترانه محله باغ فردوس، پایان‌نامه کارشناسی/ارشد معماری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، دانشکده هنر و معماری، صفحه (۴۵-۴۸)*

ذوالفقاری، حسین؛ کردحقی، مهسا (۱۳۹۵)، *بررسی چگونگی تدوین معماری برای کودکان، با توجه به شاخصه‌های بازی، خلاقیت و ادراک مکان، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، آلمان، برلین*.

سرخوش، زهره؛ لیراوی‌زاده، پروین (۱۳۹۴)، *بررسی تاثیر آموزش‌های مهارتی بر توانایی‌های شناختی و حرکتی کودکان ۳ تا ۶ ساله، دومین همایش ملی بررسی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی روانشناسی، مشاوره و آموزش در ایران*.

ارشدی دیزجی، بابک؛ لطفی، پریسا (۱۳۹۴)، *بررسی تطبیقی روانشناسی محیط در کودکان و سالمندان، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی*.

معتمدی، روبا؛ ایوازیان، سیمون (۱۳۹۳)، *بررسی جایگاه روانشناسی*

Amabile Teresa M, Pillemer J (2012). Perspectives on the social psychology of creativity, *The Journal of Creative Behavior*, Vol. 46, No. 1, pp. 3-15.

Runco MA (2006). Reasoning and personal creativity, *Creativity and reason in cognitive development*, pp. 99-116.

نحو فضا و روابط دیالکتیک کالبدی فرهنگسراهای معاصر تهران

کیوان محمدپور^۱، علی عسگری^۲

تاریخ دریافت: ۱۲-۱۰-۱۴۰۲، تاریخ پذیرش: ۰۱-۰۴-۱۴۰۳

DOI: 10.22034/RAU.2024.2019440.1076

چکیده

مجموعه‌های فرهنگی به‌خصوص فرهنگسراها به عنوان عاملی مؤثر در غنی‌سازی اوقات فراغت نوجوانان و جوانان و ارتقای آگاهی آنان، حائز اهمیت بوده و می‌توانند بسترساز رفتارهای اجتماعی مطلوب باشند. در این راستا اثر بخشی معماری بر پیکره‌بندی و روابط فضایی این نوع فضاها بر ارتقای کارایی عملکردی این مراکز قابل تحقیق بوده و نیازمند تدقیق و تقویت است. به همین ترتیب هدف پژوهش حاضر، کنکاش در خصوص شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در رابطه دیالکتیک فضایی فرهنگسراهای شاخص تهران در بازه زمانی پهلوی دوم تا دوره معاصر است. روش پژوهش از حیث هدف کاربردی - توسعه‌ای و از جنبه ماهیت داده‌های تحلیلی، کمی است و فرآیند تحلیل با رویکرد شبیه‌سازی ریاضی به‌واسطه نیاز به مقایسه هندسه کالبدی بناهای مورد نظر تحقیق، از برداشت میدانی و تجزیه و تحلیل فضاها، در مدل‌سازی رایانه‌ای در نرم‌افزار Depth-map، بهره برده است. در جریان پژوهش به‌واسطه تحلیل سه شاخصه دیالکتیک فضایی یعنی «هم‌پیوندی»، «اتصال» و «دسترسی» در نمونه‌های موردی پژوهش، عنصر «هم‌پیوندی» از مقدار همگن و میانگین ۴/۷۵ برخوردار بوده که نمایانگر رؤیت‌پذیری و گشودگی‌های فضاهای متنوع یک فرهنگسرا در مجاورت هم است. در عین حال مقدار «اتصال» و «دسترسی» تنوع زیادی داشته و نشانگر تعدد ورودی‌ها و مسیرهای متنوع در نحو فضای معماری‌های مورد مطالعه است. این موضوع می‌تواند در تحلیل رابطه دیالکتیک فضایی و موفقیت در کارکرد فرهنگسراهای شناخته‌شده شهر تهران، معرف رابطه معناداری جهت لزوم «هم‌پیوندی کالبدی و فضایی» و تنوع «مسیرها و دسترسی‌ها» به عنوان دو راهبرد مؤثر و آزمون شده در معماری فرهنگسراهای تهران باشد. طراحی معماری می‌تواند با راه‌حل‌های فضایی ادغام شده با حضور انسان، ارتقا یابد. توجه به سازمان‌دهی فضایی، عرصه بندی عملکردی، جذابیت زیبایی‌شناختی و مصالح شفاف بکار رفته جهت قرار دادن راهبردی اجزای تقسیم‌کننده فضا، بر کاربرد کلی، کارایی و واکنش احساسی در فضاهای معماری تأثیر می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: کالبد معماری، نحو فضا، دیالکتیک فضایی، فرهنگسرا، معماری معاصر تهران.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.
Email: keyvan.mohammadpour@outlook.com

۲. استادیار گروه معماری، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: ali.asgari@iau.ac.ir



مقدمه

پذیرفته، بخشی اختصاص به ماهیت عملکردی و مدیریتی آن‌ها داشته که می‌تواند معرف معیارهایی در خصوص نقش آن‌ها در برنامه‌های مدیریت شهری باشد. در کنار این موضوع بخش محدودتری به ماهیت فضا و ویژگی‌های کالبدی فرهنگسرا اختصاص یافته که عموماً بیش از تمرکز بر روی فرهنگسرا، اشاره به بناهای فرهنگی کشور و الزامات طراحی در آن‌ها بر پایه مباحث تحقق یک مکان دارا هستند. در کنار این موضوع گفتگوها با معماران مطرح در خصوص فرهنگسراهای ایران در دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ شمسی^۱، دلالت از خلق فضاها بر پایه تعبیرهای شخصی معمار مبتنی بر شناخت خود از فضا داشته است (خانی زاد، ۱۳۹۲) (مشکی اصفهانی، ۱۳۹۲).

کوپر تحت عنوان مقاله‌ای به نام «مرکز فرهنگی: معماری به عنوان سیاست فرهنگی در اروپای پس از جنگ» در سال ۲۰۱۵، عنوان کرد که در ابتدا هدف از طراحی و ساخت مراکز فرهنگی، کنترل افکار سیاسی جامعه توسط حاکمیت بود. در واقع هدف، پرورش نوعی شهروند بود که فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی او در زندگی، در محدوده‌هایی مشخص شده از جانب حکومت، رخ دهد (Cupers, 2015). به‌عنوان مثال، نیگورا در مقاله خود با عنوان «نقش مراکز ملی و فرهنگی ازبکستان در زندگی عمومی» بیان کرد که کشور ازبکستان پس از اعلام استقلال، به دلیل ماهیت چندملیتی این کشور، تلاش کرد تا از طریق فعالیت‌های مختلف همچون: استودیوهای موسیقی و تئاتر، زبان مادری، تاریخ، نویسندگی، ادبیات، تئاتر و نقاشی، سنت‌ها و صنایع دستی ملی و... به حس همبستگی و اتحاد میان مردم کمک ویژه‌ای کند. به‌مرور، مؤسسات فرهنگی در قرن نوزدهم بیشتر به دلیل ایجاد سرگرمی طراحی شدند، بدین ترتیب هدف از ایجاد خانه‌های فرهنگی یا همان فرهنگسراها، تغییر پیدا کرد (Ruzimuratovna, 2022).

مراکز فرهنگی در طول تاریخ از نظر پیکربندی و کاربری تغییر پیدا کرده‌اند. تغییر رویکردهای طراحی، الگوهای اجتماعی-فرهنگی و عملکرد را تغییر داده و در نتیجه پیکربندی فضایی و برنامه‌های معماری نیز دارای تحولاتی گشته‌اند. پس از گذشت چندین سال از پیدایش اولین فرهنگسراها، به‌مرور نقش معماری در روند طراحی این مراکز پررنگ‌تر شد. به همین سبب با توجه به میزان فعالیت مردم در این مراکز، نقش کالبد این مراکز و تأثیر آن بر فعالیت‌های افراد مورد توجه و پژوهش قرار گرفت (Bayram & Ünlu, 2023). بایرام و اونلو، با پژوهشی

تقویت عملکرد فرهنگسراها به‌واسطه روابط متقابل و حیاتی «فرهنگ»، «محیط» و «انسان» می‌تواند ضمن غنی‌سازی اوقات فراغت نسل جوان، به یکپارچه‌سازی بیشتر اجتماعات غیررسمی فرهنگی منجر شود. این راهبرد در شهرهایی با جامعه نامتوازن مانند تهران، ضمن دعوت از اقشار مختلف، بسترساز رفتارهای اجتماعی آگاهانه بوده و به قدرت اجتماعی در جامعه، کمک شایانی می‌نماید (سودمند و همکاران، ۱۴۰۱: ۹). به دیگر سخن مراکز فرهنگی به‌ویژه فرهنگسراها، می‌توانند مابین فضاها رسمی ایدئولوژیک یک مدرسه و یا دانشگاه (رضائی، ۱۳۸۶) و فضاها غیررسمی کافی‌شاپ‌ها (نظام‌آبادی، ۱۳۸۶)، بستری عمومی جهت خلق یک مکان سوم معاصر پذیر را تسهیل نموده و به‌واسطه کارایی مناسب‌تر مکان، اجتماع‌پذیری فعالی برای نسل‌های یک جامعه پدیدآورند (محمدی سالک و عسگری، ۱۴۰۱: ۸۵).

بوجود اهمیت فرهنگسراها به عنوان مکانی مستعد جهت تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی به‌ویژه در اوقات فراغت میان افراد مختلف به‌خصوص کودکان و نوجوانان، پژوهش‌های بسیار کمی در حیطه شناخت ویژگی‌های این مراکز، روند خلق آنان، ویژگی‌های مشترک و متفاوت معماری و روابط فضایی و دیالکتیک^۱ این مراکز، صورت گرفته است. این در حالی است که در صورت عدم خوانش فضا در موازات مباحثه‌های اجتماعی و فرهنگی که هسته اصلی جریان زندگی درون این کالبدها را مورد توجه دارند، تطابق مکان و محتوا و یا ظرف و مظهر نمی‌تواند در عالی‌ترین صورت محقق گردد. به همین خاطر فهم ویژگی‌های مثبت و یا مشترک در کالبد فرهنگسراهای صاحب‌نام در تهران می‌تواند جهت نظام کالبدی بهتر و خلق معماری متناسب‌تر در نمونه‌های بعدی کمک شایانی نماید. بدین منظور پژوهش حاضر با این سؤال اصلی شکل می‌یابد که «معماری فرهنگسراهای تهران در طول ۷۰ سال گذشته، دارای چه معیارهای مشترکی از منظر روابط دیالکتیک^۱ فضایی خود بوده‌اند؟». در این راستا ساختار پژوهش نیازمند تبیین نوع پردازش کلام از منظر رابطه دیالکتیک فضایی بوده و این موضوع را در سطوح مستقل و وابسته در نمونه‌هایی منتخب پژوهش تحقیق می‌نماید.

پیشینه پژوهش

از پژوهش‌های مختلفی که در خصوص فرهنگسراها صورت

جدول ۱. سازمان‌دهی محتوایی برخی از پژوهش‌های مرتبط.

مصادیق	سال	متغیر مستقل	متغیر وابسته	متغیرهای میانجی و مداخله‌گر	روش	نتیجه
تحلیل فرآیندهای رفتاری در مراکز فرهنگی از طریق مفاهیم بیکربندی و زمان: مقایسه سه ساختمان در استانبول	۲۰۲۳ (۱۴۰۲)	کالبد و عملکرد فضاها	رفتارها و کنش‌های اجتماعی	فضاهای معماری نمونه‌های موردی در استانبول	کمی	برنامه‌دهی مناسب با نوع عملکرد مجموعه فرهنگی با گذشت زمان بر اساس زمینه رفتار کاربر و بیکربندی فضای، منعطف‌تر می‌شود.
تحلیل جامعه‌شناختی نقش فضا و معماری فرهنگسراها در توسعه پایدار فرهنگی (مطالعه موردی: فرهنگسراها شهر تهران)	۲۰۲۲ (۱۴۰۱)	فضا و معماری فرهنگسراها	پایداری اجتماعی	جامعه اجتماعی تهران	کیفی	رویدادها و عملکردهای آگاهانه در فرهنگسرا با ساختار فیزیکی و معماری آن در ارتباط محوری و ساختاری است.
تجربه کاربری از تفرجگاه معماری در مراکز هنری و فرهنگی در کالابار، ایالت کراس ریور، نیجریه	۲۰۲۲ (۱۴۰۱)	کالبد معماری	خاطرات و تعلق به مکان	فعالیت‌ها در مراکز فرهنگی	کمی	عناصر فرعی تفرجگاه معماری مثل دسترسی، عملکرد، انعطاف‌پذیری، جذابیت زیبایی‌شناختی، روایت معماری، فضاهای انتقال، مسیر حرکت عابر پیاده، ورودی سایت و زیبایی داخلی، بر حس تجربه کلی کاربر در مراکز فرهنگی تأثیر دارد.
نقش مراکز ملی و فرهنگی ازبکستان در زندگی عمومی	۲۰۲۲ (۱۴۰۱)	مکان‌یابی و توسعه کمی فضاهای فرهنگی و ملی	زندگی اجتماعی و پایداری محیطی	جامعه از یک و تنوع فرهنگی	کمی	فرهنگسرا به عنوان یک مرکز فرهنگی، زمینه ایجاد همدلی و یکدستی میان شهروندان یک جامعه چند فرهنگی و همچنین زمینه‌ساز رشد و ترقی همگانی است.
بازنمود تأثیر هندسه بر حیات‌پذیری فضاهای معماری، مورد مطالعاتی: فرهنگسراها	۲۰۱۶ (۱۳۹۴)	هندسه کالبدی	سرزندگی و دلبستگی به مکان	فعالیت‌های فرهنگی	کیفی	هندسه معقول، تأثیر معناداری بر القای حس حیات به‌ویژه از نوع معنوی آن، در فرهنگسراها دارد.
مرکز فرهنگی: معماری به عنوان سیاست فرهنگی در اروپای پس از جنگ	۲۰۱۵ (۱۳۹۳)	مکان‌یابی و توسعه کمی فضاهای فرهنگی و ملی	مدیریت شهری	جنگ و فرهنگی عمومی در اروپا	کمی	صرف‌نظر از مسائل سیاسی، سیاست فرهنگی ابزاری برای توسعه فردی و ملی است. به همین دلیل نقش فرهنگسرا نه در گستره محله بلکه در سطح ملی است.

برقراری روابط بین آن‌ها و محیطشان است (Ediae et al., 2023). هرچه به میزان اهمیت فضاهای کالبدی فرهنگسرا پرداخته شد، شاخصه‌های دیگر مرتبط با کالبد همچون هندسه فضاها مورد پژوهش قرار گرفت. نقش هندسه در تاریخ معماری ایرانی بسیار پررنگ است. جاویدمهر و هاشم‌پور در مقاله‌ای با عنوان «بازنمود تأثیر هندسه بر حیات‌پذیری فضاهای معماری، مورد مطالعاتی: فرهنگسراها» در سال ۱۳۹۷، به بررسی میزان تأثیرگذاری هندسی معماری جهت ارتقاء مفهوم حیات‌پذیری و انتقال حس سرزندگی در فرهنگسراها پرداخته‌اند. یافته‌ها در این مقاله حاکی از آن است که هندسه صحیح بر القای حس حیات به‌ویژه از نوع معنوی آن در فرهنگسراها تأثیر بسیاری دارند. در واقع اغلب حیات‌پذیری معماری فرهنگسراها

تحت عنوان «تحلیل فرآیندهای رفتاری در مراکز فرهنگی از طریق مفاهیم بیکربندی و زمان: مقایسه سه ساختمان در استانبول» و همچنین ادیبه و همکاران، در مقاله‌ای با عنوان «تجربه کاربری از تفرجگاه معماری در مراکز هنری و فرهنگی در کالابار، ایالت کراس ریور، نیجریه»، نقش نوع بیکربندی فضایی فرهنگسراها را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که فضای کالبدی فرهنگسراها و بیکربندی این مراکز، تأثیر مستقیمی بر فعالیت افراد دارد. علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی ذکر شده در این مراکز فرهنگی، ادیبه و همکاران در پژوهش خود بیان کردند که کارایی یک فرهنگسرا علاوه بر تجربه روایی یک مکان، نیازمند تجربه بصری کلی‌تری نیز است که مستلزم القای احساسات خاص در کاربران و



متأثر از معیارهای هندسی معقول همچون تناسبات مناسب، تعادل، انسجام و پیوستگی اجزا، حفظ سلسله‌مراتب و... است (جاویدمهر، هاشم‌پور، ۱۳۹۷). (جدول ۱)

به‌طورکلی پژوهش حاضر، به دلیل میزان اهمیت فضای کالبدی فرهنگسراها و میزان اثرگذاری متقابل آن بر افراد، ذیل دسته‌بندی آخر مرتبط با سنجش کالبدی فرهنگسراها است. کالبد معماری در تاریخ معماری ایرانی اهمیت ویژه‌ای دارد که نقش آن در فرهنگسراها مستعد تحقیق و پژوهش است. به همین سبب هدف این پژوهش بررسی روابط دیالکتیک فضاهای معماری و نحو فضای فرهنگسراهای شاخص تهران است. به‌طورکلی نوآوری پژوهش حاضر نسبت به فعالیت‌های انجام شده، بررسی کمی رابطه فضاها در فرهنگسراهای شاخص تهران است. از این رو ویژگی‌های مشترک فضایی، میزان تغییر فضاهای کاربری و مسیرهای ارتباطی^۵ فضاها و به‌طورکلی کالبد فضاهای معماری فرهنگسراهای تهران در این پژوهش مورد نظر بوده و به‌واسطه این امر، بررسی نقادانه شاخصه‌های مهم و روابط فضایی این مراکز از طریق قابلیت شبیه‌سازی رایانه‌ای مورد پایش و ارزیابی قرار می‌گیرند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به جهت تحلیل ابعاد کالبدی موجود در فرهنگسراهای تهران از منظر دیالکتیک فضا در محدوده احتمال یک پژوهش پس‌اثبات‌گرا بوده که به جهت معرفت‌شناسی بر ماهیت داده‌های عینی برخوردار است. همچنین از حیث هدف به لحاظ کاربرد در ارتقا هم‌پیوندی، دسترسی و اتصال فضاهای ساختمان‌های فرهنگی آتی، پژوهشی کاربردی- توسعه‌ای به شمار می‌رود. روش گردآوری پژوهش به جهت توصیف فضایی فرهنگسراهای نیم‌قرن گذشته تهران، یک پژوهش توصیفی و مطالعه موردی است که جهت سنجش کمی و تحلیل خصلت‌های فضاها با یکدیگر از ابزار تحلیل‌گر مساحت و رابطه دیالکتیک فضایی در محیط شبیه‌سازهایی همچون نرم‌افزار Autodesk Revit 2023 و DephtmapX بهره می‌برد. لازم به ذکر است انتخاب نمونه‌ها به روش غیر تصادفی و به‌صورت احتمالی وضعی شکل گرفته است. در این راستا ملاک انتخاب نمونه‌ها، ابتدا شهرت و رونق بنا در سطح مناطق تهران و سپس عدم تغییرات فضای طراحی شده پس از بهره‌برداری در سال‌های گذشته و مستندات و شواهد تعیین‌گر و زمینه‌ای در

خصوص اعتبار این مطلب در اسناد شهرداری تهران بوده است. خاطرنشان می‌گردد در این راستا سعی گردیده که بناهایی که تغییر کاربری داشته‌اند از ابتدا از نمونه‌گیری حذف گردند. لیکن به جهت عدم وجود این نوع بنا در دوره قاجار، صرفاً یکی از فرهنگسراهای شناخته‌شده تهران که از دیرباز با تغییر کاربری همراه گردیده است، منطبق با مستندات پس از بهره‌برداری در جدول نمونه‌ها وارد شده است. (جدول ۲)

در خصوص روند پژوهش، ابتدا نمونه‌ها از حیث تنوع فضا و کمیت سطحی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. داده‌های برداشت شده از جهت عملکرد در سه حالت «ارتباطی»، «فضای تهی و سراسر»^۶ و «فضای دارای کارکرد» در مطالعه میدانی و به‌واسطه مشاهدات نگارندگان تقسیم‌بندی شده و برای پردازش در محیط نرم‌افزار متن‌باز^۷ DephtmapX تعریف می‌گردد. در ادامه سنجش کمی نرم‌افزاری جهت نحو فضا به‌واسطه گنجایش سطحی، گشودگی بازشوها و عمق پیوسته در فضا، داده‌های آغازین برای تحلیل‌ها را فراهم می‌سازد.

مبانی نظری

در این بخش ابتدا توضیحاتی در باب ریشه مفهوم فضا مطرح شده است. در ادامه به تعریف دیالکتیک و شاخصه‌های آن می‌پردازیم. در نهایت با توجه به شاخصه‌های روش دیالکتیک و ابزارهای مورد استفاده در سنجش فضاها، به بررسی روابط دیالکتیک فضاها در فرهنگسراهای مورد نظر پرداخته شده است.

در تعریف فضا، نظریه‌پردازان مختلفی ترجمان‌های متفاوتی از مفهوم کلی آن را القا کرده‌اند. از جمله نظریه‌های کهن در این رابطه، نظریه ارسطو^۸ پیرامون فضا است که تبیین‌کننده این موضوع به عموم است. فضا از دیدگاه ارسطو به مجموعه‌ای از مکان‌ها اطلاق می‌گردد و به‌مثابه ظرف کل اشیاء است (ضرغامی و بهروز، ۱۳۹۴: ۲۴). تجلی کلمه فضا در معماری در اواخر قرن نوزدهم با نظریات حجم‌سنجی گوتفرد سمپ^۹ در آلمان آغاز شد و در نهایت زیگفرد گیدون^{۱۰} راه آن را به دنیای انگلیسی‌زبان گشود و از این طریق واژه فضا وارد دنیای معماری و سپس به یکی از موارد مهم مورد بحث میان معماران تبدیل گردید (ضرغامی و بهروز، ۱۳۹۴: ۸۴). لازم به ذکر است، فضا و توده، عناصر پایه تشکیل‌دهنده یک معماری بوده که نسبت میان آن‌ها بر اساس ایده‌های معماری صورت می‌پذیرد. مفهوم

جدول ۲. معرفی نمونه‌های پژوهش.

نام فرهنگسرا	دوره	طبقات	منطقه	آدرس بناها در شهر تهران
۱ اشراق (ملل)	قاجار و پهلوی دوم (احیاء)	۱	۴	تهران پارس، فلکه دوم تهران پارس، انتهای خیابان جشنواره
۲ شفق	پهلوی دوم	۲	۶	خیابان پاسداران، مقابل پارک نیاوران، فرهنگسرای نیاوران
۳ نیاوران	پهلوی دوم	۲	۱	خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی، پارک شفق
۴ نگارستان	پهلوی دوم	۳	۱۱	محله شیخ هادی، خیابان رودکی جنوبی، خیابان امام خمینی
۵ ارسباران	جمهوری اسلامی	۲	۷	بزرگراه رسالت، نزدیکی پل سیدخندان، خیابان ارسباران
۶ بهمن	جمهوری اسلامی	۲	۱۶	نازی‌آباد، خیابان وفایی
۷ خاوران	جمهوری اسلامی	۴	۱۵	خیابان خاوران، سه‌راه هاشم‌آباد

دسترسی، اتصال و... است. در ابتدا می‌بایست به تعریف روش چیدمان فضا بپردازیم. روش چیدمان فضا یا نحو فضا به زبان ساده به معنای تجزیه و تحلیل پیکره و کالبد یک فضا با استفاده از روش‌های خاصی است. به‌طور دقیق‌تر، مجموعه‌ای از ابزارهای تحلیلی، کمی و توصیفی برای تجزیه و تحلیل ساختارهای فضایی به اشکال مختلف ساختمان‌ها، شهرها، فضاهای داخلی یا مناظر است (Hillier & Hanson, 1984). هیلیر (2007). بیل هیلیر^{۱۳} پایه‌گذار روش نحو فضا بود. شاخصه مهم نحو فضا، مطالعه فرم شهری با استفاده از دستگاه‌های گسسته است، یعنی فن‌های بازگشتی به کمک رایانه مبتنی بر مولدهای اولیه مانند یک جفت سلول باز و بسته (Afonso Fernandes, 2023).

نتایج کمی و کیفی روش چیدمان فضا به شناسایی و تفسیر منطق فرهنگی اجتماعی فضا، ارزیابی و پیش‌بینی الگوهای نحوی فضای بهینه کمک می‌کند (یخچالی و همکاران، ۱۴۰۱). از این رو، این پژوهش از این توانایی برای تحلیل نقش فضاهای نیمه‌باز در افزایش عملکرد فضایی مطلوب در فضاهای سنتی و مدرن استفاده می‌کند. با استفاده از این روش، می‌توان وضعیت سوژه میان روابط فضایی یک ابرّه و اثر ابرّه بر سوژه را مورد بررسی قرار داد؛ بنابراین می‌توان گفت که رابطه میان فضاها در یک کالبد، اثر مستقیم بر رفتار انسان می‌گذارد که در گذر زمان ویژگی‌های رفتاری و اجتماعی فرد را شکل می‌دهد. یک تقسیم‌بندی واضح نیز در ادبیات مربوط به این موضوع مشهود است: یک گروه تمایل دارند از معیارهای جغرافیایی (فاصله متریک) محیط برای توضیح رفتار عابر پیاده

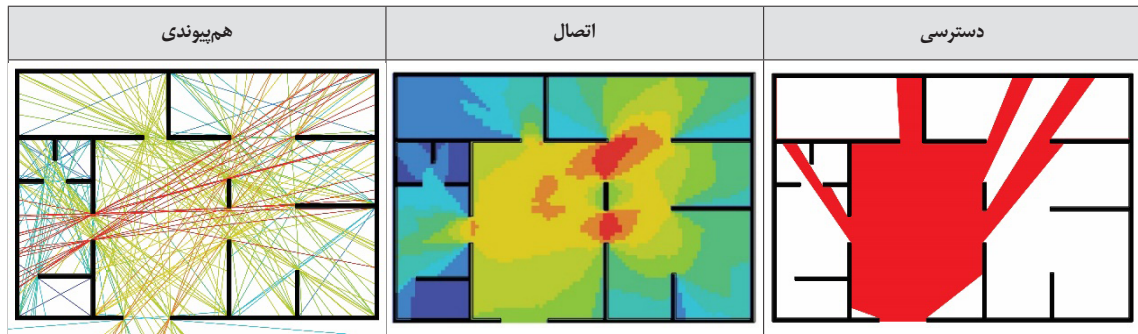
نظام توده - فضا، وابسته به ساختارهای کالبدی - ادراکی و کالبدی - عملکردی است (فلاح و شهیدی، ۱۳۹۴: ۳۴ و ۳۵). این مسئله می‌تواند کیفیت بخشی مؤثری بر فضای کالبدی در معماری محیط‌های بسته داشته باشد (Asgari et al., 2023: 53).

برای سنجش کیفیت فضاهای معماری یک بنا، روش‌های مختلفی وجود دارد. یکی از ابزارهای سنجش نوع و کیفیت فضا، استفاده از روش دیالکتیک است. دیالکتیک نظریه‌ای است که ادعا می‌کند چیزی یا به‌طور مثال، تفکر انسانی، به‌گونه‌ای توسعه می‌یابد که با اصطلاح سه‌گانه دیالکتیک مشخص می‌شود: تز، ضد تز، سنتز (Popper, 1940: 2). در واقع می‌توان گفت که دیالکتیک یک روش استدلالی است که هدف آن درک ماهیت چیزهاست، اما این استدلال هیچ چیز را ثابت ندانسته و تلاش می‌کند ماهیت همه چیز را در حالت حرکت، تغییر، رابطه جز به کل و بلعکس و همچنین اثرات اجزا بر یکدیگر، در یک وحدت را مورد پژوهش قرار دهد. افراد معتقد بر مباحثه بر پایه خردگرایی و فلسفه^{۱۱} باور دارند که عناصر حیات از درون یکدیگر سر برمی‌آورند؛ یعنی تقابل میان اجزای مختلف یک کل، باعث ایجاد کنش بین عناصر مختلف می‌شود، سپس کنش، متقابلاً نوبی تقابل را ایجاد می‌نماید که این امر به تحول منجر می‌شود که مفهوم برایش است (پرتو و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۱).

تحلیل ساختار هر پیکره‌بندی فضایی در روش نحو فضا با استفاده از شاخص‌هایی توسط ترسیمات^{۱۲} رؤیت پذیری (خوانایی)، انجام می‌گیرد که شامل موارد متفاوتی همچون



جدول ۳. ترسیمات مرتبط با روش نحو فضا.



نسبی یک فضا به فضای دیگر است. این شاخص نشان‌دهنده میزان سهولت رسیدن از مبدأ به مقصد است. دسترسی به عنوان یکی از شاخص‌های تحلیل فضایی، نقشی حیاتی برای سوژه، به‌منظور به حداکثر رساندن قابلیت استفاده از فضاهای تعبیه شده به هنگام مکان‌یابی فضاهای مختلف یا امکانات رفاهی موجود در بستر کالبد، ایفا می‌کند (Abubakar & Aina, 2006).

در تحقیق پیش رو، علاوه بر روش چیدمان فضا، برای تحلیل فضاهای داخلی از روش آیزووایست^{۱۴} استفاده شده است تا جنبه‌های بصری فضاهای داخلی نیز از دید ناظر در گستره چیدمان فضا مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس کار تاندی^{۱۵} و بر پایه نظریه ادراک بصری گیسیون^{۱۶}، بندیکت^{۱۷} تلاش کرد تا به تجربه و نحوه درک فضا ساختار بدهد. بندیکت با ابداع این ساختار با عنوان الگوهای دید خاص مکان یا چندضلعی‌های دید با عنوان آیزووایست، میزان درک سوژه از ایزه را مورد سنجش قرار می‌دهد. او در واقع میزان ادراک محیطی را از طریق مسیری مشخص می‌کند که فرد در آن اطلاعات متفاوتی را درباره محیط دریافت می‌کند. اطلاعات از نقاطی که در طول مسیر واقع شده‌اند مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (Ossmann et al., 2019). در واقع حرکت در فضا، فعل و انفعال بین آیزووایست‌های در حال تغییر (چندضلعی‌های دید) یک توصیف تجربی را کامل می‌کند و اطلاعاتی را ارائه می‌دهد (Ossmann et al., 2019). آیزووایست یکی از دو نمایش ساختار فضا به همراه بانمایی فضایی-پوششی است (Harris & Jenkin, 2011). تحلیل و سنجش آیزووایست دارای زیرشاخه‌های متعددی شامل؛ فشرده‌گی^{۱۸}، زاویه رانش^{۱۹}، نسبت لبه‌ها^{۲۰} و... است. در تحقیق پیش رو از شاخص مساحت^{۲۱} استفاده شده است.

استفاده کنند. گروه دیگر از معیارهای نحوی (فاصله بصری) استفاده می‌کنند (Sharmin & Kamruzzaman, 2017). چیدمان فضا شامل بخش‌های مختلفی همچون؛ هم‌پیوندی، دسترسی، اتصال و... است که هر یک از این بخش‌های شامل زیرشاخه‌های متفاوت هستند. در پژوهش ذکر شده سه عامل هم‌پیوندی، دسترسی و اتصال مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به تعاریف هر یک از این شاخص‌ها می‌پردازیم. همچنین در ادامه بحث، گراف‌هایی در جدول به عنوان نمونه‌های تصویری هر یک از شاخص‌های چیدمان فضا آورده شده است.

هم‌پیوندی: این ویژگی به عنوان معیار کلیدی مفهوم نحو فضا برای شرح رفتار سوژه در نظر گرفته می‌شود (Helbitch et al., 2016; Hillier et al., 2016; Koohsari et al., 2016; Mansouri & ujang, 2019). این نشان می‌دهد که یک خیابان معین چقدر به همه خیابان‌های دیگر نزدیک است. هم‌پیوندی دارای انواع مختلفی همچون زاویه‌ای؛ زاویه دید ناظر به فضا و کالبد، متریک؛ فاصله متریک بین دونقطه میانی دو بخش مجاور (Hillier, 2009).

ارتباط / اتصال: این قابلیت، تعداد پیوندهای فضاهای مجاور را که مستقیماً به یک فضای دیگر معین متصل هستند، اندازه‌گیری می‌کند (Hillier et al., 1984). در طول کاوش یک موزه، بازدیدکنندگان به‌طور قابل توجهی از نمایشگاه‌های مستقلی که ارتباط بصری بالاتر و میانگین عمق کمتری داشتند، استقبال بیشتر و نسبت به آثار نمایش داده شده آگاهی بیشتری داشتند (Peponis, Dalton R C, Wineman, Dal- ton N, 2004).


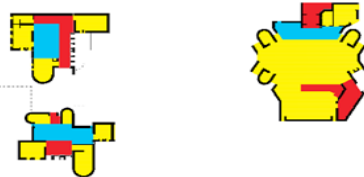
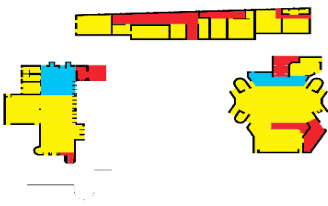


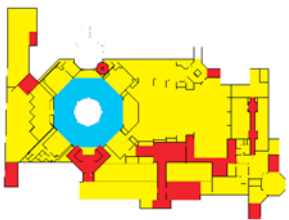
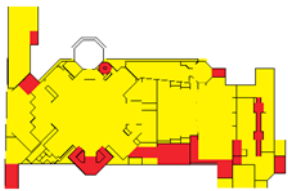
دسترسی: این مورد به معنای میزان فاصله یا نزدیک بودن

تحلیل یافته

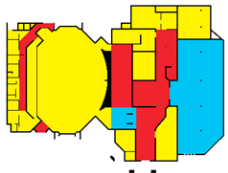
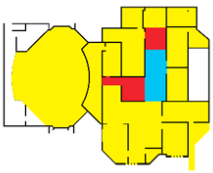


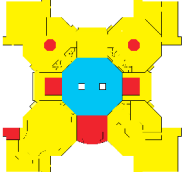




(جدول ۴) تعریف گردید. همان‌گونه که در «جدول ۵» مشخص شده، فضاهای غیر عملکردی در فرهنگسراها حدود ۱۷/۴ درصد مساحت آن‌ها را در بر گرفته که نمایانگر تنوع کالبدی از حیث روابط فضایی در این ابنیه است. برای درک بهتر این موضوع می‌توان نحو فضاها را بررسی نمود. نحو فضاها در بناهایی که از رابطه خطی و سلسله‌مراتبی متقارنی برخوردار هستند، نسبت به بناهایی که فضاهای غیر عملکردی بیشتری دارند، منظم‌تر است. برای فهم موضوع گفته شده در خصوص نحو فضاها، روابط آن‌ها در نمودارهای «جدول ۶» ترسیم گردیده که می‌تواند معرف خوبی در جهت توصیف الگوهای فضایی و تعامل آن‌ها باشد.

همان‌گونه که در بخش روش تحقیق شرح داده شد، برای درک صحیح‌تر روابط دیالکتیک فضاها، ابتدا عملکرد فضاها به دلیل تأثیرگذاری محتوایی بر روی پلان‌های مورد بحث مورد تحقیق قرار گرفت. در این راستا فضاهای دارای عملکرد (همچون فضاهای خدماتی، اداری، تفریحی و...)، فضاهای ارتباطی (مسیرهای ارتباطی افقی مانند راهرو و همچنین راه‌های ارتباطی عمودی مانند پله و آسانسور) و سراسراها و فضاهای تهی (سراسراها، ورودی‌ها و فضاهای تقسیم و استراحت)، با سه رنگ مجزا در محیط نرم‌افزاری Autodesk Revit به شکل سه زون متفاوت

جدول ۴. نقشه‌های معرف نوع فضاها در نمونه‌های موردی پژوهش.

پلان همکف	پلان‌های نمونه از سایر طبقات	نام فرهنگسرا	
	-	اشراق (ملل)	۱
		شفق	۲
		نیاوران	۳
		نگارستان	۴

ادامه جدول ۴. نقشه‌های معرف نوع فضاها در نمونه‌های مورد ی پژوهش.

پلان همکف	پلان‌های نمونه از سایر طبقات	نام فرهنگسرا	
		ارسیاران	۵
		بهمن	۶
		خاوران	۷
راهنما:  فضای دارای عملکرد  فضای ارتباطی  سرسرا و فضاهای تهی			

جدول ۵. جدول مساحت فضای فرهنگسراها.

مساحت کل (m ²)	فضای غیر عملکردی				فضای دارای عملکرد (m ²)	نام فرهنگسرا	
	سرسرا		فضای ارتباطی				
	مساحت (m ²)	تعداد	مساحت (m ²)	تعداد			
۳۶۵۹	۳۱۱	۳	۲۹۱	۱۱	۳۰۵۶	اشراق (ملل)	۱
۸۱۲	۹۶	۷	۱۳۴	۱۳	۵۸۲	شفیق	۲
۳۱۳۸	۱۴۸	۵	۶۰۵	۲۳	۲۳۸۵	نیاوران	۳
۱۳۷۱۰	۴۶۹	۱	۱۹۱۴	۵۲	۱۱۳۲۷	نگارستان	۴
۱۷۵۸	۲۵۳	۳	۲۳۷	۸	۱۲۶۸	ارسیاران	۵
۱۵۰۱۱	۵۷۶	۱۱	۵۶۹	۴۵	۱۳۸۶۶	بهمن	۶
۳۹۷۷۹	۵۷۷۸	۱۳	۲۲۳۵	۲۶	۳۱۷۶۶	خاوران	۷
۷۷۸۶۷	۷۶۳۱		۵۹۸۵		۶۴۲۵۰	جمع کل	
۱۰۰	۹/۸		۷/۶		۸۲/۵	درصد فراوانی	

جدول ۶. جدول نحو فضای معماری فرهنگسراها.

نام فرهنگسرا	نحو فضاها (اشکوب اصلی)
۱ اشراق (ملل)	<p>۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰</p>
۲ شفق	<p>۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰</p>
۳ نیاوران	<p>۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰</p>

ادامه جدول ۶. جدول نحو فضای معماری فرهنگسراها.

نام فرهنگسرا	نحو فضاها (اشکوب اصلی)
۴ نگارستان	<p>۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰</p>
۵ ارسباران	<p>۴ ۳ ۲ ۱ ۰</p>
۶ بهمن	<p>۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰</p>
۷ خاوران	<p>۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰</p>

عنایت به نحو فضاها نامتقارن و سهم بالای فضاهای غیر عملکردی تحلیل رابطه فضایی و دیالکتیک اهمیت دوچندان می‌گیرد. در این راستا هر یک از فضاها با در نظر گرفتن جداره‌های کالبدی و سطوح بازشوی پیرامونی و همچنین تعامل با سایت در مدل‌سازی تحلیلی نرم‌افزار depthmapX وارد می‌شوند. چنانچه در بخش میانی نظری پژوهش به تفصیل اشاره شده، شاخص‌های دسترسی، اتصال و هم‌پیوندی در نمونه‌های مورد ی در «جدول ۷» به صورت گرافیکی ارائه شده است. در «جدول ۸» به مقایسه میزان هم‌پیوندی، دسترسی و اتصال فرهنگسراها با یکدیگر پرداخته شده است که مقدار هر یک از این شاخص‌ها بین بازه «کم»، «متوسط» و «زیاد» بیان شده است. همچنین در ادامه عوامل مؤثر بر هر یک از شاخص‌ها مورد کنکاش قرار خواهند گرفت.

با توجه به جدول‌های ۴ تا ۷، می‌توان دریافت که عوامل مختلفی باعث افزایش یا کاهش هر یک از شاخص‌های ذکر شده در «جدول ۸» شده‌اند. به‌طورمثال با مقایسه بین فرهنگسرای نیاوران به عنوان پویاترین و فرهنگسرای شفق به عنوان کم‌ترین میزان پویایی به لحاظ دیالکتیک فضایی میان نمونه‌های موردی ذکر شده، می‌توان دریافت که تمایز معماری بین این دو مرکز فرهنگی در تعامل پیچیده عوامل فیزیکی، هندسی و پدیدار شناختی نهفته است که به پویایی فضاهای داخلی در یک مرکز و فقدان آن در مرکز دیگر کمک می‌کند. مثال نخست، فرهنگسرای نیاوران می‌تواند با طراحی خلاقانه خود، سازمان‌دهی و فرم فضایی را به‌طور یکپارچه ادغام و در نتیجه محیطی ایجاد کند که مشارکت و تعامل مخاطب را تشویق نماید. در مقابل، چیدمان کمتر پویا فرهنگسرای شفق

جدول ۷. تصاویر گرافیکی چیدمان فضا مرتبط با نمونه‌های موردی.

نام فرهنگسرا	هم پیوندی	دسترسی	اتصال
۱ اشراق (ملل)			
۲ شفق			
۳ نیاوران			
۴ نگارستان			
۵ ارسباران			
۶ بهمن			
۷ خاوران			

جدول ۸. ویژگی‌های مورد مقایسه نمونه‌های موردی.

نام فرهنگسرا	هم پیوندی	دسترسی	اتصال
۱ اشراق (ملل)	متوسط	زیاد	کم
۲ شفق	کم	متوسط	کم
۳ نیاوران	زیاد	زیاد	زیاد
۴ نگارستان	متوسط	کم	کم
۵ ارسباران	متوسط	کم	متوسط
۶ بهمن	کم	زیاد	کم
۷ خاوران	زیاد	زیاد	زیاد

نمی‌تواند بازدیدکنندگان را مجذوب خود کند و باعث می‌شود که آن‌ها حداقل زمان خود را در محدوده آن سپری کنند. این تفاوت در تجربه فضایی گواهی بر تأثیر عمیق اصول معماری بر فضای کلی و عملکرد فضاهای فرهنگی است.

معماری فرهنگسراهای تهران به‌مانند سایر بناهای وارداتی عصر روشنگری و زندگی مدرن، با توجه به عدم وجود پیشینه کالبدی یکسان در بستری از تفکرات معمارانه و تعابیر از عملکرد جدید محقق گردیده است. اقدامات مشابه در طراحی فضای دیالکتیک این نوع ابنیه نمایانگر نوعی تلاش برای محقق نمودن فضاهای منعطف و متصل است که بتواند در عین تطابق‌یابی با اتفاقات متنوع در یک بستر نرم، کارایی مناسبی در جهت معرفی فضاهای مجاور برای کاربران به همراه داشته باشد.

جدول ۹. کمیت دیالکتیک فضایی مرتبط با نمونه‌های موردی.

نام فرهنگسرا	هم پیوندی (واحد)			دسترسی (واحد)			اتصال (واحد)		
	حداکثر	میانگین	حداقل	حداکثر	میانگین	حداقل	حداکثر	میانگین	حداقل
۱ اشراق (ملل)	۹	۵	۲	۳۵۱	۱۸۲	۲۴	۱۸۶۳	۶۰۰	۰
۲ شفق	۸٫۵۰	۵	۳	۲۶۲	۱۴۷	۹۰	۹۷۲	۲۹۶	۶
۳ نیاوران	۸	۴٫۵۰	۲	۴۷۵	۲۹۲	۹۴	۸۸۸	۳۳۷	۰
۴ نگارستان	۷	۴	۲	۶۰۲	۲۲۷	۳۲	۲۲۸۹	۷۳۰	۰
۵ ارسباران	۷٫۸۰	۴٫۵۰	۱٫۶۰	۲۰۹	۹۹	۳۰	۲۵۶۹	۸۹۶	۰
۶ بهمن	۵٫۵۰	۳٫۵۰	۱٫۱۰	۸۴۱	۱۶۶	۹٫۵	۴۱۶۲	۱۴۱۲	۰
۷ خاوران	۱۲٫۷۰	۶٫۷۰	۲٫۲۰	۲۳۲	۹۲	۰٫۱۰	۱۹۱۹	۷۲۲	۰
میانگین	۸٫۳۵	۴٫۷۵	۱٫۹۸	۴۲۴٫۵۰	۱۷۲٫۱۰	۴۰	۲۰۹۴٫۵۰	۷۱۳٫۳۰	۰٫۸۵

نتیجه‌گیری

تنوع چینی در نحو فضا و دسترسی بخشیدن به اجزای مختلف بنا، مانع از پیدایش هم پیوندی، در صورت جداره سازی مؤثر و خلاقانه نمی‌گردد. همچنین خاطرنشان می‌گردد که در فضا سازی فرهنگسراها، همان‌گونه که در «جدول ۵» استنباط گردید، فضاهای تهی می‌توانند کمک‌های شایانی جهت پیدایش هم پیوندی داشته باشند. این امر می‌تواند برای کاربران این فضاها که به‌واسطه تمایل بر حضور در یک نوع فضا در این مجموعه حضور یافته‌اند، عنصری مؤثر در معرفی اندیشه‌های

آنچه از بررسی فضای معماری فرهنگسراهای شناخته‌شده تهران به‌واسطه تحلیل دیالکتیک فضایی در راستای پژوهش حاضر استنباط می‌شود، وجود هم پیوندی همگن در فضاهای این ابنیه است. این موضوع در مقایسه با مقادیر متنوع دسترسی و اتصال فضایی در «جدول ۹» اشاره به پیوند عملکردها و شناخته شدن کارکردهای هر فضا به‌واسطه رؤیت پذیری و انعطاف فضاها دارا است. درواقع در بدنه فرهنگسراهای کشور،



طراحی شده توسط معماران به‌طور پیچیده‌ای با روابط دیالکتیکی مربوط به افزایش حضور انسان درهم‌آمیخته است. از عوامل مؤثر بر این تعامل می‌توان به سازمان‌دهی فضایی، عرصه بندی عملکردی، جذابیت زیبایی‌شناختی و مصالح شفاف بکار رفته اشاره نمود. قرار دادن راهبردی اجزاء مانند دیوارهای ثابت، متحرک و فضاهای باز، بر کاربرد کلی، کارایی و واکنش احساسی در فضاهای معماری تأثیر می‌گذارند.

درعین‌حال، راه‌حل‌های هندسی و پدیدار شناختی نیز می‌توانند بر تقویت این موضوع کمک شایانی داشته باشند. این موضوعات می‌توانند در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرند. به‌طورمثال روابط دیالکتیکی فضایی در معماری به روابط محوری، شعاعی، مورب و همپوشانی طبقه‌بندی می‌شوند. روابط محوری تقارن و تعادل را در ساختارهای تاریخی ایجاد می‌کنند، درحالی‌که روابط شعاعی همگرایی را در فضاهای عمومی ایجاد می‌شود. روابط مورب به جذابیت بصری و حرکت سیال می‌افزایند و روابط همپوشانی عمق و پیچیدگی را در طراحی‌های معاصر ایجاد نمود که همگی باعث افزایش حضور و تجربیات فضایی می‌شوند. راه‌حل‌های پدیدار شناختی نیز در معماری بر برنامهٔ عملکردی بنا تمرکز می‌کنند که آگاهی، تعامل و ارتباط بین ساکنان را بهبود می‌بخشد. این راهبردها اغلب شامل دست‌کاری عناصری مانند نور، رنگ، بافت و فرم برای برانگیختن احساسات و تجربیات است. معماران می‌توانند از سازمان‌دهی فضایی، طراحی بر پایه طبیعت‌گرایی^{۳۳} و زمینه‌های فرهنگی برای ایجاد فضاهایی که رفاه، تعلق و عملکرد شناختی را افزایش می‌دهند، استفاده کنند.

لازم به ذکر است که فرهنگسراهای مورد توجه پژوهش در بازهٔ زمانی ۷۰سالهٔ اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ اما نمونه‌های موردی انتخابی عموماً از نمونه‌های موفق و کارآمد به‌واسطه معرفی الگوی پیشرو در جریان پژوهش بوده‌اند. لیکن پژوهشگران آتی می‌توانند ضمن تحقیق در خصوص روند کاهش هم‌پیوندی یا افزایش آن در ابنیه مشابه معاصر، پژوهش‌هایی در خصوص هم‌بستگی احتمالی متغیرهایی همچون روابط دیالکتیک فضا و رونق عملکردی بناهای مربوطه داشته باشند.

اصلی تحقق فرهنگسرا در دنیای معاصر و پیدایش تحولات فرهنگی نظام‌مند در جریان اثر باشد.

تأثیر متقابل بین پیکربندی‌های فضایی و پویایی‌های پیوندی در مراکز فرهنگی به‌طور قابل توجهی بر الگوهای رفتاری کاربران آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این رابطهٔ پیچیده را می‌توان از طریق بررسی تقاطع‌های چندوجهی بین طراحی معماری، روانشناسی انسان و زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی روشن کرد. سازمان‌دهی فضایی فرهنگسراها با احتساب عواملی چون چیدمان، جریان و مجاورت پهنه‌های مختلف، تأثیر عمیقی بر ادراکات، تجربیات و تعاملات کاربران در این محیط‌ها دارد.

در زمینه مراکز فرهنگی، مفهوم ارتباط فضایی به‌میزانی اشاره دارد که عرصه‌های مختلف درون بنا، چه از لحاظ فیزیکی و چه از لحاظ بصری، به هم مرتبط هستند. این اتصال می‌تواند حس وحدت و انسجام را تقویت کند و کاربران را تشویق به کاوش و تعامل با پیشنهاد‌های متنوع نماید، درنتیجه درک جامع از تجربیات فرهنگی ارائه‌شده را ترویج می‌کند. برعکس، پیکربندی‌های فضایی از هم‌گسیخته یا تکه‌تکه ممکن است مانع از مسیریابی ساده و مانع از توانایی کاربران برای غوطه‌ور شدن کامل خود در ارائه‌های فرهنگی شود. ابعاد روان‌شناختی این رابطه به‌همان اندازه قابل توجه است، زیرا رفتار کاربران اغلب بر اساس ادراک ذهنی آن‌ها از فضاهایی که در آن زندگی می‌کنند شکل می‌گیرد. عواملی مانند حفظ حریم خصوصی، راحتی و جذابیت زیبایی‌شناختی همگی می‌توانند بر تمایل کاربران به شرکت در فعالیت‌های مختلف در مرکز فرهنگی تأثیر بگذارند. علاوه‌براین، زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی که مراکز فرهنگی در آن فعالیت می‌کنند، نقش مهمی در شکل‌دهی رفتار کاربر دارند. به‌دیگر سخن، رابطه بین فضاها و ارتباط آن‌ها در مراکز فرهنگی تأثیر چندوجهی بر رفتار کاربر دارد که شامل طراحی معماری، روانشناسی انسانی و زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی می‌شود. با درک و بهینه‌سازی این عوامل، مراکز فرهنگی می‌توانند محیطی ایجاد کنند که تعامل معنادار، قدردانی و یادگیری را در بین بازدیدکنندگان خود تقویت کند و درنهایت به اهداف گسترده‌تر حفظ و اشاعه فرهنگی کمک کند. در زمینه طراحی معماری، راه‌حل‌های کالبدی و فضایی

پی‌نوشت‌ها

1. The Dialectic of Space

۲. معادل این واژه در فارسی که در منابع معاصر استفاده ن شده است، پیکار یا سگالش است. در ادبیات دیالکتیک یکی از روش‌های فلسفه و نظریه‌ای درباره‌ی سرشت منطق است

(معین، ۱۳۸۲).

۳. قدمت پیدایش اولین فرهنگسرا در ایران که حدوداً ۷۰ سال است.

- | | | | |
|------------------------------|----------------------------------|---------------------------------|------------------|
| 4. Space Syntax | 9. Gottfried Semper (1803-1879) | 14. Isovist | 19. Drift Angle |
| 5. Circulation | 10. Sigfried Giedion (1888-1968) | 15. Walter Tandy (1907-1967) | 20. Occlusivity |
| 6. Lobby | 11. Dialecticians | 16. James J. Gibson (1904-1979) | 21. Isovist Area |
| 7. Open-Source software | 12. Drwaings | 17. M L Benedikt | 22. Biophilic |
| 8. Aristotle (384 BC-322 BC) | 13. Bill Hillier (1937-2019) | 18. Compactness | |

فهرست منابع

- علوم انسانی، ۷ (۲ پیاپی ۲۶)، ۸۱-۹۹.
- فلاح، محمدصادق و شهیدی، صمد (۱۳۹۴). نقش مفهوم توده - فضا در تبیین مکان معماری، *باغ نظر*، ۱۲ (۳۵)، ۲۷-۳۸.
- محمدی سالک، مریم؛ عسگری، علی (۱۴۰۱). عوامل مؤثر در تحقق پذیری مکان سوم در فضاهای غیررسمی و اجتماع پذیر شهری؛ (نمونه موردی: فضاهای نشستن غیررسمی درون مجتمع‌های فرهنگی و تجاری تهران)، *توسعه پایدار شهری*، ۳ (۷)، ۸۵-۹۹. Doi: 10.22034/Usd.2022.698441
- مشبکی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۲). *اصول برنامه ریزی و طراحی معماری بناهای فرهنگی (فرهنگسراها)*، تهران: انتشارات اول و آخر.
- معین، محمد (۱۳۸۲). *فرهنگ معین*، چاپ سوم، تهران: نشر زرین.
- نظام آبادی، مریم (۱۳۸۶). کافی شاپ نشینی در میان زنان جوان تهرانی، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- یخچالی، صفورا؛ صحرا گرد منفرد، ندا سادات؛ یزدانفر، سید عباس (۱۴۰۱). بررسی روند تغییرات شاخص‌های نحو فضا برای فضاهای نیمه‌باز و تأثیر آن در راندمان عملکردی مسکن (خانه‌های سنتی و مدرن اصفهان)، *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۱۵ (۴۱)، ۱۸۱-۱۹۶. Doi: 10.22034/Aud.2021.285033.2479
- Abubakar, I.R. & Aina, Y.A. (2006). GIS and space syntax: An analysis of accessibility to urban green areas in Doha district of Dammam Metropolitan Area, *Saudi Arabia. Proceedings of Map Middle East Conference, Dubai, UAE*, March 26-29.
- Asgari, A., Fadaee Mehrabani, V., & Fathi, R. (2022). The Growth of Empty Space in the Architectural Anatomy of Tehran Houses (From Late Qajar Period to the Beginning of the Islamic Republic). *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 10(38), 41-54. doi: 10.22034/jaco.2022.366244.1268.
- Bayram, Ç, & Ünlü, A. (2023). Analysis Of Behavioural Processes in Cultural Centres Through Concepts of Configuration and Time: A Three Building Comparison in Istanbul. *A/Z Itu Journal of The Faculty of Architecture*, X-X. Doi: 10.58278/0.2023.19
- Cupers, K. (2015). The Cultural Center: Architecture As Cultural Policy in Postwar Europe. *Journal of the Society of Architectural Historians*, 74(4), 464-484. Doi:10.1525/Jsah.2015.74.4.464
- Ediae, O.J., Abeng, F. J., & Egbudom, J.C. (2023). User Experience of Architectural Promenade in Art and Cultural Centres in Calabar, Crossriver State, Nigeria. *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, 1054(1), 1-18. Doi: 10.1088/1755-1315/1054/1/012029
- Fernandes, P. A. (2023). Space Syntax with Logic Programming: An Application to A Modern Estate. *Urban Science*. 7(3), 78. Doi: 10.3390/Urbansci7030078
- Harris, L. R., & Jenkin, M. R. M. (2011). Vision in 3D environments. *Cambridge University Press*.
- Hillier, B. (2009). Spatial Sustainability in Cities: Organic Patterns and Sustainable Forms. *Proceedings Of The 7th International Space Syntax Symposium*. (1).
- Hillier, B., & Hanson, J. (1984). *The Social Logic of Space*. Cambridge, New York: Cambridge University Press. Doi: 10.1017/CBO9780511597237



- Koohsari, M. J., Oka, K., Owen, N., & Sugiyama, T. (2016). Natural Movement: A Space Syntax Theory Linking Urban Form and Function with Walking for Transport. *Health & Place*, X (58). Doi: 10.1016/J.Healthplace.2019.01.002.
- Mansouri, M., & Ujang, N. (2016). Tourist' Expectation and Satisfaction Towards Pedestrian Networks in The Historical District Of Kuala Lumpur, Malaysia, *Asian Geographer*, 33(1), 35-55, Doi: 10.1080/10225706.2016.1185639
- Ossmann, M., Bafna, S., Zimring, C., & Murphy, D. (2019). Isovist Connectivity: Measuring the Potential for Concurrent Targeted Surveillance and General Awareness. *Conference: 12th International Space Syntax Symposium At: Beijing, China*, 12(241).
- Peponis, J., Dalton, R. C., Wineman, J., & Dalton, N. (2004). Measuring the Effects of Layout upon Visitors' Spatial Behaviors in Open Plan Exhibition Settings. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 31(3), 453-473. Doi: 10.1068/b3041
- Popper, K. R. (1940). What Is Dialectic? *Oxford University Press*, 49(196), 403-426. Doi: 10.1093/Mind/Xlix.194.403
- Ruzimuratovna, O.N. (2022). Role Of National and Cultural Centers of Uzbekistan in Public Life. *International Journal of Research in Commerce, It, Engineering and Social Sciences*, 16(5), 73-75. Sciences Issn: 2349-7793 Impact Factor: 6.876.
- Sharmin, S., & Kamruzzaman, M. (2017). Meta-Analysis of The Relationships Between Space Syntax Measures and Pedestrian Movement. *Transport Reviews*. 38(4), 524- 550. Doi:10.1080/01441647.2017.1365101.

بررسی شیوه‌های ساخت و پایداری سازه‌های گنبدی و طاقی با مصالح پایدار در معماری دوره ساسانی (نمونه موردی: آتشکده سیاهگل ایوان)

منصور منصوری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲-۰۷-۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲-۱۱-۲۸

DOI: 10.22034/RAU.2024.2012486.1066

چکیده

معماران ایرانی طی قرن‌های متمادی توانسته‌اند شاهکارهای باشکوهی از آثار معماری را خلق کنند. یکی از مهم‌ترین بخش‌های سازه‌ای بنا در معماری بومی ایران که بر شکل‌گیری و ماندگاری اثر معماری تأثیر بسزایی دارد، پوشش‌ها به‌ویژه گنبدها و طاق‌ها است. از نکات برجسته‌ای که در مورد فرم‌های ساختمانی گنبدی باید به آن اشاره نمود خاصیت ایستایی این نوع ساختارهای سنتی است. معماران ساسانی توانایی بسیاری در برپایی پوشش‌های طاق و گنبد بر زیربنای چهارگوش داشتند و شیوه آنها در برپایی گنبد در مناطق مختلفی گسترش و تداوم یافت. همچنین تأثیر مذهب در معماری این دوره و وجود آیین زرتشتی سبب ایجاد آتشکده‌های گوناگونی شده است. یکی از مسائل مهم در بنای طاق‌ها و گنبدها شیوه ساخت و نحوه پایداری سازه‌ای این بناها است. در این پژوهش آتشکده سیاهگل در شهرستان ایوان واقع در استان ایلام، به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش با هدف بررسی و علل شناخت پایداری سازه‌ای و نحوه ساخت چهارطاقی و گنبد در دوره ساسانی با استفاده از منابع و اسناد کتابخانه‌ای و همچنین با تکیه بر روش کیفی و مطالعات میدانی صورت گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از مصالح پایدار از قبیل سنگ، آهک، گچ و ملات ساروج، همچنین شیوه‌های ساخت چهارطاقی و استفاده از رواق در اطراف گنبد و انتقال نیرو بر روی چهار پایه از جمله دلایل پایداری سازه‌ای در آتشکده سیاهگل است.

کلمات کلیدی: مصالح پایدار، گنبد، طاق، معماری ساسانی، آتشکده سیاهگل.

۱. گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.



۱. مقدمه

هندسه به عنوان زبان مشترک بین معماری و سازه است، تا بتوان دیالکتیکی مناسب فی‌مابین ایجاد گردد. بهره‌گیری از علم هندسه در پیمایش همساز میان فرم، ایستایی و تناسب به عنوان اصلی جاری در تعامل سازه و معماری سنتی ایران همواره برقرار بوده است (مردمی، سهیلی فرد و آقاعیزی، ۱۳۹۴: ۶۵).

گنبد و طاق در بناهای ایران باستان از جنبه‌های مختلف مانند نحوه ساخت، تفاوت فرم، سیستم سازه‌ای و فرآیندی که برای اجرای آن‌ها طی شده قابل بررسی است. اما در این پژوهش هدف از بررسی گنبد و طاق شناخت شیوه‌های ساخت، مقاومت و پایداری سازه‌ای و نحوه ایستایی آن‌ها است.

۲. تعاریف و مبانی نظری

۱. مفهوم چهارطاقی

چهارطاقی به معنای گونه‌ای بنا، نوعی خیمه، نوعی کلاه و به عنوان اسامی علم (نام چند روستا) به کار می‌رود و معانی کنایی نیز از آن برداشت می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵). لغت‌نامه‌ها بنای چهارطاقی را این‌چنین تعریف کرده‌اند:

قبه و گنبدی که بر چهار پایه و ستون استوار شود و از هر جانب طاقی هلالی دارد و هر یک از طاق‌های چهارگانه بر دو پایه و ستون نهاده شود و سقف و گنبد بر این پایه‌ها و طاق‌ها قرار گیرد (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۵۹). سقف یا گنبدی که بر روی چهار پایه بنا شده و چهار طرف آن باز باشد (معین، ۱۳۶۳: ۱۰۷).

۲. نظریات و اندیشه‌ها

معماری ساسانی هرچند تا حدودی تداوم معماری دوره اشکانی به شمار می‌رود، اما در معماری ساسانی است که شیوه پارتی شکل کامل و مستقلی به خود می‌گیرد. معماری ساسانی شیوه‌ای مستقل، متمایز با طرح‌ها، اجزا، عناصر و مصالح مختص به خود است. بناهای به‌جامانده از این دوره عمدتاً در دو گونه کاخ‌ها و بناهای مذهبی قرار گرفته و پل‌ها و قلعه‌ها در رتبه بعدی قرار می‌گیرند و مدارک نشان می‌دهد بیشتر توان معماری این دوره به ساخت بنای کاخ‌ها و آتشکده‌ها اختصاص یافته است (ابوبی مهریزی، ۱۳۹۳: ۷۲). علی‌رغم حیات طولانی مدت سلسله ساسانی، آثار معماری زیادی از این دوره برجای نمانده است؛ لذا مشکلاتی در مطالعه سبک‌شناسی، تاریخ‌گذاری و جنبه‌های مختلف معماری این دوره وجود دارد (Reuther, 1939: 499).

دوران ساسانی برای ایرانیان جایگاه ویژه‌ای دارد و تحلیل‌های گوناگونی درباره ساختار آن ارائه شده است. امپراطوری ساسانی در آغاز اعلام دین زرتشت به عنوان دین رسمی خویش، آتشکده‌های زرتشتی را چون تکیه‌گاهی پایدار جهت فرمانروایی خود یافتند. در دین زرتشتی چهار عنصر حیاتی (آب، آتش، باد، خاک) مقدس شمرده می‌شود و آلوده کردن آنها گناه شمرده می‌شود. در این میان به آتش از همه بیشتر اهمیت داده می‌شده، زیرا به‌جز جنبه پاک و مقدس بودن از نور و گرمای آن بهره می‌برده‌اند (دریایی، ۱۳۸۸: ۷۴). سلسله ساسانی، نخستین سلسله در تاریخ ایران باستان است که دین زرتشتی را در دولت خود به رسمیت شناخت و دولتی مذهبی را پایه‌گذاری کرد. مذهب زرتشتی تأثیر خاصی بر هنر و معماری دوران ساسانی داشته است؛ در دوران ساسانیان، علاوه بر احداث آتشکده‌های مهم و بزرگ، چهارطاقی‌های فراوانی نیز ساخته شده که در آن‌ها مراسم مذهبی برپا می‌گردید. در متون تاریخی به‌جامانده از این دوره، از جمله کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت، کتیبه‌های مهرپرستی و کتیبه‌های کرتیر (اکبرزاده و طاووسی، ۱۳۸۵: ۱۲)، به‌کرات به اخبار و یا دستور ساخت چهارطاقی‌ها توسط فرمانروایان و یا مقامات برخورد می‌کنیم، که نشانگر جایگاه مهم ساخت آتشکده و بناهای عام‌المنفعه است (دریایی، ۱۳۸۸: ۸۱).

ایرانیان از گذشته گنبد را در بناها به عنوان نماد آسمان و راهی برای اتصال بین زمین و خداوند تلقی و به کار می‌بردند و حتی اولین اقوامی می‌باشند که در ترقی و ساخت این عنصر بر زمینه چهارگوش راه‌های خلاقانه ارائه نموده‌اند و در بناهایی مانند مساجد و آرامگاه‌ها به فراوانی از این عنصر هویت‌بخش استفاده کرده‌اند. قدمت ساخت گنبد در ایران به هزاره سوم پیش از میلاد بازمی‌گردد. از آن زمان معماران ایرانی انواع مختلفی از گنبد را با بهترین فرم و شکل با استفاده از روش‌های سنتی به وجود آورده‌اند (حجازی و میرقادری، ۱۳۸۳: ۵۳). در دوران ساسانی گنبدسازی آن‌چنان رواج پیدا می‌کند و تکامل می‌یابد که از آن‌پس تاکنون پوشش گنبدی از نظر ساخت و شیوه پایداری به صورت الگو و دستورالعمل کلی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (محمدی، نیستانی و موسوی، ۱۳۹۰: ۲۹).

از طرفی معماران سنتی در ساخت بناهای مذهبی خاصیت‌های عملکردی عناصر ساختمانی را چنان طرح‌ریزی می‌کردند که مفاهیم پنهان آن عیان گردد. برای این امر

جدول ۱. دسته‌بندی و ویژگی‌های بناهای مذهبی دوره ساسانی (کیانی، ۱۳۷۹: ۴۰۱-۴۰۲).

نوع بنای مذهبی	مجموعه‌های مذهبی	آتشکده‌های مستقل	چهارطاقی‌ها
فرم بنا	چهارطاقی گنبددار و فضاهای پیرامون	چهارطاقی گنبددار و راهرو مسقف پیرامون	چهارطاقی‌های گنبددار و مستقل
ویژگی‌های فضایی	هسته مرکزی یک چهارطاقی گنبددار است و فضاهایی با کارکردهای مختلف پیرامون این بخش قرار می‌گیرد.	هسته مرکزی یک گنبدخانه و راهروهای سرپوشیده در اطراف آن قرار دارند.	چهار دهانه وسیع و گشاده به اطراف دارند و فضای داخلی آنها از همه طرف قابل مشاهده است.

رواج پیدا می‌کند و تکامل می‌یابد که از آن پس تا امروز پوشش گنبدی از نظر ساخت به صورت الگو و دستورالعمل کلی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. روش گنبدسازی در دوران ساسانی آنچنان با استفاده از نظم دقیق هندسی در شکل‌بندی و ساختمان و با کاربست شیوه‌های صحیح صورت می‌گیرد که در همه انواع، گنبدها بدون احتیاج به تکیه‌گاه، کالبد و قالب در برابر همه نیروهای فشاری و رانشی به‌خوبی مقاومت می‌کنند (محمدی، نیستانی و موسوی، ۱۳۹۰: ۳۲).

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است. روش تحقیق کیفی و روش تحلیل آن توصیفی است، به این ترتیب که با استفاده از زمینه و بستر شناختی و نتایج به دست آمده از تحقیقات میدانی و جمع‌آوری اطلاعات و مطالعات اسنادی در جستجوی دستیابی به توسعه دانش کاربردی و حصول یک هدف عملی است. هدف اصلی این تحقیق، تولید دانش و آگاهی در زمینه بررسی انواع سازه‌های گنبدی و طاقی در دوره ساسانی و شیوه‌های ساخت و پایداری آنها است. در این پژوهش ابتدا با گردآوری یافته‌ها و مستندات علمی شیوه‌های ساخت سازه‌های گنبدی و طاقی مورد مطالعه قرار گرفته و در نهایت نحوه ایستایی و پایداری این سازه‌ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در نهایت با استفاده از مشاهدات، برداشت میدانی، نقشه‌ها و اسناد موجود به بررسی مصالح، نحوه ساخت و ایستایی آتشکده سیاهگل می‌پردازیم.

۴. محدوده و قلمرو پژوهش

آتشکده سیاهگل در ۲۵ کیلومتری شهر ایوان واقع در استان

آیین زرتشتی دین رسمی ایران در دوره ساسانی بود و بناهای مرتبط با این دین از جایگاه مهمی برخوردار بودند. ساختمان اصلی معابد، بناهای چهارطاقی مستقلی بودند که در زیر آنها آتش مقدس فروزان بوده و در طول مراسم مذهبی از دهانه‌های چهارگانه برای مؤمنان قابل مشاهده بوده است و همچنین مجموعه‌هایی وجود داشته که آتش در مواقع دیگر در داخل آن نگهداری می‌شده است (Boyce, 1975: 466).

مطالعات کلی صورت گرفته درباره بناهای مذهبی شناخته شده در دوره ساسانی نشان می‌دهد که بناهای مذهبی این دوره اغلب دارای پلان چهارطاقی هستند. کلاوس شیپمان^۱ در پی تحقیقاتی که درباره چهارطاقی‌ها انجام داده است، چهارطاقی‌های ساسانی را به دو گروه اصلی تقسیم کرده است: گروه نخست، چهارطاقی‌هایی که با ساختارهای بزرگ در ارتباط هستند (تخت سلیمان) و گروه دوم چهارطاقی‌های منفردی که گاه آتشگاه یا سایر اتاق‌های فرعی به آن اضافه می‌شده است (آتشکده نیاسر)، (هاشمی زرج‌آبادی، ۱۳۸۹: ۹۰).

از نقطه نظر معماری بناهای مذهبی دوره ساسانی را می‌توان مطابق «جدول ۱» به سه دسته کلی تقسیم‌بندی نمود.

در ارتباط با کارکرد و تاریخ‌گذاری گروه سوم مباحث زیادی مطرح است. به نوشته هوف^۲، اصطلاح چهارطاقی در اصل یک بنای چهارگوش را می‌رساند که مشتمل بر چهار قوس در میان جرزهای گوشه ایست یا این که فقط به چهار دیوار ختم می‌شود و فضای میانی آن با کمک فیلیپوش‌ها مسقف می‌شود. این بناها به اعتقاد آرنده گدار^۳ و ک. اردمان^۴، ویرانه‌های آتشکده‌های ساسانی هستند که به صورت چتری بر روی آتش مقدس کشیده می‌شده است و آتش از فاصله دور از میان دهانه‌های چهارطاقی قابل مشاهده بوده است. برخلاف این نظر، شواهد نشان می‌دهد معابد کهن ایرانی نسبت به فضای بیرون کاملاً بسته بوده است (کیانی، ۱۳۷۹: ۴۰۱-۴۰۲). فقدان سبک‌شناسی و تاریخ‌گذاری مشخص سبب شده است تا هر نوع بنای چهارطاقی مستقل که فاقد مدارک مشخص تاریخ‌گذاری است، به عنوان آتشکده به این دوره نسبت داده شود.

معماری پارسی ساسانی به احتمال زیاد معماری گنبدسازی بین‌النهرین را به ارث برده است. خرابه‌های کاخ اردشیر بابکان و قلعه دختر (فیروزآباد) در استان فارس، توسط اردشیر اول (۲۴۰-۲۲۴) ساخته شده است. استفاده از گنبد توسط امپراطوری ساسانی را نشان می‌دهد. در دوران ساسانی، گنبدسازی آنچنان



ایلام، در بخش زرنه و در ساحل جنوبی رودخانه‌ای به نام کنگیر با فاصله تقریبی ۷۰۰ متر از آن رودخانه واقع شده است (شکل ۱). این آتشکده که در سال ۱۳۴۹ توسط اندنبرگ، باستان‌شناس بلژیکی کشف شد، وسط دشتی کوچک ساخته شده که احتمالاً در آن دشت منازل مسکونی اهالی این منطقه، یعنی جایی نزدیک به آتشکده قرار داشته و همچنین زمین‌های حاصلخیز و آبرفتی که در آنجا وجود دارد، مطابق با رسم معمول آن زمان همگی وقف آتشکده بوده است (ناصری، ۱۳۸۲: ۳۶).

اطراف این بنا به وسیله دیواری محصور بوده، ولی اکنون به علت عوامل طبیعی و غیرطبیعی تخریب شده است. نوع معماری بنا مربوط به دوره ساسانی است. همچنین وجود حیاطی که آتشکده را در خود جای داده، اگرچه در گذشته بر اثر عوامل اقلیمی و بی‌توجهی تخریب شده است، همگی نشانگر سبک معماری دوره ساسانی است (شکل ۲)، (ناصری، ۱۳۸۲: ۳۷).

۵. یافته‌های پژوهش

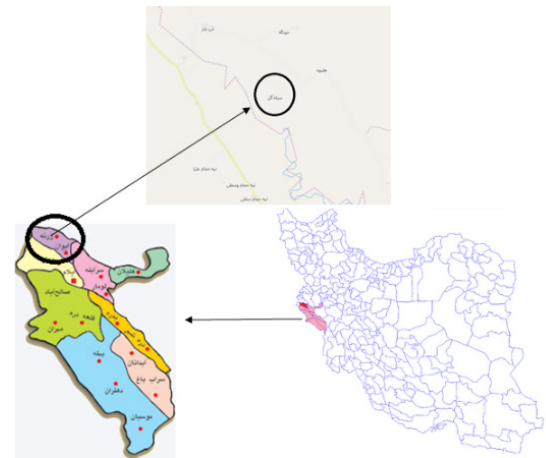
۵.۱. انواع پوشش گنبدی در دوره ساسانی

گنبدها در دوران مختلف تاریخی ویژگی‌های متفاوت و معماری‌های متنوعی داشتند. در دوران ساسانی گنبدسازی آنچنان رواج می‌گیرد و تکامل می‌یابد که از آن‌پس تا امروز پوشش گنبدی از نظر ساخت به صورت الگو و دستورالعمل کلی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (Al-Jahwari, Kennet, Priestman, Saue & et. al, 2018: 726).

اگرچه گنبدهای پیشین بر پایه مدور قرار می‌گرفتند، اما



شکل ۲. نمای جنوبی و شرقی آتشکده سیاهگل ایوان.

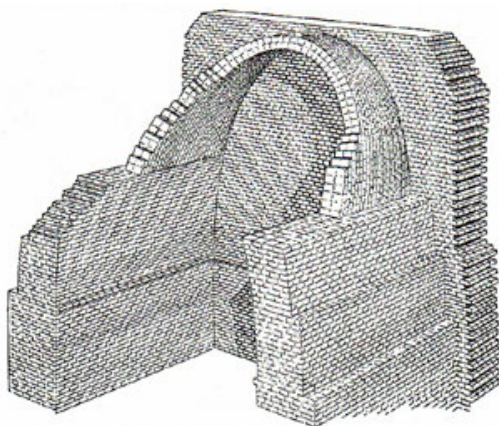


شکل ۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان ایوان در شمال استان ایلام و آتشکده سیاهگل.

ستون‌های گوشه و طاق‌ها هستند که در این بین دسته‌هایی وجود دارد که در آنها اتاق گنبددار مرکزی با راهرویی تنگ به نام رواق احاطه شده است. گروه سوم نیز که به تعداد کمتری از آن یافت شده، دارای اجزایی مشابه نمونه چهارطاقی‌های دسته دوم هستند، با این تفاوت که به جای راهروی طواف گرد بخش مرکزی، با اتاق‌ها، ایوان‌ها و غیره احاطه شده‌اند (Huff, 1987: 329).

۵.۲. انواع پوشش‌های طاقی در دوره ساسانی

اشکانیان در معماری خود از طاق گهواره‌ای، قوس و رگچین با سنگ قلوه و برجسته‌کاری تزیینی و گاهی ستون توکار هم استفاده می‌کردند. از ویژگی‌های معماری و هنر این دوره انتقال برخی از عناصر معماری و هنر است که به دوره بیزانس و ساسانی منتقل شده است. شاید تاریخ معماری «طاق دار» که در ایران بسیار معروف است، از دوره اشکانیان آغاز شده و در دوره ساسانیان تکامل یافته باشد (Askari Chaverdi, 2013: 183). یکی از شاخصه‌ها و عناصر مهم معماری ساسانی استفاده گسترده از سازه‌ها و پوشش‌های طاقی است. تکنیک طاق‌زنی ساسانی عمدتاً متکی به کیفیت ویژه ملات گچی است که سریع سفت شده و اجازه اجرای طاق را بدون استفاده از قالب می‌داده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۴). طاق‌های نیم‌دایره (گهواره‌ای) متداول‌ترین طاق‌ها بودند که به گونه استاندارد اجرا می‌شدند و تنها به یک دیوار پشتی یا تکیه‌گاه نیاز داشت یا یک نوار باریکی از قالب برای رج اول و بقیه رج‌ها چسبیده به آن ادامه می‌یافت (شکل ۴). این شیوه علی‌رغم پیشرفته بودن، مانع از پیشرفت ساختمان‌سازی بر اساس هندسه می‌شود (Huff, 1987: 331).



شکل ۴. شیوه اجرای طاق‌های گهواره‌ای (Huff, 1987: 331).

این ویژگی است که معمولاً کمترین تنش کششی در این فرم‌ها به وجود می‌آید. بنابراین ساختن گنبدها با مصالح ساختمانی (گل، آجر، سنگ) که قابلیت تحمل نیروهای خمشی را ندارند کاملاً امکان‌پذیر است. از دیدگاه تکامل فرم‌های ساختمانی، فرم‌های گنبدی دارای توانایی و برتری نسبت به فرم‌های ساختمانی تخت و حتی فرم‌های ساختمانی طاقی هستند. از مزایای دیگر طاق قوسی و گنبد این است که باد از روی سطح محدب، با سهولت بیشتری رد می‌شود و فرسایش و تخریب کمتری را موجب می‌گردد (مولایی و ثبوتی، ۱۳۹۵: ۲۲).

آندره گذار معتقد است معماران ساسانی با انحنای دادن به قسمت‌های پایین گنبد که با کمک و یا بدون کمک گوشه‌بندی‌ها و یا طاق‌های کوچک مخروطی شکل ساخته می‌شدند، به برپایی گنبد توفیق یافتند (گذار، ۱۳۷۱: ۱۹-۲۴). معماران ساسانی برای برپایی تعدادی از گنبدها از تویزه‌های گچی سود می‌جستند (شکل ۳). در این روش بعد از آماده شدن پاتاق گنبد، طرحی از مقطع گنبد بر سطح زمین کشیده می‌شد و بر اساس آن تویزه‌هایی با استفاده از قطعات نی و ملات گچ تهیه می‌شد و آنها را به فواصل معین بر روی پاتاق گنبد به گونه‌ای که رأس آنها به یکدیگر متصل و پایه آنها در میان آخرین رج پاتاق مهار می‌شد، قرار می‌دادند. بعد از این مرحله، بدنه اصلی گنبد در حفاصل و پیرامون تویزه‌ها به صورت هماهنگ سنگ چینی می‌شد (گذار، ۱۳۷۱: ۲۶-۲۸).

دیتریش هوف بناهای چهارطاقی را از لحاظ نوع و جزئیات پلان به سه گروه تقسیم کرده است که به ترتیب: گروه نخست، چهارطاقی‌های مجرد چهارگوش که در حقیقت بدون ستون‌های گوشه و طاق‌های مرتبط کننده هستند، ولی دیوارهایی راست و نازک با سه یا چهار ورودی دارند. گروه دوم، چهارطاقی‌ها با



شکل ۳. شیوه پوشش چهارطاقی نیاسر با کمک تویزه گچی (گذار، ۱۳۷۱: ۳۱).



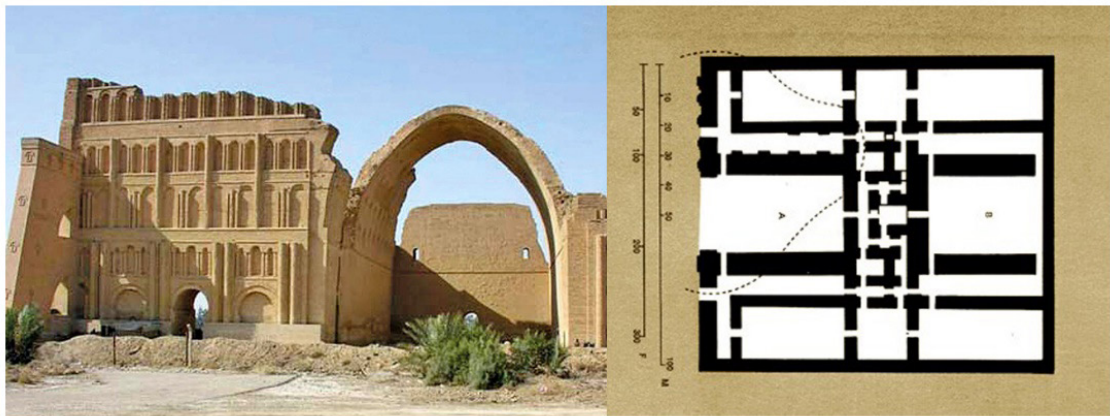
طاق‌های دوره ساسانی را می‌توان از نظر مقطع و شکل به انواع نیم‌دایره و نیم‌بیضی طبقه‌بندی کرد؛ هرچند مواردی از طاق‌های تیزه دار و نعل اسبی نیز در این دوره شناسایی شده است (محمدی، نیستانی و موسوی، ۱۳۹۰: ۳۶). در شیوه نیم‌دایره‌ای لایه نازکی از سنگ و ملات گچ ابتدا روی چوب‌بست قرار گرفته و سپس وقتی ملات خودش را می‌گرفت، این لایه، نقش قالب طاق زنی را برای توده سنگ و ملات که طاق واقعی را تشکیل می‌داد، ایفا می‌کرد. در این روش فقط به یک داربست طاق زنی نسبتاً سبک احتیاج بود که بر روی دیوارهای باربری که تا محل پاتاق قوس بالا آمده بودند، قرار می‌گرفت. در نتیجه طاق گهواره‌ای شکل خاصی پیدا می‌کرد که نوع ویژه و مختص دوره ساسانی شناخته می‌شود. قطر دهانه قوس در این شیوه از پهنای اتاق یا درگاه بزرگ‌تر بود، بنابراین پاتاق قوس اندکی عقب‌تر از دیواره‌های زیرین قرار می‌گرفت. در این شیوه، مقطع طاق‌ها نیم‌دایره است (روتز، ۱۳۸۷: ۶۴۴-۶۴۳).

گونه دیگر طاق‌ها بدون داربست طاق زنی ساخته می‌شد و طرحی نیم بیضی داشتند. در این شیوه معماران برای طاق‌زنی بر روی فضاهای بزرگ به منظور کاهش عرض دهانه با ایجاد انحنا ملایمی در دیواره‌های پاتاق، آنها را به طرف داخل متمایل ساخته و سپس دهانه فوقانی را با رج‌های عمودی می‌پوشاندند. بنابراین طرح نیم بیضی طاق‌های دوره ساسانی، نتیجه در نظر گرفتن استحکام و ثبات نیست بلکه ناشی از فرایند عملی ساخت بناست. پوشش عظیم طاق کسری (شکل ۵) شاخص‌ترین نمونه از این نوع است (keall, 1989: 156).

از دیگر انواع طاق‌ها که در معماری ساسانی دیده می‌شود، نمونه‌های ابتدایی پوشش طاق و تویزه است. این نوع پوشش مرکب است از یک سلسله طاق و تویزه که در طول یکدیگر قرار می‌گیرند. در این روش رانش طاق به جای آنکه بر دیوارهای جانبی فشار وارد سازد، بر روی نقاط معینی از قوس‌های مستحکم‌تر تقسیم می‌شود. این شیوه به معمار اجازه می‌دهد در فاصله میان دو قوس، پنجره‌هایی تعبیه کند (شکل ۶). این شیوه در معماری اسلامی تداوم پیدا کرد (تجویدی، ۱۳۸۳:



شکل ۶. پوشش بنا با سیستم طاق و تویزه (تجویدی، ۱۳۸۳: ۱۸).



شکل ۵. نقشه و وضع موجود طاق کسری، تیسفون (keall, 1989: 156).

به‌طورکلی بخش‌های یک قوس که تأثیر نیروها در آنجا مشاهده می‌شود عبارت‌اند از:

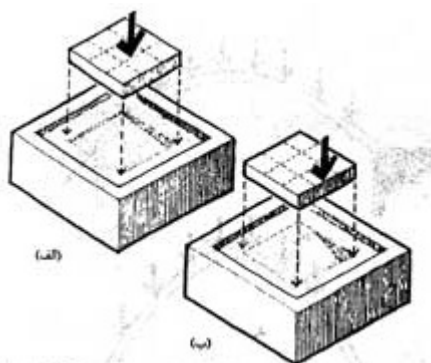
۱. **زاویه شکرگاه:** در این نقطه اولین شکاف‌ها و خرابی چفد مشاهده می‌شود، در قوس‌های ایرانی این زاویه در حدود $22/50^\circ$ درجه است.

۲. **پشت بغل:** بار وارده از طرف دیوار بالای چفد است که وظیفه تعادل دادن به کل سازه را دارد. قسمتی از نیروی رانش قوس که به‌طور مایل به شانه آن وارد می‌شود با وزن وارده از این قسمت ترکیب شده و در مواقعی خود باعث تعادل قوس می‌شود.

۳. **مجردی یا جرز:** عنصر قائم بر زمین است که وظیفه انتقال نیروهای وارده از طرف قوس بر زمین را دارد. با اضافه نمودن عرض آن بر سطحی که به اندازه $3:1$ ضخامت قوس است، برآیند نیروهای قوس می‌بایست از سطح بگذرد در غیر این صورت سازه دارای تعادل نخواهد بود.

۴. **عرض یا کلفتی پایه:** اگر برشی از پایه قوس بزینم و آن را تقسیم به سه کنیم و یک قسمت آن را که در وسط است جدا نماییم این قسمت به $1/3$ کلفتی پایه معروف است (معماریان، ۱۳۶۷: ۱۳۴).

در مدل نمایشی قانون یک‌سوم وسط (شکل ۸): الف. نیروی وارده روی قطعه پی در مرکز آن است و نتیجه آن فقط نیروی فشاری روی خاک تکیه‌گاهی است؛ ب. نیروی روی بخش یک‌سوم وسط پی که نتیجه آن کشش روی بخش‌هایی از خاک تکیه‌گاهی است. این قانون کلی از کشش ممانعت به عمل می‌آورد و در سازه‌های فشاری (مانند قوس‌ها) خط رانشی درون مرکز ایجاد می‌کند (معماریان، ۱۳۶۷: ۱۳۴).



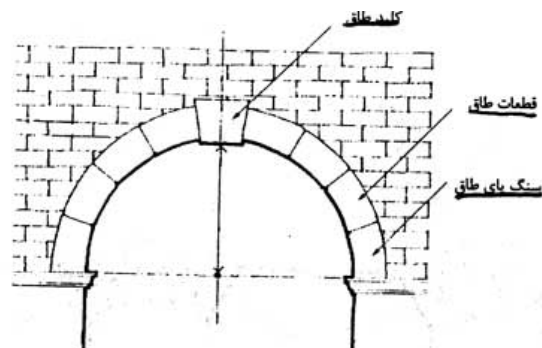
شکل ۸. مدل نمایشی قانون یک‌سوم وسط (شمسی‌پور، جعفری و نقدی، ۱۳۹۲: ۷۸).

۱۸). نمونه شاخص این نوع طاق در ایوان کرخه دیده می‌شود. در اینجا طاق گهواره‌ای معمول دوره ساسانی اجرا شده و پنج قوس یا تویزه در عرض فضا اجرا شده و حد فاصل آنها با طاق پوشش یافته است (شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

۵.۳ سیستم سازه و ایستایی در طاق‌ها

در این‌به ساسانی اعم از کاخ‌ها و آتشکده‌ها، پوشش‌های گنبدی و ساختن ایوان‌های دارای طاق ضربی و چهارطاقی‌های مخصوص آتشکده متداول و اساس معماری این زمان بوده است (امان الهی و قدری، ۱۴۰۲: ۵۹). از نظر ایستایی، فرم‌های قوسی اعم از گنبدی و طاقی فرم‌هایی هستند که در آنها انتقال وزن و سایر نیروها اصولاً با مکانیسم نیروی غشایی (و اندکی نیروی خمشی) انجام می‌گیرد. از این‌رو فرم‌های قوسی شکل فنی‌تر و به منحنی نیروها، که منحنی کامل فرم ساختمانی است، نزدیک‌تر و نسبت به فرم‌های تخت دارای برتری فرمی هستند (فرشاد، ۱۳۷۶: ۳۱۷).

قوس‌های آجری که برای پوشش درگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند از پیوند رگه‌های آجری گوه‌ای شکل، که هرکدام با فشار عناصر کنار خود درجای خود نگاه داشته می‌شود، تشکیل شده‌اند (شکل ۷). در کل بارهای وارده از بالا به وسیله آنها به شانه قوس وارد شده، توسط پایه‌ها به زمین انتقال پیدا می‌کنند. باید توجه داشت که نیروی منتقل شده در محل پاتاق، خود به دو مؤلفه تجزیه خواهد شد. تعادل قوس پیوند نزدیکی با پایه یا جرز و گشتاور چرخشی وارد شده از طرف بارها که به شانه قوس انتقال پیدا می‌کند، دارد (تقی زاده، ۱۳۸۷: ۳۷).

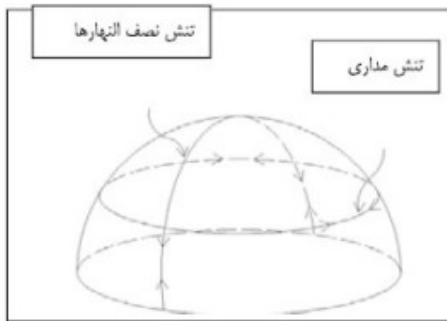


شکل ۷. بخش‌های مختلف یک قوس با مصالح بنایی (شمسی‌پور، جعفری و نقدی، ۱۳۹۲: ۷۵).

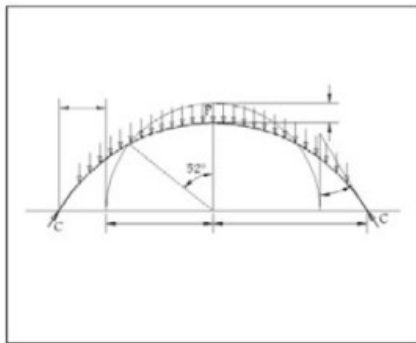


اثر وزن و غیره به‌طور یکنواخت در آن توزیع شده که در مسیر نصف‌النهارها تنش‌ها فشاری‌اند و در طول مدار به‌طور ثابت اثر می‌کند (ضیاءآبادی، ۱۳۸۶: ۶۵).

لذا لازم به ذکر است که جهت درک آسان‌تر موضوع هر گنبد را متشکل از تعدادی المان‌های نصف‌النهاری و تعداد المان‌های مداری در نظر گرفته که درواقع از آنها به عنوان مقاطع متحمل تنش‌های اصلی نام می‌بریم. اکنون برای تشریح نحوه عملکرد نصف‌النهار و مدارها، یک گنبد با خیز نسبتاً زیاد که تحت بارهای وزنی خود قرار گرفته را در نظر می‌گیریم و با استفاده از تغییر شکل حاصله نیروها وارده را تحلیل می‌کنیم. همان‌طور که مشاهده می‌شود قسمت بالایی آن مسطح و قسمت پایینی آن بازمی‌گردد و نقاطی که در بخش بالایی قرار دارند تحت اثر بارها به سمت داخل حرکت می‌کنند اما نقاط پایینی به سمت خارج و دور از محور حرکت می‌نمایند. بر همین اساس مدارها در قسمت بالایی گنبد کوتاه می‌شوند و در آنها تنش‌های فشاری ایجاد می‌گردد (شکل ۱۱). درحالی‌که مدارها قسمت پایینی گنبد کشیده شده و تحت تأثیر تنش‌های کششی



شکل ۱۰. انواع تنش‌های غشایی روی گنبد (ضیاءآبادی، ۱۳۸۶: ۶۵).



شکل ۱۱. انواع تنش‌های غشایی روی گنبد (بیرنیا، ۱۳۵۲: ۱۳۶).

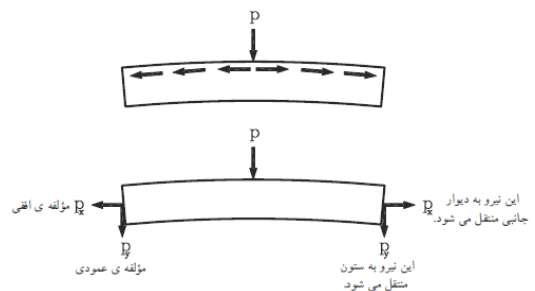
از طرفی شرایط داشتن تعادل در یک قوس از قرار زیر است:

الف. منحنی فشار داخل قوس باشد.
ب. در هر مقطع از قوس، از به وجود آمدن نیروی کششی جلوگیری شود، این بدین معنی است که برآیند نیروهای هر مقطع در داخل $1/3$ کلفتی ضخامت قوس بیفتد.
چنانچه بر قوس‌ها، نیروی فشاری وارد شود، این نیرو از تیزه قوس به پایه دو طرف قوس‌ها منتقل می‌شود. این نیرو که حاصل وزن تیر و دیواره بر روی قوس‌ها است، در محل تکیه‌گاه به دو مؤلفه افقی و قائم تجزیه شده، این دو نیرو که از نیروی اصلی منشعب شده‌اند از طریق دیوار و ستون‌های جانبی به زمین منتقل می‌شود (شکل ۹)، (شمسی‌پور، جعفری و نقدی، ۱۳۹۲: ۸۹)

۵.۴. سیستم سازه و ایستایی در گنبدها

گنبد نوعی پوسته است و از این لحاظ رفتار سازه‌ای متمایزی را نسبت به طاق‌ها کسب کرده است. به‌طوری‌که بارهای وارده را بیشتر از طریق نیروهای غشایی (نیروهای در صفحه) منتقل می‌نماید و لنگر خمشی در آن بسیار محدود بوده و این موضوع دلیلی است بر ضخامت کم گنبد نسبت به تیرهای قوسی و لذا رفتار سازه‌ای این پوسته (غشا) متأثر از خصوصیات هندسی آن است. نقطه قوت دیگر گنبد (پوسته) آن است که معمولاً تحت بارهای وارده، تنش‌ها در قسمت اعظم سازه از یک نوع (فشاری یا کششی) بوده و بر همین اساس در ساخت گنبد توانسته‌اند از مصالح بنایی که قابلیت تحمل نیروها را دارند به خوبی استفاده نمایند (شکل ۱۰)، (ضیاءآبادی، ۱۳۸۶: ۶۴).

همان‌طور که گفته شد گنبد نوعی پوسته است که نسبت به محورش تقارن دارد. لذا تنش‌های حاصله از نیروهای وارده بر

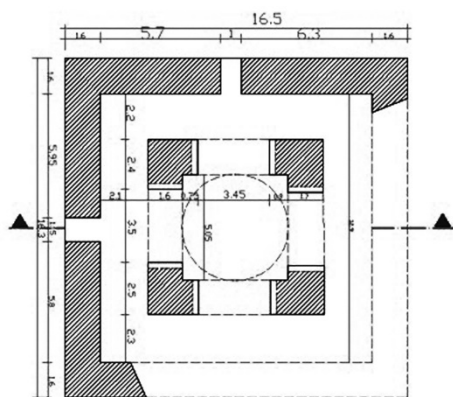


شکل ۹. نحوه انتقال نیرو در قوس‌ها (شمسی‌پور، جعفری و نقدی، ۱۳۹۲: ۸۹).

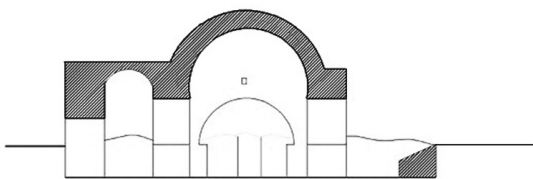
جدول ۲. مقایسه اجمالی ویژگی‌ها، مزایا و معایب چیدمان انواع طاق.

نوع طاق	رومی	ضربی	چپله (لاپوش)
روش اجرا	تا پیش از رسیدن دو لنگه طاق به هم نیاز به قالب سنگین دارد. که منجر به طولانی و دشوار شدن ساخت آن می‌شود.	نیاز به قاب سبک تنها به عنوان الگوی شکل طاق دارد، که به عنوان امتیازی بزرگ در برابر چیدمان گهواره‌ای به شمار می‌رود.	بدون قالب اجرا شده و کنترل انحنای آن با چشم انجام می‌شود.
توان باربری	توان باربری بالا بدون تغییر فرم جانی	توان باربری بالا با تغییر فرم جانی	فاقد توان باربری
همگنی	همگنی بیشتری در هرز ملات دارد.	همگنی کمتری در هرز ملات دارد.	-
سیستم سازه	لغاز آن در طاق و تویزه ریشه دارد و هشت و گبر است.	لغاز آن در تاق و تویزه ریشه ندارد.	فاقد تویزه

دیوارهایش یک متر، دارای آتشدان و در قسمت فوقانی یک روزنه (چشمه) وجود دارد که برای خروج دود حاصل از سوخت آتش تعبیه شده است (شکل‌های ۱۲ و ۱۳). در این آتشکده روش ساخت ستون‌ها و ترکیب ساختار آن همانند بسیاری از چهارطاقی‌های ساسانی از جمله چهارطاقی بازه هور، چهارطاقی فراش‌بند، چهارطاقی چن‌زیه ایلام، میل میلگه کرمانشاه، مولاب آبدانان و تاق رستم شیروان و چرداول است (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). در این بناها لاشه‌سنگ‌هایی در اندازه‌های مختلف و بی‌شکل با نظم خاصی در کنار هم و به وسیله ملات گچ قرار داده شده‌اند (آزاد، ۱۳۸۴: ۲۲۰-۲۲۲).



شکل ۱۲. پلان آتشکده سیاهگل.



شکل ۱۳. مقطع آتشکده سیاهگل.

قرار می‌گیرند. به طوری که در یک گنبد این چنین مداری که در زاویه ۵۲ درجه از محور اصلی قرار دارد تغییر در اثر انتقال نیروی نصف‌النهار ایجاد می‌گردد و همین موضوع (کشش و فشار در مدارها) باعث هماهنگ شدن یا رفتار یکنواخت (طنابی) نصف‌النهارها می‌شود (پیرنیا، ۱۳۵۲: ۱۳۶).

۵.۵. جمع‌بندی

ابداع و مهارت بسیار در برپایی سازه‌های طاق و گنبد بر روی فضاهای چهارگوش وسیع از مهم‌ترین دستاوردهای معماری ساسانی است. در زمینه برپایی گنبد بر سطوح چهارگوش، معماری جهان مدیون دستاوردهای معماران ساسانی است. اولین گنبد‌های ساسانی مربوط به سال‌های نخستین ساسانی (و شاید سال‌های پایانی اشکانی) است، اما مطالعات نشان می‌دهد که این تکنیک در ابتدای راه خود قرار داشته است. اجرای طاق‌های گهواره‌ای و شلجمی شکل (رومی)، در کنار آشنایی معماران ساسانی با طاق‌های نعل اسبی و تیزه‌دار و نیز پوشش‌های طاق و تویزه به سه روش ساخت رومی، ضربی و چپله و همچنین استفاده از قوس‌ها یا تویزه‌های گلی و گچی پیش‌ساخته و تیرهای چوبی بکار رفته در سازه‌ها از مشخصه‌های دیگر این معماری است. در جدول شماره (۲) مقایسه اجمالی بین انواع چیدمان و روش‌های ساخت طاق‌ها ارائه شده است، که نشان‌دهنده برتری همه‌جانبه طاق دوره ساسانی یعنی طاق گهواره‌ای یا رومی از نظر سازه‌ای بر سایر رقبا است.

۶. بحث و نتایج

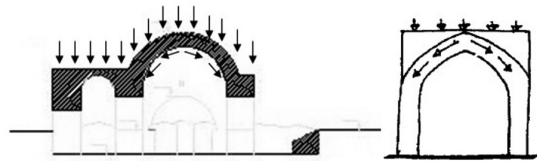
۶.۱. تحلیل نقشه‌ها و الگوی معماری در آتشکده سیاهگل

آتشکده سیاهگل دارای مقصوره (صحن) مربع شکل به اندازه تقریبی ۵/۵۰ در ۵/۵۰ متر و ارتفاع حدوداً ۱۲ متر است. قطر



تحت بار عمودی یا افقی قرار گیرند نیروها را در امتداد قوس به پطاق و در نتیجه پایه‌ها منتقل می‌کنند و چنانچه قوس‌ها تحت تأثیر نیرویی عمود بر میانه‌های آن وارد گردد، بهترین شکل را برای انتقال نیروهای عمودی دارند و می‌توان با انتخاب منحنی مورد نظر دهانه مورد لزوم را با استفاده از مصالح ساده‌ای اجرا نمود. در طاق‌ها چنانچه پطاق‌ها را از حالت تعادل و ایستای خود خارج نشوند هر قسمت و یا هر واحد عرض طاق به صورت مستقل عمل نموده و به بقیه قسمت‌های طاق بستگی نداشته و عملاً به صورت یک تیر مستقل عمل می‌نماید. همان‌طور که در «شکل ۱۵» در مقطع آتشکده سیاهگل مشاهده می‌کنید؛ معماران این بنا با استفاده از دهانه بزرگ توانسته‌اند خمش و کشش را به حداقل مقدار برسانند و فشارهای وارده به وسیله امتداد قوس به پطاق‌ها منتقل می‌شود.

نوع طاق به‌کاررفته شده در آتشکده سیاهگل طاق چهاربخشی است. این نوع طاق مانند ترکیب از تقاطع دو طاق آهنگ به وجود می‌آید با این تفاوت که در این نوع طاق به جای اینکه چهار ضلع طاق بر روی چهار سطح تکیه کنند، بر روی چهار نقطه استوارند. یکی از دلایل پایداری در آتشکده سیاهگل استفاده از همین نوع طاق است (شکل ۱۶).



شکل ۱۵. نحوه عمل طاق‌ها در آتشکده سیاهگل در مقابله با نیروها و فشارهای وارده.

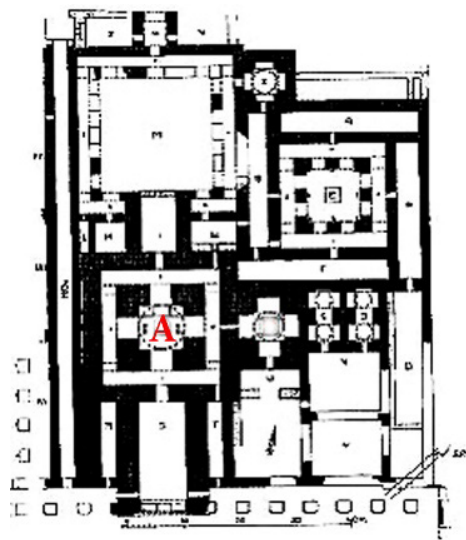


شکل ۱۶. نوع طاق و تکیه‌گاه‌های به‌کاررفته در بنای آتشکده سیاهگل.

در این پژوهش به‌جز دستیابی به هویت و کاربری بنا، شناخت سبک و الگوی معماری به‌کاررفته در این آتشکده از دیگر اهداف بود. رودلف ناومان^۵، الگویی را برای آتشکده‌های باستانی دنبال می‌نمود که توسط آندره گدار (۱۹۳۸) و کورت اردمان (۱۹۴۱) مطرح شده بود، که به‌عنوان مثال در مجموعه تخت سلیمان به اتاق A آتشکده آذرگشنسب (شکل ۱۴) به عنوان آتشگاه توجه می‌کرد، محلی که در آن آتش مقدس نگهداری می‌شد و با اینکه اتاق A در معرض تماشای عمومی نبود، اما در معرض دید نیايشگرانی بود که در راهروها و دالان‌های مجاور می‌گشتند (Naumann & et.al, 1965: 53). مهم‌ترین عنصر اتصال چهارطاقی‌ها به آتشکده، وجود تالار طواف پیرامون این آثار است. چهارطاقی سیاهگل دارای تالار طواف مرکزی هست و اتاق‌های متعدد پیرامون این تالار مرکزی قرار داشته است؛ محل قرارگیری آشنان، احتمالاً در همین تالار مرکزی است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد و با توجه به دسته‌بندی‌ای که هوف انجام داده است، آتشکده سیاهگل در گروه دوم یعنی؛ چهارطاقی‌هایی چهارگوش با رواقی در اطراف، قرار می‌گیرد.

۲.۶. ایستایی سازه‌ای و نحوه پایداری در آتشکده سیاهگل

عملکرد در این نوع سازه‌ها بر مبنای انتقال سریع نیروی وزن زیاد بنا به شالوده و کم کردن تأثیر خمش است. طاق‌ها چنانچه



شکل ۱۴. بناهای آتشکده آذرگشنسب در مجموعه تخت سلیمان (Naumann & et al., 1965: 53)

گیرش سریع، چسبندگی بالا و استحکام لازم و مناسب گچ باعث به‌کارگیری وسیع آن در اجرای ساختمان‌های طاقی شده است و در واقع بر پا کردن یک سازه طاقی مثل گنبد انواع طاق‌ها و قوس‌ها که در آنها از قالب چوبی استفاده شده است، ملزم به استفاده از این ماده است. همچنین از ملات‌های حاوی آهک نیز در ساخت آتشکده سیاهگل استفاده شده است. اهمیت این ملات در ساخت سازه‌های طاقی بیشتر به خاطر استفاده از آن در پایه‌ریزی پی‌ها است. یکی از مهم‌ترین ملات‌های حاوی آهک به‌کاررفته در بنای آتشکده سیاهگل، ملات یا ترکیبی است به نام «ساروج»، که اگرچه در اجرا مشکلاتی دارد، ولی دارای مقاومت نهایی قابل توجهی است.

۷. نتیجه‌گیری

دوره ساسانیان هرچند تا حدودی تداوم معماری دوره اشکانی به شمار می‌رود، اما در معماری ساسانی است که تکنیک طاق و گنبد، شکل کامل و مستقلاً به خود می‌گیرد. معماری ساسانی شیوه‌ای مستقل و متمایز، با طرح‌ها، اجزا، عناصر و مصالح مختص به خود است. مدارک نشان می‌دهد که بیشتر توان معماری این دوره به ساخت بنای کاخ‌ها و آتشکده‌ها اختصاص می‌یافته است. از جمله مهم‌ترین دستاوردهای این دوره اجرای گنبد بر زیربنای چهارگوش بود که از این نظر، معماری جهان‌مديون معماران ساسانی است. آیین زرتشتی دین رسمی ایران در دوره ساسانی بود و بناهای مرتبط با این دین از جایگاه مهمی برخوردار بودند. ساختمان اصلی معابد، بناهای چهارطاقی مستقلی بودند که در زیر آنها آتش مقدس فروزان بوده و در طول مراسم مذهبی از دهانه‌های چهارگانه برای مؤمنان قابل مشاهده بوده است و مجموعه‌هایی وجود داشته که آتش در مواقع دیگر در داخل آن نگهداری می‌شده است. چهارطاقی‌ها یا همان آتشکده‌ها بر پایه چهار دهانه وسیع ساخته شده است و معمولاً دارای چهار دروازه است. شناخت چهارطاقی‌های ساسانی و انتصاب آنها به دوره ساسانی و کاربری آتشکده، یکی از چالش‌های پیش رو در بررسی بناهای مذهبی این دوره است. تا پیش از این، هر چهارطاقی که با ملات، لاشه‌سنگ و ساروج شناسایی می‌شد به دوران ساسانی نسبت داده می‌شد، اما شاید با بررسی دقیق‌تر بتوان درک کرد که در اوایل دوران اسلامی نیز ساخت بناهایی به این سبک هنوز ادامه داشته است. چهارطاقی‌های دوره ساسانی که به آتشکده معروف

قسمت برابر طاق‌های چهار بخش از چهارطاق و چهار ترک تشکیل شده است. بارهای وارده کلاً توسط مجموعه‌ای از قوس‌های به هم چسبیده که ترک‌ها را می‌سازند، به چهار تکیه‌گاه منتقل می‌شوند. اجرای این طاق از چهارگوشه آن شروع و به رأس آن ختم می‌شود. با توجه به تخریب بخش‌های از بنا و رواق جنوبی، در «شکل ۱۷» فرم کلی بازسازی شده از چهارطاقی آتشکده و رواق جنوبی آن مشخص شده است.

۳-۶. شناخت نوع مصالح در آتشکده سیاهگل

در سازه‌های طاق و گنبدی، ملات‌ها همیشه نقش مهمی را در شکل‌گیری این سازه‌های پیچیده ایفا کرده‌اند. ملات به عنوان یک ماده چسبنده عمل می‌کند. در ساخت سازه‌های طاقی سازندگان از ملات‌های مختلفی استفاده می‌کرده‌اند. در آتشکده سیاهگل از ملات ساروج و گچ استفاده شده است (شکل ۱۸).



شکل ۱۷. تصویر سه‌بعدی بازسازی شده از بنا و سایت آتشکده سیاهگل.



شکل ۱۸. نوع مصالح و ملات بکاررفته در بنای آتشکده سیاهگل.



استفاده استنادانه از سنگ لاشه و ملات گچ برای ساخت بناهای مختلف، ویژگی شاخص معماری این دوره است، که در مورد آتشکده سیاهاگل می‌توان گفت استفاده از مصالح پایدار از قبیل سنگ لاشه، ساروج و ملات گچ و همچنین کاربرد استنادانه قوس با دهانه بزرگ (رواق) در اطراف گنبدخانه از جمله دلایل پایداری سازه‌ای این بنای چهارطاقی است.

هستند دارای تالار طواف پیرامون بنا و همچنین برخوردار از تالار مرکزی و قرارگیری آتشکده در تالار مرکزی است، که نمونه بررسی شده یعنی آتشکده سیاهاگل تمام این خصوصیات که مختص بناهای دوره ساسانی است را دارا است. در کنار تنوع گسترده‌ای از مصالح که در این دوره مورد استفاده بوده (سنگ لاشه، سنگ تراشیده، آجر، خشت، چینه، گل و گچ و چوب و غیره) استفاده از مصالح در دسترس،

پی‌نوشت‌ها

1. Klaus Schippmann 2. Huff 3. André Godard 4. Erdmann, Kurt 5. Naumann

فهرست منابع

- ابویی‌مه‌ریزی، نادیه (۱۳۹۳)، معماری در ایران از آغاز تا پایان عصر ساسانی، نشریه پژوهش‌های علوم انسانی، ۱۹(۴)، ۹۰-۶۳.
- احمدی، مریم، نیستانی، جواد، موسوی، سیدمهدی، و هژبری، علیرضا (۱۳۹۰)، مطالعه گونه‌شناسی عناصر و اجزای معماری ایران در دوره ساسانی، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۱(۱)، ۱۰۴-۸۳.
- آزاد، میترا (۱۳۸۴)، بررسی تحول بناهای مذهبی دوره ساسانی به بناهای مذهبی قرون اولیه اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- اکبرزاده، داریوش، طاووسی، محمود (۱۳۸۵)، کتیبه‌های فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، تهران: انتشارات نقش هستی.
- امان‌اللهی، حمید، قدری، محمدرضا (۱۴۰۲)، پیشنهادی برای گاه‌نگاری و تعیین کاربری بقایای معماری دفاعی کوه اشکوت محمودآباد (شمال غربی ایران)، نشریه پیام باستان‌شناس، ۱۵(۲۸)، ۷۰-۵۷.
- پیرنیا، محمدرکیم (۱۳۵۲)، ارمغان ایران به جهان معماری گنبد، نشریه هنر و مردم، ۴(۱۲)، ۱۳۷-۱۳۶.
- تجویدی، اکبر (۱۳۸۳)، تداوم در معماری ایران، تهران: انتشارات مجرد.
- تقی‌زاده آذری، کتابیون (۱۳۸۷)، طراحی عملکردی در مهندسی سازه و تأثیر آن بر طراحی، نشریه هنرهای زیبا، ۳(۳۴)، ۴۳-۳۷.
- حجازی، مهرداد، میرقادر، رسول (۱۳۸۳)، تحلیل لرزه‌ای گنبد‌های ایرانی، نشریه دانشکده فنی، ۶(۳۸)، ۶۱-۵۳.
- دریایی، تورج (۱۳۸۸)، شهرستان‌های ایران‌شهر، تهران: انتشارات توس.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- روتز، اسکار (۱۳۸۷)، تاریخچه معماری دوره ساسانی در بررسی هنر ایران، به کوشش آرتور پوپ و فیلیس اکرم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شمسی‌پور دهکردی، اکرم؛ جعفری‌فارسانی، مریم؛ نقدی‌دورباطی، زهرا (۱۳۹۲)، ایستایی گنبد و قوس با مصالح پایدار در معماری سنتی ایران، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار در تهران، ۸۹-۷۵.
- شپیمان، کلاروس (۱۳۸۴)، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران: انتشارات فرزاد.
- ضیاء‌آبادی، آرش (۱۳۸۶)، کاربردی خاستگاه سازه‌های فضاکار، دومین کنفرانس ملی سازه‌های فضا کار در تهران دانشگاه تهران، ۶۷-۵۱.
- فرشاد، مهدی (۱۳۷۶)، تاریخ‌مهندسی در ایران (جلد سوم)، تهران: نشر بلخ.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۹)، معماری ایران در دوره اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
- گدار، آندره (۱۳۷۱)، آثار ایران (جلد سوم)، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان.
- محمدی، مریم؛ نیستانی، جواد؛ موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۰)، مطالعه گونه‌شناسی، عناصر و اجزای معماری ایران در دوره ساسانی، فصلنامه باستان‌شناسی، ۱(۱)، ۳۶-۲۹.
- مرادی، یوسف (۱۳۸۸)، چهارطاقی میل میله گه؛ آتشکده‌ای از دوره ساسانی، نشریه مطالعات باستان‌شناسی، ۱(۱)، ۱۸۳-۱۵۵.
- مردمی، کریم؛ سهیلی‌فرد، مهدی؛ آقاعزیزی، مجید (۱۳۹۴)، همسازی سازه و معماری در راستای جانمایی بهینه تکیه‌گاه‌ها به روش الگوریتم ژنتیک (نمونه موردی: پوشانه‌های با فرم آزاد، طراحی شده بر اساس هندسه گره ایرانی)، نشریه نقش جهان، ۵(۳)، ۶۹-۶۰.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۶۷)، نیارش سازه‌های طاقی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
- معین، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مولایی، یوسف، ثبوتی، هومن (۱۳۹۵)، بررسی شیوه‌های ساخت و پایداری سازه‌های گنبدی و طاقی با مصالح پایدار در معماری ایرانی اسلامی، سومین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی ایران در تهران، ۳۰-۲۱.
- ناصری، علیرضا (۱۳۸۲)، معرفی طاق شیرین و فرهاد و آتشکده سیاهاگل، نشریه فرهنگ ایلام، ۱(۱۵)، ۳۷-۳۴.
- هاشمی زرج‌آبادی، حسن (۱۳۸۹)، چهارطاقی خانه دیو آتشکده ای نویافته از دوره ساسانی، مجله باغ نظر، ۷(۱۵)، ۹۲-۷۹.



- Al-Jahwari, N. S., Kennet, D., Priestman, S., & Sauer, E. (2018). Fulayj: A Late Sasanian fort on the Arabian coast. *antiquity*, 92(363), 724-741.
- Askari Chaverdi, A., & Cereti, C. G. (2013). Preliminary notes on two small groups of Sasanian bullae recently discovered in Fārs. In *Commentationes iranicae. Vladimiro f. Aaron Livschits nonagenario donum natalicium* (pp. 182-190). Nestor-Istorija.
- Boyce, M. (1975). On the Zoroastrian temple cult of fire. *Journal of the American oriental Society*, 454-465.
- Keall, E. J. (1989). Ayvan (or Tag)-Khosrow. Encyclopaedia Iranica, 3, 155-159.**
- Naumann, R., Huff, D., Kleiss, W., Boehmer, R. M., & Wiegartz, H. (1965). *Takht-i Suleiman und zendan-I Sulei-*
- man: vorläufiger bericht die ausgrabungen in den Jahren 1963 und 1964.* Gruyter.
- Pope, A. U. (1933). A Sasanian Garden palace. *The Art Bulletin*, 15(1), 75-85.
- Creswell, K.A.C. (1914).** The History and Evolution of the Dome in Persia. *Journal of the Royal Asiatic society of Great Britain and Ireland*, pp.681-701.
- Huff, D. (1987). Architecture II. Sassanian Period. *Encyclopaedia Iranica*, vol II. Routledge & Kegan Paul. London and New York. pp. 329-334.
- Reuther, Oscar. (1939). *Sasanian Architecture in A survey of Persian art.* ed by Arthur Upham Pope.vol(2) oxford university Prss. pp. 493-578.



covering has been used as a general pattern and guideline for construction and durability. However, traditional architects designed the functional properties of the building elements in religious structures so that their hidden meanings would be revealed.

General studies on well-known religious buildings of the Sassanian period show that religious buildings of this era often have a chahartaq plan. One of the important issues in the construction of arches and domes is the method of construction and the stability of these structures. The present research is applied in terms of purpose. The research method is qualitative, and the analysis method is descriptive, in such a way that using the cognitive background and the results obtained from field research and collecting information and documentary studies, it seeks to achieve the development of applied knowledge and achieve a practical goal. The main objective of this research is to produce knowledge and awareness in examining various dome and arch structures in the Sassanian period and the methods of construction and stability. In this study, first, by collecting findings and scientific documents, the construction methods of dome and arch structures are studied, and finally, the statics and stability of these structures are examined and analyzed. Ultimately, using observations, field surveys, maps, and existing documents, we examine the materials, construction methods, and statics of the SIAHGEL fire temple. The research findings indicate that the structural stability of the SIAHGEL fire temple is attributed to the use of durable materials like stone, lime, plaster, and sarooj mortar, along with construction methods like chahartaq and the incorporation of porticoes around the dome, as well as the distribution of forces onto four pillars. On the other hand, identifying Sassanian chahartaqs and associating them with the Sassanian era and the utilization of fire temples poses a challenge when studying religious structures from this time. Before this, any chahartaq identified with mortar, rubble stone, and sarooj was attributed to the Sassanian period, but perhaps a more careful examination could reveal that the construction of buildings in this style continued even in the early Islamic period. The Sassanian chahartaqs, known as fire temples, have a circumambulation hall around the building and also benefit from a central hall with the fire temple located in the central hall, which the examined example, the SIAHGEL fire temple, has all these characteristics that are specific to the buildings of the Sassanian period.

Besides the wide variety of materials used in this period (rubble stone, cut stone, brick, mud brick, clay, mud, plaster, wood, etc.), the masterful use of rubble stone and plaster mortar for constructing various buildings is a distinctive feature of the architecture of this period. About the SIAHGEL fire temple, we can say that the use of durable materials such as rubble stone, sarooj, and plaster mortar, as well as the masterful application of large arches (porticoes) around the dome chamber, are among the reasons for the structural stability of this chahartaq building.

Keywords: Sustainable materials, Dome, Arch, Sassanid architecture, Siahgel fire temple

Investigating the Methods of Construction and Stability of Dome and Arch Structures With Sustainable Materials in Sassanid Period Architecture (Case Study: SIAHGEL Ivan Fire Temple)

Mansour Mansouri¹

Received: 2023-09-27, Accepted: 2024-02-17

DOI: 10.22034/RAU.2024.2012486.1066

Abstract

Over the centuries, Iranian architects have created magnificent masterpieces of architectural works. One of the most substantial structural components of a building in Iranian indigenous architecture, which significantly influences the formation and durability of the architectural work, is the coverings, especially domes and arches. A notable point about the dome-shaped architectural forms is the static nature of these traditional structures. The Sassanian era is significant for Iranians, with many analyses discussing its building structures. At the beginning of the Sassanian Empire, when Zoroastrianism was declared the official religion, Zoroastrian fire temples were found to be a stable stronghold for their rule. In Zoroastrianism, the four essential elements (water, fire, air, and earth) are regarded as sacred, and contaminating them is considered sinful. Among these, fire was given the most importance because, besides being pure and sacred, they benefited from its light and warmth. For this reason, during the Sassanian period, besides constructing significant and large fire temples, many chahartaqs were also built where religious ceremonies were held.

On the other hand, Iranian architects have traditionally used the dome in buildings as a symbol of the sky and a means of connection between earth and God, and they were even the first people to present creative ways of constructing this element on a square base. They have extensively used this identity-forming element in structures such as mosques and mausoleums. Since then, Iranian architects have created various types of domes with the best form and shape using traditional methods. Sassanian architects had great skill in erecting arch and dome coverings on a square base, and their method of erecting domes spread and continued in various regions. During the Sassanian period, dome construction became so prevalent and evolved that since then, the dome

1. Department of Architecture and Urban Planning, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran. Email: m-mansori@tvu.ac.com



the researched buildings. This approach enables a detailed analysis of the spatial relationships between different building components, such as rooms, corridors, and outdoor spaces. Also, it facilitates the identification of patterns and trends in the data that can inform our understanding of how architecture influences human behavior. This comparison is conducted through field observations and space analysis using computer modeling in DephtMapX software. By analyzing real-world data and using computer simulations, we can test different design scenarios and evaluate their effectiveness in achieving specific goals. Besides, this approach allows us to account for factors that may affect human behavior, such as lighting, acoustics, and temperature.

During the research, an analysis of three indicators of spatial dialectics—namely, “integration,” “connection,” and “access”—was conducted on case samples of the research. The results revealed that the element “interconnection” has a homogeneous value and an average of 4.75. This value represents the visibility and openness of the spaces where there is a cultural center in the vicinity. Furthermore, this analysis highlights the importance of creating connections between different spaces within a cultural center, as well as between different centers themselves. Simultaneously, the amount of “connection” and “access” exhibits significant variety, indicating the number of entrances and diverse paths within the structure of the studied architectural space. This variability reflects the need for flexibility and adaptability in architectural design and a willingness to experiment with different layouts and configurations. Analyzing the spatial dialectic relationship and the success in the function of Tehran’s well-known cultural centers underscores the necessity of “physical and spatial integration” and diversity of “routes and accesses” as two effective strategies in architecture.

By incorporating these strategies into design decisions, architects can create spaces that are both functional and aesthetically pleasing. Architectural design can be further enhanced by incorporating natural elements such as light, water, or plants into the design to create a sense of connection between humans and nature. Additionally, incorporating interactive elements such as art installations or performance spaces can encourage social interaction and community engagement. Paying attention to spatial organization, functional arenas, aesthetic appeal, and strategically placing space-dividing components using transparent materials contributes to overall use, efficiency, and emotional response within architectural spaces. By prioritizing these factors in design decisions, architects can create spaces that are not only functional but also beautiful and engaging. Comprising technology such as digital displays or interactive exhibits can enhance visitor engagement and provide new opportunities for interactive learning experiences. Incorporating flexible seating arrangements or movable furniture can facilitate different types of activities and events within a cultural center. In conclusion, this research aims to provide valuable insights into the evolution of cultural centers in Tehran by analyzing their spatial dialectics relationship over time. The findings highlight the importance of creating connections between different spaces within a cultural center and between different centers themselves. By integrating these strategies into design choices, architects can develop spaces that are both practical and visually appealing.

Keywords: Architectural form, Spatial syntax, Spatial dialectics, Cultural center, Contemporary architecture of Tehran



Space Syntax and Physical Dialectical Relations of the Contemporary Cultural Centers of Tehran

Keyvan Mohammadpour¹, Ali Asgari²

Received: 2024-01-02, Accepted: 2024-06-21

DOI: 10.22034/RAU.2024.2019440.1076

Abstract

The cultural complexes, particularly cultural centers, play a crucial role in enriching the leisure time of teenagers and young people, fostering their awareness, and creating a platform for desirable social behaviors. In addition, these centers play a key role in shaping the cultural identity of young people and fostering a sense of community. They also offer a platform for creative expression, artistic growth, and social engagement, which are all crucial for individual well-being. The effectiveness of architectural design on the configuration and spatial relations of these types of spaces is crucial in optimizing the functional efficiency of these centers. For instance, the space design can significantly influence the way people interact with each other, the physical environment, and the activities and programs offered by the center. Moreover, integrating sustainable materials and energy-efficient systems can lessen the building's environmental impact while enhancing indoor comfort and health. Effective design strategies can include using natural light, ventilation, and insulation to reduce energy consumption and create a sense of connection to the outdoors. This approach can also enhance the space's aesthetic appeal, making it more inviting and enjoyable for visitors. By incorporating these strategies into design decisions, architects can create spaces that are not only functional but also sustainable and environmentally friendly.

This research aims to investigate the identification of effective components in the spatial dialectic relationship of Tehran's leading culture centers from the second Pahlavi period to the contemporary period. This research aims to provide valuable insights into the evolution of cultural centers in Tehran and identify the key factors that contribute to their success. By analyzing the spatial dialectics of these centers, we can gain a deeper understanding of how architecture can influence the social and cultural dynamics of these spaces. The research method employed in this study is quantitative in terms of the applied developmental goal and relies on a mathematical simulation approach to analyze the physical geometry of

1. M.A. in Architecture, Faculty of Art and Architecture, University of Science and Culture, Tehran, Iran.
Email: keyvan.mohammadpour@outlook.com
2. Assistant Professor, Department of Architecture, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: ali.asgari@iau.ac.ir



of the impact of the environment on children's psyche and habits, which causes anxiety and worry in many cases. Due to its interdisciplinarity, the architecture industry uses categories such as cognitive sciences, social sciences, humanities, and art in its content. Ultimately, not only the final result of design but also the process of design and architecture should be studied and researched. The distance between the hidden space, as the intellectual and ideal environment of the designer, and the current environment, as the space that is built and used, is very different. If the ideal space is transformed into a physical structure, the social, cultural, and psychological well-being of the space's users must be carefully considered. Objectivity and introspection in design, the impact of the physical environment on children's creativity, and leveraging these connections are crucial focal points. Regrettably, the mindset of constructing for the sake of construction without regard for life neglects these vital considerations. Hence, research in this domain is crucial and indispensable.

To address these inquiries, "How can the architectural environment and the physical body be molded according to the needs and traits that impact the development and creativity of children to maximize their flourishing?" Additionally, "How does architectural space influence the sense of belonging and creative thinking in children?"; Drawing on concepts from figures such as Eric Berne's "Reciprocal Behavior Analysis" and Piaget's "Child Psychology" can be highly beneficial. In the following, we will discuss the questions of this research: "Which factors in the interior design of the kindergarten space can lead to the promotion of imagination, play, and curiosity of the child? "By responding to these questions, the goal is to create environments that foster children's development by leveraging the potential of the surroundings to encourage creativity.

The research has been compiled using an analytical-descriptive method and library techniques, with explanations and organization provided. Case examples have been included to aid in understanding the topic. The researcher's goals have included focusing on works to facilitate comprehension, as well as conducting case studies and analysis.

Keywords: Kindergarten, Child psychology, Environment, Environmental psychology, Creativity



Investigating the Interior Design of Kindergarten Spaces With Environmental Capabilities in Promoting Creativity

Roham Shahryari¹, Hadiseh Kamran Kasmaei²

Received: 2023-09-26, Accepted: 2024-02-20

DOI: 10.22034/RAU.2024.2012349.1064

Abstract

One problem of kindergartens in Iran is the lack of attention to the design of space based on the principles of aesthetics and nurturing creativity, and not giving priority to designing the educational spaces in compliance with design standards, which unfortunately leads to creating environments unsuitable for children's needs. The ongoing study is qualitatively oriented, focusing on outcomes, primary goals, and responses to inquiries. Consequently, analytical, perceptual, and categorized depictions emerged from the gathered data. The data collection approach is descriptive and library-based. This current research is practical in its objectives and qualitative in data nature. Information gathering is library-centric. The research follows a descriptive-analytical methodology.

Children learn through interaction with the physical and social environment. Architecture is a part of the education program, and educational-formal architecture is a building whose order and planning are derived from an educational approach that involves spaces for themselves and in education. Because of its interdisciplinary nature, architecture incorporates topics like cognitive science that can assist us in reaching these objectives. In the educational approach, indoor spaces act as a coach. Order, structure, and transparency are the characteristics of spaces. Surveys show that the presented aesthetic diversity provides the conditions for learning with all senses, and, as a result, every child in educational spaces sees their work as documentation or displayed images.

The category of environment in general, as well as environmental causes in particular, are among those that are important in terms of their influence and role on the child's behavior and psyche. The environment, as the basis of the child's activity and life, and the impact of the environmental conditions on the child is unavoidable. However, the importance of this matter, which is often forgotten amid modern life, construction, and industrialization, is the neglect

1. PhD student of Architecture, Faculty of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: rohamshahryari@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Architecture, Pardis Branch, Islamic Azad University, Pardis, Iran. Email: hadiskamran@pardisiau.ac.ir



with active and identifiable public spaces for the city, where people can meet, move, and communicate with each other. Physical space, to respond to social needs with the necessary opportunities to acquire social business, and public space in cities, can respond to these needs. But in contemporary societies, the downward trend of audience presence in public spaces and the weakening of the social sense, causes the experts of architecture and urban planning, in connection with the issues of social quality of the place, the amount of audience attraction, and the promotion of social belonging in the public space, researchers. Knowing the factors from the point of view of thinkers to understand the concept of concepts and its effect on the urban body and to investigate how to promote social needs and environmental connection in the Pamenar neighborhood is the main goal of this research. To answer this; The study investigates the interconnectedness of social interaction and the urban body and its environmental connections with a qualitative method of case study and analytical perspective, and by inferring the relevant findings and opinions of social science experts in the urban field to provide a reliable definition of the interaction between the body of the city and social interaction, and finally to explain the criteria for promoting interaction. Social presence is studied in the local plaza as one of the most effective public spaces in cities. The neighborhood studied in this article, Pamenar, is located in the heart of the historical context of Tehran. It is also a residential neighborhood whose residents can play an active role in maintaining and promoting its identity. The research findings indicate that the two primary indicators in the development of social interaction are the physical body and the creation of a social event (activity). The revitalization of this context depends on the development of social interactions. Therefore, the present article considered the two main factors of attention to the urban physical body and the reproduction of social events as endogenous factors in shaping urban revitalization. It examines the origin of the Pamenar revitalization within its context, exploring the historical background as a source of inspiration for generating fresh ideas. According to the particular location and the subject of the research, and based on the research and field investigations and multiple visits to the target site, designing a plaza with a revitalization approach is one of the best options in this place. Furthermore, the architectural significance of plaza design entails the creation of public and urban spaces comprising various elements like amphitheatres, cafes, galleries, bookstores, small vendors, and other necessary public areas. These communal spaces will be meticulously designed, evaluated, and scrutinized.

Keywords: Urban space, Social interaction, Historical context, Resuscitation, Plaza



The Role of Social Interaction in Revitalizing the Historical Context of Pamemar

Amir Masoud Dabagh¹, Maede Eftekhari², Mehranush Mofidi³

Received: 2023-09-27, Accepted: 2024-04-03

DOI: 10.22034/RAU.2024.2012484.1067

Abstract

People in a society become sophisticated when they face unfamiliar and unknown social and public challenges and spend part of their daily lives in the public arena. This issue raises the level of solidarity of people and makes the place a familiar one. The spaces we face daily, engage us socially, culturally, and communicatively. And by creating a high environment, they build a sense of peace and improve the spirit of society. (Cattell et al. 2008.) Since the urban space is incomplete and undefinable regardless of its social processes, many thinkers consider the importance of social space more than physical space. Social space is a social product, and every society produces its own space. The centrality of daily social attitudes and actions in space is considered concerning the importance of spatial aspects of the social organization of space. Therefore, the space is at the center of the continuity of historical and social processes and includes the confrontation over meanings and values. Continuous relationships between elements through shape, color, texture, and continuity patterns form the perception of organizational elements in the space and prevent any change and interruption in the space. The existence of sociable public spaces is an important supplement for people's socialization. The sociability of public spaces promotes the spirit of solidarity and individual growth of the city's people, regardless of race, age, socio-economic status, and gender. (Najari and Mehdinejad, 2019) Since urban space is incomplete and incorrect, regardless of its social processes, many thinkers consider the importance of social space more than physical space. Social space is a social product and each society and its production method produces its own space. Therefore, engaging in environmental links with the undeniable part of daily social and individual biological experiences and strong visual communication and spatial visualization causes that even with relocation, one's thinking develops. Living cities all have systems

1. Assistant Professor, Department of Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Soore University, Tehran, Iran. Email: dabagh@soore.ac.ir

2. M.A. in Architecture Engineering, Faculty of Architecture and Urbanism, Soore University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: eftekhari1234@yahoo.com

3. PhD of urban planning, Department of Urban Engineering, Faculty of Architecture and Urbanism, Soore University, Tehran, Iran. Email: Mehranosh.mofidi@soore.ac.ir



of people's attachment and the provision of optimal privacy have been measured separately.

Based on the available evidence and based on the main framework of the research, the indicators of attachment to the place and solitude have been presented, and then with the help of objective observation and the design of targeted questionnaires from users, various factors have been presented on the attachment of students to the library.

To check the desired level of privacy of the spaces, it has been checked with a qualitative method. The library uses quantitative and qualitative methods to compare the amount of privacy in the library spaces with the users' need for privacy in that space. In this way, the content of the questionnaire was checked and SPSS software was used for quantitative and qualitative analysis of the survey.

With the correlation method, it was checked that providing optimal privacy in the library environment can affect students' attachment. The results of the research indicate that providing optimal privacy in the library environment can affect students' attachment. If privacy is provided, the basis for the formation of goals such as personal independence, reducing emotions, the possibility of self-evaluation, and controlled communication with others will be provided to the patrons of the central library. The provision of the mentioned items has led to the improvement of the emotional relationship between the person and the environment, which creates the basis for the creation and development of attachment to the place of the library for the person.

Keywords: Solitude, Attachment, Attachment to place, Library of the Ferdowsi University of Mashhad

The library uses quantitative and qualitative methods to compare the amount of privacy in the library spaces with the users' need for privacy in that space. The questionnaire content was reviewed and SPSS software was utilized for both quantitative and qualitative analysis of the survey.

Using the correlation method, the study explored how providing optimal privacy in the library setting can impact students' attachment. The findings revealed that ensuring optimal privacy in the library environment can influence students' attachment.

The level of attachment of patrons to different spaces of the library varies from person to person. People choose places based on their needs and preferences and become dependent on them, which is caused by their individual, social, and cultural characteristics. Meanwhile, some people are attracted to active and collective learning environments according to the amount of privacy they want, and others may prefer a calm and quiet study environment with visual privacy.

Libraries, as public spaces, may appear ideal for studying, solitude, social interactions, and engaging in dialogue. However, issues and discontent can arise because of constraints on maintaining personal space, privacy, and solitude, leading to reactions against forced social interactions.

This research is divided into three parts. In the first part, based on the available evidence and based on the main framework of the research, the indicators of attachment to place and solitude are presented, and then with the help of objective observation and the design of targeted questionnaires by users, various factors are presented on the students. The attachment to the library is presented using a qualitative method. The second part, to investigate the level of privacy in library spaces, compares the level of privacy in library spaces with the users' need for privacy in that space with quantitative and qualitative methods.

In the third part, with the correlation method, it has been investigated that the provision of optimal privacy in the library environment can affect the students' attachment. Therefore, in this article, we have tried to answer the following questions.

- What are the factors affecting people's attachment to the library and reading in it?
- How is the desired solitude achieved in the library environment and what factors does it depend on?
- To what extent can the provision of privacy in the library environment affect students' attachment?

As mentioned before, the main goal of this research is to find the relationship between the two concepts of attachment to a place and the concept of solitude. To explore the hypothesis, first, assess individuals' attachment levels to different library study spaces and the privacy offered in each area. Next, analyze the connection between these variables. Therefore, in the first stage, the level



Evaluation of the Role of Privacy on the Promotion of Place Attachment in the Library of Ferdowsi University of Mashhad

Ghasem Motalebi¹, Samira Pakravan², Bita Esmaeeli³, Bahareh Bahramifar⁴

Received: 2023-08-19, Accepted: 2024-02-26

DOI: 10.22034/RAU.2024.2009492.1061

Abstract

The developmental journey of individuals through their academic years profoundly shapes their character, a progression influenced by various factors, notably their interactions within their environment. According to this belief, one of the important and effective meanings of the relationship between man and the environment from the point of view of designers and psychologists is attachment to place.

University libraries, because of their important and decisive role in education and research, are referred to by students, faculty members, and staff. The need for solitude in such study spaces has always been the concern of architects and designers. But today, educational research environments, especially universities, have rarely been able to provide suitable places for students' attitudes and behavior and gain success in responding to all their needs. Concerning the acknowledgment of these concepts in the library domain, there has been no exhaustive study conducted utilizing their documents and analysis. Therefore, the purpose of the present study is to evaluate the role of solitude in the promotion of place attachment in the library of the Ferdowsi University of Mashhad.

Based on the available evidence and based on the main research framework, indicators of attachment to place and solitude are presented.

Then, utilizing objective observation and tailored user questionnaires, multiple factors influencing students' attachment to the library are explored using qualitative methods to understand the preferred level of solitude in these spaces.

-
1. Associate Professor of Architecture, Faculty of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Iran. Email: motalebi@ut.ac.ir
 2. Master of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad. Email: pakravan.samira@mail.um.ac.ir
 3. Master of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad. Email: esmaeeli.bit@um.ac.ir
 4. Department of Architecture and Urban Planning, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: bahramifar@yahoo.com

ades since the introduction of this urban development model to the country shows that these models and plans have failed to achieve their goals to provide a favorable environment for citizens and improve their quality of life.

Considering the problems of the current urban development models and plans and the need to provide a quality place for the citizens to live and the basis for their growth and excellence, it is necessary to pay attention to the native Islamic Iranian city model. Therefore, after introducing the principles and components of the Islamic Iranian city model, the present study tries to provide a comprehensive pathology of the current situation in line with the obstacles to the realization of the Islamic Iranian city model in Iran's urbanism system.

To achieve the challenges to the realization of the Islamic Iranian city model, eleven interviews were conducted with experts and city officials. The people selected for the interview are professionally and directly related to this field. Therefore, their expression in this matter can help us approach the reality of the issue and the challenges as closely as possible. In the present study, we used the qualitative content analysis method; because achieving the depth and meaning of the interview text and finding the root of the challenges to the realization of the Islamic Iranian city model is very important in this research. For this purpose, we used ATLAS. ti (7.5.7) software to analyze the interviews.

Three stages of open coding, axial coding, and selective coding were performed in the analysis of the interviews to achieve a level of information systematization and integration based on which we can answer the main research question. The result of the analysis of the interviews is the achievement of 133 codes, 12 sub-themes, and 4 themes. Challenges and obstacles to the realization of the Islamic Iranian city model in four areas theoretical challenges, legislative challenges, structural challenges, and functional challenges were achieved, and each of which and its subset were analyzed.

The challenges related to the theoretical theme deal with educational and university problems and the lack of definition and discourse in the field of the Islamic Iranian city model. In the legislative theme, the issues related to the field of legislation and the formulation of laws and regulations, and the problems and issues that exist in the subject of urban regulations and rules are discussed. In the structural theme, some flaws in the institutional and executive mechanisms and processes of Iran's urbanism system are investigated. The functional theme assesses the performance of managers, planners, and executive institutions. It explores the challenges of urban development plans within the urbanism system.

Finally, after analyzing research findings and theoretical studies, solutions for establishing a conducive context for realizing the Islamic Iranian city model are proposed.

Keywords: Islamic Iranian City Model, Content analysis, Iran's urbanism system, Islamic urbanism



Challenges and Obstacles to the Realization of the Islamic Iranian City Model in Iran's Urbanism System

Seyyed Rasoul Ghazavi¹, Hamidreza Saremi², Hashem Dadashpoor³

Received: 2023-12-13, Accepted: 2024-02-26

DOI: 10.22034/RAU.2024.2017815.1072

Abstract

The focus and intellectual basis of urban planning movements during a century that has passed from the life of planning, has not been in the perfection and felicity of man and society, but in the economy and its dynamics with focus on material things. A study of contemporary urban planning theories shows that the macro goal and the intellectual framework that illuminates their way are influenced by the materialist definition of man, and its goals are defined in terms of materiality and originality of resources. This is while Islamic scholars, in introducing the utopia, have dealt with the importance of human status and the lofty goals of his life, as well as the appropriate environment for human growth. Such a city is built on the principles and rules that make it possible to follow the behavioral patterns of Islamic law to achieve a good human life.

On the other hand, taking into account that every civilization creates the structure and mechanism of the social life of people based on its teachings, values, and norms, it is necessary in the second phase of the Islamic revolution must move toward the establishment of a new Islamic civilization, the city and its development patterns; as the structure and mechanism of the collective life of people, it is formed based on the cultural, social, economic, political, security and physical factors emphasized by Islam and appropriate to Iran's ecosystem. To achieve such a model, numerous studies and research have been done so far, but the point that has been neglected is the lack of attention to the necessary context for operating the Islamic Iranian city model and the obstacles to its realization.

Imported and imitative urban development models that are the basis of urban development policies and plans in Iran, regardless of their origins and background and disregarding their context, have been brought as a healing prescription for Iran's urbanism system. However, the experience of more than five de-

-
1. Master of Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: sr.ghazavi@modares.ac.ir
 2. Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: saremi@modares.ac.ir
 3. Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: h-dadashpoor@modares.ac.ir



Title	Pages
Challenges and Obstacles to the Realization of the Islamic Iranian City Model in Iran's Urbanism System Seyyed Rasoul Ghazavi, Hamidreza Saremi, Hashem Dadashpoor	4
Evaluation of the Role of Privacy on the Promotion of Place Attachment in the Library of Ferdowsi University of Mashhad Ghasem Motalebi, Samira Pakravan, Bita Esmaeeli, Bahareh Bahramifar	6
The Role of Social Interaction in Revitalizing the Historical Context of Pamonar Amir Masoud Dabagh, Maede Eftekhari, Mehranush Mofidi	9
Investigating the Interior Design of Kindergarten Spaces With Environmental Capabilities in Promoting Creativity Roham Shahryari, Hadiseh Kamran Kasmaei	11
Space Syntax and Physical Dialectical Relations of the Contemporary Cultural Centers of Tehran Keyvan Mohammadpour, Ali Asgari	13
Investigating the Methods of Construction and Stability of Dome and Arch Structures With Sustainable Materials in Sassanid Period Architecture (Case Study: SIAHGEL Ivan Fire Temple) Mansour Mansouri	15



Rahpooye Memari-o ShahrSazi
(Quarterly Journal of Architecture and Urbanism)
Vol. 2, No. 8, Winter 2023

Director in-charge: **Mohammad Hossein Saei**
Editor in-chief: **Seyed Gholamreza Islami**
Published By: **Soore University**

■ **Mohammad Hossein Saei**

President of Soore University

■ **Seyed Gholamreza Islami**

Professor, Department of Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Soore University, Tehran, Iran.

■ **Hossein Soltanzadeh**

Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

■ **Alireza Einifar**

Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture, University College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

■ **Rima Fayaz**

Professor, Department of Architectural technology, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran.

■ **Minou Gharehbaglou**

Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

■ **Naser Barati**

Associate Professor, Department of Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, Soore University, Tehran, Iran.

■ **Hossein Zabihi**

Associate Professor, Department of Urban Development, Faculty of Civil, Architecture and Art, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

■ **Abdulhamid Noghrekar**

Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Science and Technology, Tehran, Iran.

■ **Mehran Houshiar**

Associate Professor, Department of Advanced Studies in Art, Faculty of Art, Soore University, Tehran, Iran.

■ **Heidar Jahanbakhsh**

Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Payame Noor University, Tehran, Iran.

■ **Azadeh Shahcheraghi**

Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Civil, Architecture and Art, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

■ **Ghasem Motalebi**

Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture, University College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Executive Director: Pantea AlipourKouhi

Website: <http://rau.soore.ac.ir>
Email: architecture.rahpooyeh@soore.ac.ir





Rahpooye Memari-o ShahrSazi
(Quarterly Journal of
Architecture and Urbanism)
Vol. 2, No. 8, Winter 2023